

النبي الأعلیٰ بیع الأمان فی نضرة الأمان

بیع الأمان

نهر ربيع الأول

(جوابی، جیستے، جگونگے)

عہدی دوبارہ با امام زمان عجلت اللہ فرجه

محمد رضایی آدریانی

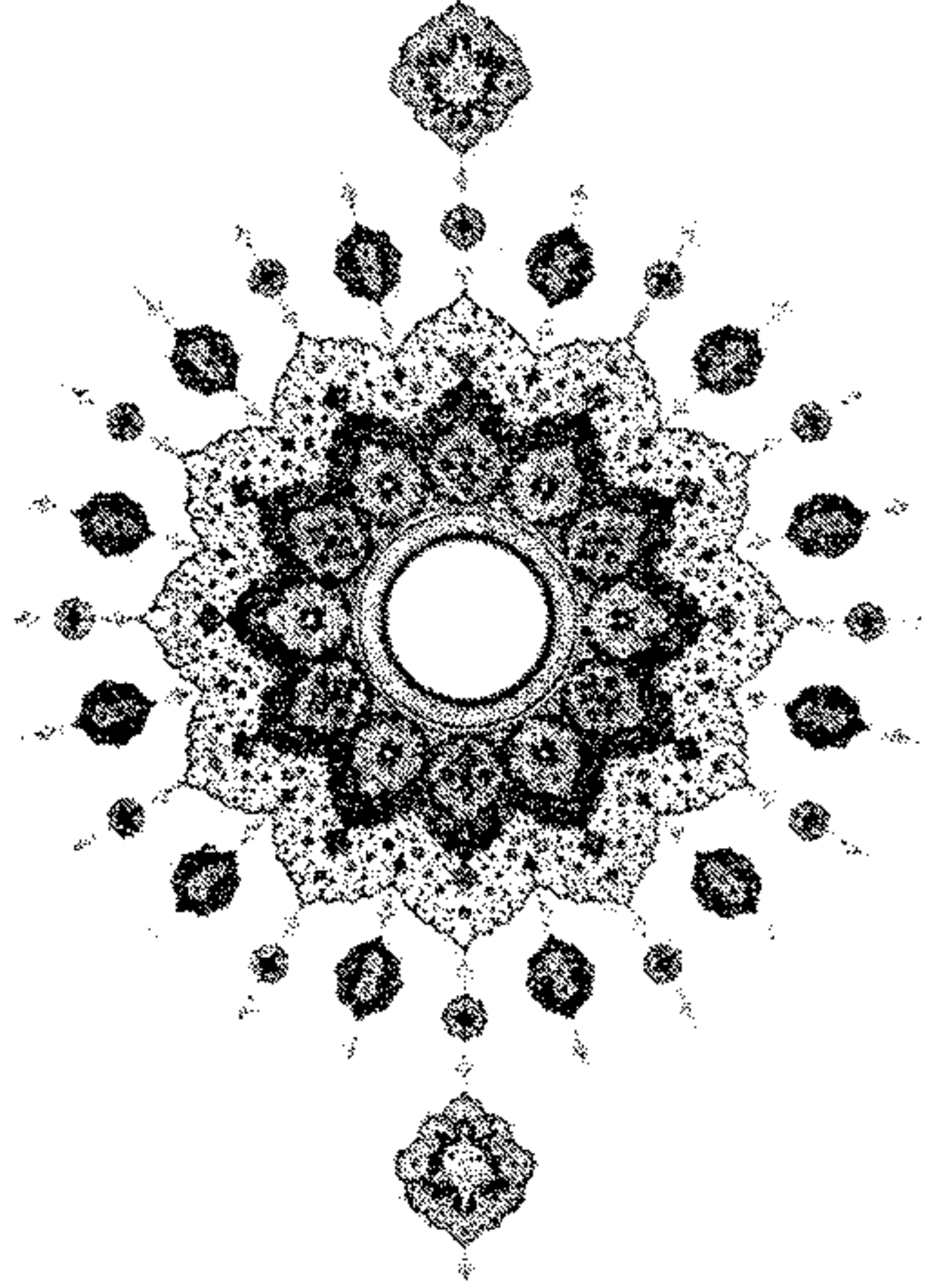


نہم ربیع الاول

(چرایے، چیسے، چگونگے)

عہدے دوبارہ با امام زمان

□ محمد رضایی آدریانی



سرشناسه	:	رضایی، محمد، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	نهم ربیع الاول (چرای، چیستی، چگونگی)، عهدی دوباره با امام زمان/ محمد رضایی آدریانی.
مشخصات نشر	:	قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۱۸۲ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۰۰۰۹-۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. [۱۸۱] - ۱۸۲ "همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	:	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
موضوع	:	مهدویت
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۲ ۹۵۵۶/۵۱/۳۵۵P
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۹۵۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۳۵۶۳۹۶



## نهم ربیع الاول (چرای، چیستی، چگونگی)، عهدی دوباره با امام زمان

- مؤلف: محمد رضایی آدریانی
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
- نوبت چاپ: اول/ زمستان ۱۳۹۲
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۰۰۰۹-۵
- شمارگان: دو هزار نسخه
- قیمت: ۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص. پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / (فروش) ۳۷۸۴۱۱۳۰ / (مدیریت) ۳۷۸۴۱۱۳۱ / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

○ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) / تلفن: ۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص. پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

- [www.mahdi312.com](http://www.mahdi312.com)
- [www.mahdaviat.ir](http://www.mahdaviat.ir)
- [info@mahdaviat.ir](mailto:info@mahdaviat.ir)

با قدردانی و تشکر از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جمعقری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فزادپیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (طراح جلد)، رضا فریدی (صفحه آرا)، خانم زینب احمدیان (ویراستار) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج):  
حسین احمدی





اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ

عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً



## فهرست مطالب

- پیش درآمد ..... ۸
- بخش اول: چرایی و مبنای عقلایی و دینی عید نهم ربیع الاول ..... ۱۳
- فصل اول: آغازبینی از نگاه فطری - دینی ..... ۱۴
- آغازیستی در زندگی آدمی ..... ۱۴
- پاسداشت آغازها در فرهنگ دینی ..... ۱۵
- معنای واژه عید با نگاه به آغازهای مقدس ..... ۲۱
- مناسبت‌های آغازین در زندگی معصومین علیهم‌السلام ..... ۲۲
- سخن پایانی ..... ۲۴
- فصل دوم: عید آغازهای ملکوتی چهارده معصوم علیهم‌السلام ..... ۲۶
- سخن پایانی ..... ۳۳
- فصل سوم: سطوح معنایی آغازهای زندگی معصوم ..... ۳۴
- سخن پایانی ..... ۴۱
- فصل چهارم: آغاز امامت امامان معصوم علیهم‌السلام در تاریخ ..... ۴۳
- فصل پنجم: معنای فلسفه تاریخی نهم ربیع‌الاول ..... ۵۱
- بخش دوم: چیستی و واقعیت تاریخی نهم ربیع‌الاول ..... ۶۱
- فصل اول: گاه‌شمار آغاز آخرین امامت ..... ۶۲
- فصل دوم: شخصیت‌شناسی امام مهدی علیه‌السلام در آستانه امامت ..... ۸۳
- شخصیت معنوی و علمی ..... ۸۵
- شخصیت عاطفی (اخلاقی و اجتماعی) ..... ۸۶



۸۸.....	شخصیت مدیریتی
۹۱.....	سخن پایانی
۹۲.....	فصل سوم: همه یاوران امام غائب <small>علیه السلام</small> در آغازین روزهای امامت
۹۴.....	احمد بن اسحاق قمی
۹۶.....	ابوالادیان
۹۹.....	مادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>
۱۰۰.....	مادر گرامی امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۰۱.....	حکیمه خاتون، دختر امام جواد <small>علیه السلام</small>
۱۰۲.....	سخن پایانی
۱۰۴.....	فصل چهارم: جغرافیای شیعه در آغاز امامت امام موعود <small>علیه السلام</small>
۱۰۹.....	سخن پایانی
	فصل پنجم: شیعه ایرانی از اولین تا آخرین غدیر با چشمانداز آخرین
۱۱۲.....	آغاز (ظهور)
۱۲۲.....	سخن پایانی
۱۲۵.....	بخش سوم: آداب و فرهنگ عید نهم ربیع الاول
۱۲۶.....	فصل اول: روز عید ولایت، روز شادی و سرور
۱۳۲.....	سخن پایانی
۱۳۴.....	فصل دوم: عید نهم ربیع الاول و شکر نعمت آن
۱۴۶.....	فصل سوم: فرهنگ جشن و شادی
۱۵۳.....	فصل چهارم: جشن بیعت، جشن استواری بر انتظار
۱۶۰.....	فصل پنجم: بیعت در گذر تاریخ



۱۷۷	..... سخن پایانی
۱۷۹	..... دعای عهد
۱۸۱	..... کتابنامه
۱۸۱	..... الف) کتابها
۱۸۴	..... ب) نرمافزارها
۱۸۴	..... ج) سایتها



## پیش درآمد

نهم ربیع الاول، سال روز آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام بر همه منتظران مبارک باد!

نهم ربیع الاول، در امتداد غدیر و به تعبیری والاتر، خود، غدیری دیگر است. نهم ربیع الاول، مدرکی برای تداوم خط غدیر در جلوه خورشید پس ابر است. نهم ربیع الاول، عید امامت و ولایت است.

نهم ربیع الاول، یادآور روز اکمال دین و اتمام نعمت است.

نهم ربیع الاول، برنامه‌ای الهی برای استمرار غدیر در آئینه امامت است. نهم ربیع الاول، حاصل بذر غدیر است.

نهم ربیع الاول، روز امامت، روز انتظار، روز ولایت، روز بیعت و پیمان دوباره با امام زمان علیه السلام است.

نهم ربیع الاول، عیدالله اکبر است؛ عید آل محمد علیهم السلام، عید هواداران حق و وفاداران به پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام.

نهم ربیع الاول، نشان دادن خورشید به گرفتاران ظلمت است.

نهم ربیع الاول، روز درخشش نور امید در دل مستضعفان مبارک باد!

نهم ربیع الاول، روز تقسیم شکوفه‌های لبخند بر همه منتظران حضرتش  
مباک باد!

پاس داشت نهم ربیع الاول، تجدید عهد با حضرت مهدی موعود علیه السلام است.  
پس بیاییم برای پاس داشت آخرین غدیر، با احیای فرهنگ تجدید بیعت  
در هر صبح‌گاه، به ویژه در صبح‌گاه نهم ربیع الاول، زمینه پایان بخشیدن  
به ظلمت را فراهم سازیم.

\*\*\*

نهم ربیع الاول، سال روز آغاز امامت امام دوازدهم شیعیان، امام زمان،  
مهدی موعود علیه السلام است. رویدادی که در سال ۲۶۰ هجری قمری رخ داد و  
از جهت تاریخی، شباهت فراوانی با بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و واقعه غدیر  
خم دارد؛ به گونه‌ای از که می‌توان آن را دوازدهمین و آخرین غدیر امامت و  
ولایت دانست.

و چون این روز در اهمیت و جایگاه تاریخی، مرتبه‌ای همانند بعثت و غدیر  
دارد، می‌طلبند که در آداب و رسوم و فرهنگ اجتماعی جوامع شیعی، به این  
روز به عنوان روز عید و جشن و شادی و سرور، توجهی ویژه شود و حال که  
این روز به عنوان عید امامت و مهدویت تعطیل رسمی نیست، حداقل همانند  
عید بعثت و غدیر و سال‌روز میلاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نیمه شعبان، به  
عنوان روزی مهم از سوی دولت‌مردان، هیئت‌های مذهبی و اصناف و گروه-  
های گوناگون مردمی مورد توجه قرار گرفته و مناسب شأن آن، مورد تکریم  
و احترام قرار گیرد.



تکریم و پاس داشت این روز، همانند جشن‌های انتظار در نیمه شعبان، باعث ایجاد فضای امید و نشاط و آینده‌نگری مقدس خواهد شد و بلکه ظرفیت‌ها و استعدادها را برای ایجاد امید و نشاط بیش‌تر از جشن نیمه شعبان است؛ بدان جهت که نیمه شعبان، سال‌روز میلاد امام موعود علیه السلام است و نهم ربیع الاول، سال‌روز آغاز امامت و ولایت ایشان.

فعلیت ولایت و امامت آن امام غائب، تاریخ بشر را نسبت به ظهور نزدیک‌تر ساخته و پاس داشت آن در چارچوب مبانی فرهنگ دینی می‌تواند این روز را - که سال‌روز آغاز دوران غیبت نیز هست - به دوران ظهور نزدیک‌تر سازد.

نهم ربیع الاول، نه تنها می‌تواند عیدی مهم برای شیعه باشد، بلکه شایسته‌ترین عید و جشن برای شیعه است؛ درست همان‌گونه که محرم و صفر (عاشورا و اربعین و ۲۸ صفر) محزون‌ترین مناسبت‌های شیعه هستند. چراکه این هفته مصادف با سخت‌ترین مصائب اهل بیت علیهم السلام هم‌چون حمله به خانه اهل بیت علیهم السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله است و پس از آن، دهه جشن‌ها و شادی‌های نبوی فرا می‌رسد. زیرا روز دهم ربیع الاول، سال‌روز ازدواج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و خدیجه کبری علیها السلام است؛ دوازده تا شانزدهم این ماه، سال‌روز ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به قبا و مدینه در سفر تاریخی هجرت می‌باشد و ۱۷ ربیع الاول نیز سال‌روز میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام است.

پس نهم ربیع الاول، در مرز دو دوره عزاداری شیعه و دهه جشن‌های نبوی است و می‌تواند نقطه عطف فرهنگی شیعه از حزن مقدس به شادی آسمانی باشد.

این اثر - که از معدود آثاری است که به این موضوع در حیطة معارف مهدوی می‌پردازد - تلاش می‌کند تا به جای مطالب حماسی و احساسی، قرائتی علمی و تحلیلی درون‌دینی از رویداد نهم ربیع الاول ارائه دهد و اهتمام دارد تا رویداد نهم ربیع الاول را از زوایای گوناگون نظری، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مورد بازشناسی قرار دهد؛ تا هم مبانی و خاستگاه این رویداد بررسی شود، هم پاس‌داشت آن، مورد اثبات و تأکید قرار گیرد و هم در مقام تعریف فرهنگ‌سازی جشن مقدس نهم ربیع‌الاول، مسئولیت‌ها و رسالت‌های شیعیان در قالب آئین‌ها و شعائر فرح‌افزا معرفی گردد و کارکردها و چرایی و چیستی آن شعائر معرفی شود. تا در نهایت دانسته شود که نهم ربیع‌الاول، مهم‌ترین روز در پیوند شیعه مهدی‌باور و امام غائب است و شیعیان نباید از این روز غفلت ورزند.

بدین جهت، این کتاب در سه بخش ارائه می‌گردد:

بخش اول به مبانی پاس‌داشت نهم ربیع‌الاول از منظر کلامی - عرفانی و مبتنی بر آموزه‌های فطری، قرآنی و شیعی می‌پردازد.

بخش دوم، واقعیت تاریخی نهم ربیع‌الاول را در بستر مقایسه آن با آغازهای مقدس پیشین، به مطالعه می‌نشیند.

و در بخش سوم، تلاش شده است که رسالت‌ها و مسئولیت‌های مهدی - باروان در مواجهه با این روز شناسایی شده و در مقام فرهنگ‌سازی، این روز به عنوان روز عید عهد و پیمان و بیعت معرفی شود.

محمد رضایی آدریانی



بخش اول:

---

**چرایی و مبنای عقلایی و دینی**

**عید نهم ربیع الاول**

---

## فصل اول: آغازینی از نگاه فطری - دینی

### آغاززیستی در زندگی آدمی

لحظه آغازین روی دادهای خاص در زندگی آدمی همواره جایگاهی معنایی و معنوی برای او داشته است؛ همانند لحظه تولد، هنگام بلوغ، سالروز ازدواج و... این لحظهها اگرچه از جهت زمانی، گاه از ثانیه‌ای محدود تا یک روز بیش‌تر طول نمی‌کشند، ولی ناظر به تغییر و تحولی ماندگار بر زندگی آدمی هستند. سال‌گشت آن‌ها همواره در کنار تجدید خاطره‌ها می‌تواند باعث پویایی و تقویت آثار و برکات آن روی داد شود.

برای فهم بهتر کارکردهای آغازهای بابرکت و اثرگذار در زندگی آدمی، کافی است نگاهی به چرخه زندگی طبیعی در کره زمین داشته باشیم و مشاهده کنیم که چگونه چرخه تکراری اما نشاط‌آور صبح‌گاه در هر روز، آغاز ماه یا آغاز سال نو (نوروز بهاری که مایه شکفتن طبیعت است) مورد توجه انسان‌ها و بلکه دیگر موجودات جاندار می‌باشد و چگونه هر صبح، با وجود تکرارش، مایه آغاز حیات و زندگی و نشاط و امید در تمامی موجودات جان‌دار و حتی بی‌جان می‌شود و لحظه طلوع خورشید، همواره یکی از زیباترین صحنه‌های هر روز از روزهای کره زمین می‌باشد.

پس لحظه آغازهای شاد و بابرکت در طبیعت، جزو لحظه‌ها و روزهای



شاد طبیعت است و لحظه‌های شادی‌آفرین در زندگی آدمی، همانند تولد، بلوغ، ازدواج یا اخذ یک جایگاه علمی و اجتماعی، از روزهای شاد و نشاط‌آور برای فطرت آدمی است. بنابراین توجه و تمرکز بر آغازهای زیبا و شادی-آفرین، امری هماهنگ با طبیعت (جهان هستی و بُعد جسمانی آدمی) و فطرت (بُعد اختصاصی و روحانی آدمی) است.<sup>۱</sup>

بدین جهت وقتی سخن از توجه و پاس‌داشت مناسبت‌های شادی‌آفرین مذهبی - که یادآور آغازی مقدس و معنوی و ملکوتی هستند - می‌شود، نیازی به جستجوی دلیل و مدرک و مستند برای این فرهنگ دین‌داری نیست؛ چراکه این فرهنگ، فرهنگی هماهنگ با نظام طبیعت و فطرت آدمی، و بلکه ناظر به آسمانی و معنوی بودن این مناسبت‌هاست. فرهنگ متعالی پاس‌داشت شادی‌های مقدس تاریخی باعث رشد و ارتقای آن گرایش درونی و سطحی آدمی شده و آن را از آداب و رسوم خرد زمینی، به آداب و رسوم تعالی‌بخش و کمال‌آفرین تبدیل می‌کند.

### پاس‌داشت آغازها در فرهنگ دینی

بنابر آنچه تبیین شد یکی از معیارهای دین‌پژوهی با هدف تشخیص حق

---

۱. همان‌گونه که آغازهای ناگوار هم هماره به عنوان روزهای حزن‌انگیز به صورت فطری و طبیعی مورد توجه بشر بوده است. مواردی همانند سال‌مرگ، حوادث طبیعی ویران‌گر، شکست در نبرد، ناکامی‌های مهم در زندگی فردی، همانند نقص عضو، شکست عشقی، شکست شغلی و... .

از باطل، جستجوی جایگاه فرهنگ شادی و حزن در هر یک از دین‌های مدعی حقانیت است تا روشن شود که آیا آن دین به نیاز فطری و طبیعی هر انسان در قالب فرهنگ‌ها و مناسبت‌های شادی‌آفرین و حزن‌آوری که باعث تلطیف معنوی روح می‌شوند، توجه داشته است یا خیر؟<sup>۱</sup>

اینک که توجه به آغازهای مهم و پاس‌داشت آن‌ها در زندگی انسانی یک خصلت طبیعی - فطری محسوب می‌شود، آیا در دین اسلام به این میل فطری، طبیعی و تاریخی بشر توجهی شده است یا خیر؟

در مقام پاسخ باید گفت: در فرهنگ ادیان ابراهیمی، تحولات مهم مثبت و منفی که دائر مدار اولیای معصوم (پیامبران) هستند، به تدریج مجموعه‌ای از اعیاد و روزهای جشن و شادی یا روزهای حزن و سوگواری مقدس و دینی را شکل داده‌اند که دین‌داران در سال‌گرد آن‌ها با انجام سلوک‌های خاص شادی‌آور یا حزن‌آفرین سعی می‌کنند به تعالی و کمال بیش‌تر دست یابند.

مبنای این دیدگاه این است که معصومین، در مقام انسان کامل، بالاترین ارتباط معنوی و معنایی را با حق تعالی دارند؛ بدین جهت روی داده‌های مهم دوران زندگانی یا رسالت آن‌ها بازتاب مستقیمی بر جریان تاریخی مواجهه

---

۱. بر مبنای این نگاه، دین و مذهب مورد نظر فرقه سلفی - وهابی که همه جلوه‌های فرهنگی اسلامی و مناسبت‌های دینی را نابود و محو کرده، و دین و شریعتی بی‌نشاط ارائه می‌دهد، نمی‌تواند دینی یا مذهبی کامل و جامع باشد؛ چراکه مذهب مورد نظر آن‌ها به بخشی از نیازهای فطری و طبیعی بشری پاسخ نداده است.



حق و باطل خواهد داشت و انسان‌های دین‌دار با رعایت سلوک دینی - فرهنگی خاص در سال‌روز این مناسبت‌ها می‌توانند زمینه ساز راه‌های میان-بر در مسیر تکامل خود باشند.

«عید پسخ» در آیین یهود<sup>۱</sup> و «عید پاک» در آیین مسیحیت<sup>۲</sup> نشانه ریشه‌دار بودن اعیاد دینی و روزهای مقدس در این دو آیین می‌باشد.

در فرهنگ اسلامی هم مهم‌ترین مستند پاس‌داشت روزهای خاص تاریخی، آیه ۱۱۴ سوره مائده است. این آیه منشأ نام‌گذاری سوره مائده شده است؛ چراکه در آیات ۱۱۲ و ۱۱۴ آن، سخن از درخواست سفره آسمانی است. این درخواست را حواریون از حضرت عیسی علیه السلام داشتند و حضرت عیسی علیه السلام هم برای اطمینان قلب آن‌ها<sup>۳</sup> و این‌که یاران خاص خود را

---

۱. عید پسخ، عید پاس‌داشت خروج بنی‌اسرائیل از مصر و نجات آن‌ها از فرعون و فرعونیان می‌باشد که اواخر اسفند هر سال برگزار می‌شود.

۲. عید پاک در نزد مسیحیان، عید زنده شدن مسیح پس از به صلیب کشیده شدن و عروج او به آسمان است. این عید در قدیم به علت به صلیب کشیده شدن مسیح در عید پسخ، هم‌زمان با آن برگزار می‌شد؛ ولی در قرن‌های معاصر با فاصله و در اوائل فروردین برگزار می‌شود.

۳. خوردن غذای آسمانی آماده شده در فرایند معجزه، آثار و برکات فراوانی بر جسم و بدن آدمی دارد. کسی که در محضر این سفره بنشیند، چون در محضر معجزه خداوندی است، مشمول فیض و برکت ویژه حق تعالی قرار می‌گیرد؛ بدین جهت رسالت و مسئولیتش سنگین‌تر خواهد شد. البته خوردن این غذا به معنی بهشتی شدن<sup>۴</sup>

مشمول عنایت و برکت ویژه‌ای نماید تا ثبات قدم و استواری بر حق پیدا کنند، درخواست آن‌ها را پذیرفت و از خداوند خواست که به آن‌ها غذایی آسمانی عطا کند و آن روز را عیدی برای اولین و آخرین پیروانش قرار دهد:<sup>۱</sup>

«قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛  
 «عیسی بن مریم عرض کرد: خداوند! پروردگارا! از آسمان مائده‌ای بر ما بفرست تا برای اول و آخر ما عید گردد و نشانه‌ای از تو باشد و به ما روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی.»

ظاهر آیه تصریح دارد که روز افاضه غذای آسمانی به حواریون اگر چه حادثه‌ای خاص است، ولی تأثیری که آن مائده بر حواریون داشته و باعث ثبات ایمانی آن‌ها و تقویت بنیان‌های دین حق در آن مراحل سخت و اولیه همراهی با حضرت عیسی علیه السلام گشته است، باعث شده که آن روز به عنوان عیدی مبارک، پیوسته در دین حق پاس داشته شود.

---

قطعی افراد نیست؛ چراکه در آیه ۱۱۵ تأکید شده دارد که امکان کفران وجود دارد، کفرانی که عذابی سخت را به دنبال خواهد داشت.

۱. اگرچه منابع مسیحی به واقعه‌ای که در این آیه آمده، کمترین اشاره‌ای ندارند (رک: *المیزان*، ذیل آیه)، ولی برای اثبات مشروعیت عید و مناسبت‌های دینی و اسلامی، مهم‌ترین استدلال قرآنی در برابر وهابی‌ها و تکفیری‌هاست.

البته نزول سفره آسمانی بر حواریون، عیدی رسمی برای مسلمانان نیست؛ ولی ساختار این آیه، مهم‌ترین مستند و دلیل دینی برای شناخت معیار روزهای عید یا روزهای خاص دینی و معنوی نسبت به روزهای دیگر است. معیار تشخیص روزهای خاص و شاد دینی در بررسی رابطه‌های آسمانی و زمینی زیر نهفته است:<sup>۱</sup>

جهان هستی و طبیعت	مردم	ولی معصوم	حق تعالی
محل ظهور برکت، آثار و نشانه‌های افاضه	متعلق و هدفِ نهایی افاضه	واسطه اخذ افاضه با انجام معجزه یا رفتاری خاص، یا آغاز زندگی زمینی	ایجاد افاضه خاص، آسمانی و ملکوتی

بر اساس این رابطه، معیار و ملاک اصلی در تشخیص روز عید، تحقق افاضه و نزول برکت و نعمتی خاص از آسمان بر زمین است.<sup>۲</sup> هر چه این افاضه یا متعلق آن عظیم‌تر باشد، اهمیت آن روز فزون‌تر می‌گردد؛ مثلاً در تاریخ زندگانی پیامبران علیهم‌السلام، به ویژه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روزها و مناسبت‌های

۱. معیار تشخیص روزهای حزن و سوگ هم شبیه این رابطه است: ولی حق < جهان هستی < جبهه حق < جبهه باطل. در این رابطه، هر زمان که بر ولی حق مصیبتی سنگین از سوی جبهه باطل وارد شود، به طوری که برای جبهه حق، آثار تشریحی و برای جهان طبیعت، آثار تکوینی داشته باشد، آن روز، روز حزن و سوگ در عالم تشریح و تکوین و در عالم شهود و ملکوت خواهد بود.

۲. درست همان‌گونه که در فرهنگ دینی تأکید شده است که موقع نزول باران، یکی از لحظه‌های استجاب دعاست؛ چراکه این لحظه، جلوه‌گر رحمت و برکت نازل شده از آسمان بر زمین است.



فراوانی وجود دارد، ولی در این میان، مناسبت‌هایی مهم شمرده شده‌اند که برای ولیّ حق، مردم یا جهان هستی، دارای برکت و خیر بیش‌تر بوده‌اند.

عید قربان در ادیان ابراهیمی و عید فطر، عید مبعث یا زادروز پیامبر اکرم ﷺ در دین اسلام، همگی یادآور روزهای افاضه ویژه یا آغاز یک افاضه ممتد و مستمر هستند. بدین جهت در دین اسلام مورد پاس‌داشت قرار گرفته و به عنوان «ایام‌الله» نام‌گذاری شده‌اند: «وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ»<sup>۱</sup>.

علامه طباطبایی رحمته‌الله درباره دلیل نام‌گذاری روزهای خاص به «ایام‌الله» می‌فرماید:

«شکی نیست که مراد از ایام، ایام مخصوصی است و نسبت دادن ایام مخصوص به خدا - با آن که همه ایام و همه موجودات برای خداست - حتماً به خاطر حوادثی است که در آن ایام مخصوص به وجود آمده و امر خدای تعالی را ظاهر ساخته است و در دیگر ایام، چنین ظهوری ندارد.

پس به طور مسلم، مقصود از ایام خدا، آن زمان‌هایی است که امر خدا و آیات وحدانیت و سلطنت او ظاهر شده یا ظاهر می‌شود؛ مانند روز مرگ، که در آن روز، سلطنت آخرتی خدا هویدا می‌گردد و اسباب دنیوی از سببیت و تأثیر می‌افتند. و نیز مانند روز قیامت که هیچ‌کس مالک چیزی نیست و برای کسی کاری نمی‌تواند بکند و همه امور، تنها به دست خدا است. و نیز

مانند ایامی که قوم نوح و عاد و ثمود در آن به هلاکت رسیدند؛ چون این ایام، ایامی هستند که قهر و غلبه الهی در آن ظاهر گشته و عزت خدایی، خودنمایی کرده است.<sup>۱</sup>

### معنای واژه عید با نگاه به آغازهای مقدس

واژه «عید» از کلمه «عود» به معنی بازگشت است. به ایام‌اللهی که جشن و شادی معنوی و مقدس در پی دارند، عید می‌گویند؛ چون کارکرد آداب و سنن این روزها، بازگرداندن مردم به فضای معنویت و ایجاد صفای جسم و جان است. در نگاه دینی، شادی اگر با معنویت و یاد خداوند ترکیب شود، می‌تواند مسیر و عاملی برای رشد و قرب و کمال گردد. بر این اساس است که روزهای مقدس تاریخی، «عید» نام گرفته‌اند تا در ترکیب جشن و شادی مقدس با آداب و سنن معنوی، زمینه بازگشت به فطرت و رشد معنوی برای مؤمنان فراهم شود.

عیدهای اسلامی، بیانگر جمع آغازهای مقدس و سلوک معنوی و شادی-آفرین هستند. به عنوان نمونه:

- عید قربان: عید افاضه ویژه خداوند بر ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام و بسترساز رسیدن ابراهیم علیه‌السلام به مقام امامت؛ عیدی که با قربانی و استحباب اطعام (حرمت روزه) و شادی مؤمنان همراه است.

- عید فطر: عیدی پس از یک دوره سلوک عبادی و آغازگر یک دوره

---

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۲۳.

نوین؛ عید پایان یک ماه بندگی ویژه و آغاز زندگی پاک و دینی دوباره.  
- عید مبعث: عید آغاز آخرین و برترین رسالت؛ عید برترین افاضه حق  
تعالی بر زمینیان، به واسطه نزول اولین آیه قرآن و مبعوث نمودن خاتم  
پیامبران ﷺ.

بر معیار همان رابطه چهار سویه است که وقتی چیزی تعلقی خاص به  
خداوند بیابد، ارزش خاصی یافته و عنوان شعار و علامت خدایی می‌گیرد:  
«ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»<sup>۱</sup>.

«شعائر» جمع «شعیره» و به معنی علامت است.<sup>۲</sup> اگرچه این آیه درباره  
حج است، ولی معیار و ملاکی که معرفی می‌کند، درباره هر آن چیزی است  
که تعلق ویژه به خداوند بیابد؛ و چه چیزی بزرگ‌تر و بالاتر از روزهای  
خاصی که متعلق به چهارده معصوم علیهم‌السلام و برترین آفریده‌های خداوند  
هستند؟!

### مناسبت‌های آغازین در زندگی معصومین علیهم‌السلام

در فرهنگ اسلامی، روزهای آغازگر طبیعی یا تاریخی نسبت به اهمیتی  
که برای زندگی انسانی دارند، دارای جایگاه ویژه‌ای هستند؛ همانند روز ۲۵  
ذی‌القعدة که روز دحوالارض و گسترش زمین از زیر کعبه است؛ روزی که

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۷۳، ذیل آیه.



آغازگر حیات زمینی است که بعدها محل سکونت انسان‌ها شد.<sup>۱</sup>

ولی مهم‌ترین روزها، روزهایی هستند که تعلقی ویژه به ولیّ معصوم داشته باشند؛ چراکه روزی مثل دحوالارض، بسترساز زندگی زمینی و بُعد تکوینی انسان‌هاست، ولی روزهای مرتبط با ولیّ معصوم، زمینه‌ساز هدایت و کمال انسان‌ها و شکل‌گیری بُعد تشریعی آن‌هاست.<sup>۲</sup>

نگاهی به فهرست این روزها می‌تواند نشان‌گر اهمیت این آغازها در فرهنگ اسلامی - شیعی و وسعت خیر و برکت آن‌ها باشد:

- بعثت: آغاز رسالت پیامبر اسلام ﷺ (۲۷ رجب)

- هجرت: آغاز حکومت اسلامی (شروع حرکت: ۱ ربیع‌الاول، ورود به قبا: ۱۲ ربیع‌الاول، ورود به مدینه: ۱۶ ربیع‌الاول)

- غدیر: معرفی امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام (۱۸ ذی‌الحجه)

- زادروز پیامبر اسلام ﷺ و امام صادق علیّ علیه السلام (۱۷ ربیع‌الاول)<sup>۳</sup>

بدین جهت است که زادروز چهارده معصوم علیهم السلام در فرهنگ شیعه، عید است؛ چراکه وقتی درباره معصومی همانند حضرت زهرا علیها السلام آمده است:

---

۱. رک: مفاتیح الجنان، اعمال روز دحوالارض.

۲. البته روزهای آغازگر معصومین علیهم السلام حتی دارای آثار و بازتاب‌های تکوینی هم می‌باشد که گستره آن از عالم بالا تا زمین را شامل می‌شود.

۳. نزد اهل سنت، زادروز و سال‌گرد هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه، ۱۲ ربیع‌الاول است و این روز تا پیش از رسوخ گرایش‌های وهابی، به علت هم‌زمانی میلاد و هجرت، روز عید و شادی دینی بود.

«خاستگاه او از بهشت است»،<sup>۱</sup> بدیهی است که ولادت او بر زمین هم مایه برکت و خیر است؛ کما این که به هنگام میلاد معصومین علیهم السلام انبوه فرشتگان حاضر می‌شده‌اند.<sup>۲</sup> این بدین معناست که لحظه میلاد معصوم، زمان تجلی و افاضه‌ای است که با خود، فرشتگان و خیر و برکت را از آسمان به زمین می‌کشاند.

هم‌چنین در شب میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مُلک و ملکوت چنان روی داده‌هایی رخ داد که علمای یهود و مسیحیت و حتی زرتشت (در ایران) نشانه‌های میلاد مهمی را در آسمان و زمین مشاهده کردند.

### سخن پایانی

توجه به آغازهای شادی‌آفرین، امری طبیعی و فطری در زندگی انسان-هاست. در این میان، هیچ آغازی مهم‌تر از آغازهای نشاط‌آفرین در زندگی انسان‌های کامل نیست. بدین جهت است که در ادیان آسمانی، «ایام‌الله» عیدهایی هستند که یادآور آغازی مهم در تاریخ دین حق می‌باشند. پس ریشه و منشأ فطری و دینی عیدهای مقدس، آغازهای ملکوتی در زندگی اولیای حق است و هر دین‌دار ضمن شادی و سلوک مقدس در این روزها، با احیا و پاس‌داشت و تکریم شعائر الله می‌تواند جهشی قابل توجه در

۱. الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهراء، ج ۲، ص ۱۳.

۲. رک: بحار الأنوار، داستان میلاد معصومین علیهم السلام.

مسیر کمال‌جویی و قرب و تعالی خود بردارد.<sup>۱</sup>

---

۱. نمونه پیوند آغازهای طبیعی با سلوک معنوی در فرهنگ اسلامی و به ویژه در مکتب تشیع، اعمال و مناسک دینی خاص در اول هر ماه قمری، به ویژه در آغاز ماه محرم، رجب، رمضان، ذی القعدة و ذی الحجه می‌باشد، و این امر، نشان‌گر اثرگذاری آغاز مُلکی و طبیعی بر زندگی آدمی است، خصوصاً اگر این آغازها با مناسک و اعمال دینی و ملکوتی همراه گردد. حال اگر این تحولات مُلکی و طبیعی با تولد معصومی همراه باشد یا برکتش ناشی از تولد یا عید معصومی باشد، بدیهی است که آثار طبیعی‌اش مضاعف خواهد بود.

## فصل دوم :

### عید آغازهای ملکوتی چهارده معصوم علیهم السلام

در زندگی ۱۴ معصوم علیهم السلام همواره دو آغاز مهم وجود داشته است؛ یکی آغاز مُلکی، تکوینی و زمینی<sup>۱</sup> و دیگری، آغاز ملکوتی، تشریحی و ولایی. در اولین آغاز، اصل وجود معصوم - به عنوان برترین آفریده حق تعالی - تجلی زمینی پیدا می‌کند و در دومین آغاز، مقام و مرتبه معنوی و معنایی آن معصوم، فعلیت و عینیت می‌یابد. دامنه و گستره اثرگذاری آن تجلی مُلکی و افاضه ملکوتی، منحصر به زمین و زمینی‌ها نیست؛ بلکه اگر وجود عالم موازی اثبات گردد، از آن جا که انسان کامل، برترین آفریده الهی و آیت‌الله العظمی و واسطه فیض است، بدیهی است که دامنه اثرگذاری این تجلی‌های دوگانه، تمام عوالم خواهد بود و در هر عالم، اثرات خود را نشان خواهد داد.

عوالم	تجلی مُلکی	تجلی ملکوتی
عالم فرشتگان	ابتهاج و سرور و نزول بر زمین <sup>۲</sup>	نزول در مقام ابلاغ یا بیعت <sup>۱</sup>

۱. واژه هبوط در قرآن به عنوان آغاز زندگی زمینی انسانی است. البته در این واژه، اصل روی داد مهم است، نه زمان آن.

۲. درباره اهمیت قرآنی زادروز معصومین علیهم السلام به دو آیه ۱۵ و ۳۳ سوره مریم درباره تولد حضرت یحیی و حضرت عیسی علیهم السلام مراجعه شود.



عالم جن (جن‌های گمراه به رهبری ابلیس)	تلاش برای جلوگیری از تولد معصوم <sup>۱</sup> فریاد و ناله به هنگام تولد معصوم <sup>۲</sup>	فریاد و ناله هنگام آغاز امامت معصوم ناراحتی به خاطر استمرار خط ولایت
عالم طبیعت	برکت و نشاط	تسبیح و تقدیس و ...

اگر یک روی داد تاریخی، بسترساز شادی و سرور برای تمام عوالم مُلک و ملکوت شود، به هنگام سالگرد آن روی داد، مرتبه و درجه‌ای از آن آثار و برکات، تجلی دوباره خواهد یافت. بدین جهت است که در فرهنگ معنوی شیعه، شبی مانند شب مبعث، همواره پرخیر و برکت است؛<sup>۴</sup> چراکه در آن

۱. نزول جبرئیل به هنگام بعثت پیامبر اسلام ﷺ یا در مقام ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام یا بیعت جبرئیل با ایشان در غدیر به عنوان اولین بیعت‌کننده و نیز بیعت او با امام مهدی علیه السلام در هنگام ظهور.

۲. تلاش تاریخی ابلیس برای جلوگیری از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام با فعال-سازی شیاطین انسانی و زمینی.

۳. فریادهای ابلیس به هنگام میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام بعثت و غدیر.

۴. بر اساس قانونی در فیزیک اثبات می‌شود که هیچ چیز در این عالم از بین نمی‌رود و نشان و اثر آن باقی می‌ماند و بر اساس آن می‌شود با دستگاه‌های پیچیده، گذشته‌ها را بازکاوی کرد یا همانند فایل‌های حذف شده از حافظه کامپیوتر، آن‌ها را ری‌کاوری نمود. پس از آن‌جا که عالم طبیعت، ادامه و امتداد مادی عوالم بالاست، معلوم می‌شود که این خاصیت برای عوالم بالا هم هست و وقتی در لحظه‌ای از زمان، تجلی‌ای رخ دهد، یک چرخه و روند ثابت زمانی هم برای آن ثبت می‌شود؛ همانند نزول مکرر

شب، فرشتگان نزولی ویژه بر زمین و زمینیان خواهند داشت و بازتاب حضور ویژه فرشتگان آسمانی، برکت و خیر برای عالم طبیعت - به صورت طبیعی - و عالم انسانی - در صورت برقراری ارتباط - می‌باشد.

از آن جا که در فرهنگ دینی، رشد و کمال معنایی و معنوی انسان‌ها مهم‌تر از نجات دنیوی آنهاست،<sup>۱</sup> بدیهی است که مناسبت‌های آغازگر ابعاد ملکوتی چهارده معصوم علیهم‌السلام مهم‌ترین مناسبت‌های آغازگر در زندگی بشری است.<sup>۲</sup> بدین جهت است که در مکتب و فرهنگ شیعه، دو مناسبت بعثت - به عنوان آغاز دین و رسالت پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - و غدیر - به عنوان آغاز فصل امامت و ولایت در دین خاتم - جایگاه ویژه‌ای دارد.

قرآن هم حداقل در دو آیه به این دو آغاز اشاره کرده است:

- آیه ۱۶۴ سوره آل عمران: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»؛ «خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات او را تلاوت می‌کند و آنان را پاک می‌گرداند و به آنها علم

→

فرشتگان در شب‌های جمعه به کربلا یا نزول مکرر و سالیانه فرشتگان در شب قدر بر ولی معصوم.

۱. «وَ مَنْ أُخِيهَا فَكَأَنَّمَا أُخِيَ النَّاسَ جَمِيعًا». سوره مائده، آیه ۳۲.

۲. با این معیار، روی دادهایی همانند هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها‌السلام به عنوان الگوی خانواده دینی، مناسبت‌های مهمی هستند.

کتاب و حقایق حکمت را می آموزد».

– آیه ۳ سوره مائده: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ «امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم».

البته در فرهنگ قرآنی، اهمیت و برکت بعثت منحصر در بعثت پیامبر اسلام ﷺ نیست،<sup>۱</sup> ولی هیچ بعثتی به اهمیت بعثت پیامبر اسلام ﷺ نمی رسد. هم چنان که عید آغاز ولایت و امامت منحصر به غدیر نیست و آغاز امامت همه دوازده امام علیهم السلام اهمیت دارد؛<sup>۲</sup> اما واقعه غدیر خم، به عنوان آغاز جریان امامت، از جایگاه معنوی و فرهنگی ویژه ای برخوردار است.<sup>۳</sup>

---

۱. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطُّغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» سوره نحل، آیه ۳۶.

۲. حتی در منابع اهل سنت هم روایات نبوی درباره دوازده نفر بودن جانشینان پیامبر وجود دارد. رک: *البدایة و النهایة*، ج ۶، ص ۲۴۸؛ *صحیح مسلم*، ج ۶، ص ۴ و *مسند احمد*، ج ۵، ص ۱۰۱.

۳. البته در زندگی امام اول شیعیان، آغازهای متعددی وجود دارد؛ مثلاً روز بعثت که روز مسلمان شدن آن حضرت هست، یا اعلان ولایت ایشان که در سال سوم بعثت بوده یا اعلان خلافت و امامت ایشان که غیر از غدیر در دو مناسبت دیگر هم اتفاق افتاده است؛ اولین آن ها پس از رحلت پیامبر ﷺ بوده – که آثار تکوینی و ملکوتی آن بر خود امام در فصل های آینده بررسی خواهد شد – و دیگری آغاز خلافت ظاهری آن حضرت است که سه روز پس از قتل عثمان رخ داد. (قتل عثمان، ۱۶ ذی الحجه سال ۴۰۰)

بدین جهت است که در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و مکتب تشیع، به پاس-  
داشت غدیر، به عنوان مهم‌ترین عید در اسلام، توجه و عنایتی ویژه‌ای شده  
است. در فرهنگ روایی شیعه، چهار عید مهم وجود دارد؛ قربان، فطر، غدیر  
و جمعه؛ و در این میان، هیچ عیدی به اهمیت عید غدیر نیست.<sup>۱</sup>  
بازشناسی نوع مواجهه با روی داد غدیر در سیره و فرهنگ‌سازی تاریخی  
اهل بیت علیهم السلام می‌تواند الگو و راه‌گشای فرهنگ جشن و شادی برای آخرین  
غدیر (نهم ربیع‌الاول) باشد. بدین جهت در این فصل، نیم‌نگاهی به تعریف  
عید و فرهنگ شادی در روز عید غدیر از منظر اهل بیت علیهم السلام خواهیم داشت.  
عید غدیر در فرهنگ معصومین علیهم السلام

بنیان‌گذاری جشن عید غدیر به سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در همان روز  
غدیرخم در سال ۱۰ هجری باز می‌گردد؛ چراکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از  
خواندن خطبه‌ای مفصل و اعلان ولایت امیرالمومنین علیه السلام، خیمه‌ای ویژه  
جهت بیعت‌گیری برای امام بر پا کرد. سپس امام را در آن خیمه نشانید،  
لباس و عمامه‌ای ویژه بر تن آن حضرت کرد و از صحابه خواست که ده  
نفر، ده نفر، برای بیعت داخل خیمه شوند و حتی زنان مسلمان هم با دست

→

۳۵ هجری و آغاز خلافت امام، ۱۸ ذی الحجه همان سال) رک: الطبقات کبری، ج ۳،  
ص ۲۳ و انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۰۵.

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: بحار الأنوار، ج ۳۷، باب ۵۲، اخبار الغدیر و همان، ج ۹۴،  
باب ۶۰ فضل یوم الغدیر و صومه.



گذاشتن در ظرف آب با امام بیعت کردند.

این در حالی بود که شادی و سرور در چهره مسلمانان دیده می‌شد و حسان بن ثابت در جمع مردم و پیش روی پیامبر ﷺ شعرخوانی می‌نمود و خداوند هم آیه اکمال<sup>۱</sup> را نازل فرمود.<sup>۲</sup>

پس از رحلت پیامبر ﷺ و رخداد جریان سقیفه و تلاش جمعی از صحابه برای غصب خلافت، اگرچه امیرالمؤمنین و اندک یارانش با یادآوری روی داد و بیعت غدیر خم در برابر کودتاگران ایستادند، ولی مهم‌ترین شخصیتی که پرچم غدیر را در آن روزهای سخت برافراشته نگاه داشت، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود که خطاب به صحابه فرمود: «انسیتم قول رسول الله یوم غدیر خم من کنت مولاہ فعلی مولاہ؟»<sup>۳</sup>

پس از آن، فهرست احیای غدیر در سنت و سیره معصومین علیهم السلام چنین است:<sup>۴</sup>

<p>– به هنگام جلسه شورای شش نفره، پس از قتل خلیفه دوم</p> <p>– در زمان خلافت خلیفه سوم، در جمع صحابه و تابعین</p>	<p>در زمان خلفا</p>	<p>امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small></p>
---	-------------------------	--

۱. «الیوم اکملت لکم دینکم...». سوره مائده، آیه ۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۵۲؛ اخبار الغدیر، ص ۱۰۸؛ الغدیر، ج ۱، ص ۳۶؛ همان، ج ۱، ص ۵۳۷ و الصحیح من السیره النبوی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج ۳۱، ص ۱۱۹.

۳. الصحیح من السیره النبوی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج ۳۲، ص ۸۸ و بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۰۷.

۴. در این زمینه، رک: بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۱۰؛ الغدیر، ج ۱، ص ۳۳۱، ۳۴۲، ۳۵۷ و مفاتیح الجنان، اعمال روز عید غدیر.

<p>- در جنگ جمل با طلحه (۳۶ ق) و در صفین (۳۷ ق)          - در شهر کوفه و در سالی که غدیر با جمعه همزمان شده بود<sup>۱</sup>          - در شهر کوفه به هنگام تجدید بیعت برخی صحابه با آن حضرت، با عنوان نهضت احیاگران غدیر (۳۸ ق)</p>	<p>در زمان خلافت امام</p>	
<p>آشکارسازی مزار گمنام امام و تلاش برای احیای غدیر با فرهنگسازی زیارت مزار امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در روز عید غدیر</p>	<p>امام صادق <small>علیه السلام</small></p>	<p>باقی امامان <small>علیهم السلام</small></p>
<p>فرهنگسازی برای احیای عید غدیر به عنوان برترین عید اسلامی در جامعه شیعی<sup>۲</sup></p>	<p>امام رضا <small>علیه السلام</small></p>	
<p>زیارت مزار علوی در روز عید غدیر و هدیه زیارت امام در آن روز به شیعیان و محبان اهل بیت <small>علیهم السلام</small></p>	<p>امام هادی <small>علیه السلام</small></p>	

گسترده‌گی توجه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به غدیر به عنوان مهم‌ترین مناسبت شادی‌آفرین و عید شیعه، بیانگر آن است که این عید دارای برکت‌های فراوان تکوینی و تشریحی است و باید پاس‌داشته شود. احیای غدیر به عنوان سال‌گشت آغاز ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را باید از دو زاویه نگریست؛ یکی از جهت وظیفه و رسالت احیای امر امامت و ولایت، و دیگری از منظر کارکردها، برکت‌ها و بازتاب‌های تکوینی و ملکوتی‌ای که این پاس‌داشت در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤمنان خواهد داشت.

۱. رک: بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۱۲. (این داستان در فصل‌های بعدی ارائه خواهد شد)

۲. رک: همان.

## سخن پایانی

اگر عاشورا با فرهنگ حزن و ماتمش، جلوه تبری شیعه از جریان باطل است، غدیر نیز با فرهنگ جشن و شادی‌اش، جلوه تولی شیعه نسبت به جریان حق است. بدیهی است که وقتی سخن از غدیر به میان می‌آید، منظور، توقف در غدیر نخواهد بود؛ بلکه - همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ۱۸ مورد از خطبه خود به صراحت یا اشاره به دوازده امام علیهم السلام، خصوصاً امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اشاره کرده است - سخن از احیای عید غدیر به معنی احیای عید توجه و اتصال پیوسته به امامت و ولایت می‌باشد.

از این رو، مخالفان جریان امامت یا شش امامی و هفت امامی‌ها و دیگر فرقه‌های انحرافی، هیچ‌کدام در مسیر پاس‌داشت سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم عمل نکرده‌اند؛ چراکه تنها راه احیای نبوت، راهی است که از مسیر احیای غدیر در یک ولایت‌پذیری پیوسته و مستمر به غدیر امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه می‌رسد.

## فصل سوم:

### سطوح معنایی آغازهای زندگی معصوم

می‌گویند روزی یک شیعه با سنی مناظره می‌کرد و تلاش بسیار می‌نمود تا افضلیت دوازده معصوم علیهم‌السلام و امامت آنان پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را اثبات نماید. آن شخص سنی به او گفت: «بر فرض که بپذیریم اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام از دیگران افضل هستند، در این صورت باز هم مسأله بی‌فایده یا کم‌فایده خواهد بود؛ چون اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام شخصیت‌هایی تاریخی بوده‌اند که با رحلتشان از این دنیا، فایده و اثرشان هم پایان یافته است».

شیعه پاسخ داد: «بر اساس آیات قرآن و روایات نبوی برای اهل بیت علیهم‌السلام سه مرتبه و مقام اثبات می‌شود که عبارت‌اند از رهبری سیاسی، ولایت تکوینی و مرجعیت علمی».

بر فرض که با رحلت انسان معصوم، دوره رهبری سیاسی و قدرت ولایت تکوینی‌اش تمام شود، ولی مرجعیت علمی او که پایان نیافته است. شما اهل سنت لااقل باید اهل بیت علیهم‌السلام و احادیث و علوم آنها را به عنوان مرجع و منبع فهم قرآن و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بپذیرید».

اینک پرسش آن است که به راستی، مراتب اثرگذاری مقام امامت تا کجاست؟ این مقام و منصب‌ها از چه وقت به امام داده می‌شود؟ در آغاز هر دوره و مرحله از مراحل رشد انسانی هر معصوم، چه مرتبه و مقامی به او

داده می‌شود؟

در مقام پاسخ باید گفت: در اندیشه انسان‌شناسی شیعه،<sup>۱</sup> هر انسانی مرکب از جسم و روح است. جسم او بر اساس روایات، ریشه در نطفه‌ای دارد که چون از طین (گل چسبنده) درست شده است، دارای قابلیت و استعداد های جسمانی است و به آن «طینت» می‌گویند. روح او نیز دارای آثار و خواص معنوی و گرایش‌های متعالی است که به آن «فطرت» می‌گویند.

طینت باعث شکل‌گیری صفات و خصوصیات جسمانی است؛<sup>۲</sup> بدین جهت از همان لحظه تشکیل نطفه، خصوصیات و صفات خاصی در انسان شکل می‌گیرد. ولی فطرت، یک اصل وجودی است و باید طی مراتب و مراحل به تکامل برسد.

فطرت همیشه وابسته به روح است؛ بدین جهت لحظه ورودش به بدن آدمی، هم‌زمان با ورود روح به بدن جنین، یعنی در سن چهارماهگی جنینی و پیش از تولد است؛ اما لحظه تجلی و نمود اولیه این فطرت، در زمان تولد

---

۱. در این زمینه، رک: انسان‌شناسی و مهدویت.

۲. «طینت» چیزی شبیه «ژنتیک» در دانش زیست‌شناسی است؛ با این تفاوت که ژنتیک دانشی فارغ از مباحث هستی‌شناسی است، ولی در بحث طینت، مباحث ژن‌ها و خواص جسمی با مباحث هستی‌شناسی و تقدیر و سرنوشت پیوند می‌خورد. بدین جهت در بحث طینت‌شناسی اثبات می‌شود که طینت و جوهره جسمی انسان کامل از پاک‌ترین و خالص‌ترین گل‌ها ایجاد شده است. یعنی انسان معصوم، هم از جهت گل وجودی‌اش و هم از جهت ارثی و وراثتی، دارای برترین ویژگی‌های جسمانی است.



نوزاد می‌باشد؛ چراکه پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «کل مولود یولد علی الفطره؛<sup>۱</sup> هر نوزادی بر فطرت پاک آسمانی متولد می‌شود». لحظه شکوفایی اولین مرتبه فطرت نیز در هنگام بلوغ است.<sup>۲</sup>

مبتنی بر این حقایق وجودی آدمی و در مقام بازشناسی میزان فعلیت یا بالقوه بودن این استعدادها جسمی و روحانی (فطری) می‌بایست بین انسان کامل و انسان کمال جو فرق و تفاوت گذاشت؛ چراکه در کمال جویی در انسان‌های غیرکامل، ریشه در درک حضوری از طینت متوسط و فطرت حداقلی دارد که هر دو به واسطه افعال و کردار آدمی، زمینه تکامل یا سقوط او را فراهم می‌کنند و اصولاً کارکرد دین، رشدهی و تعالی بخشی به طینت و فطرت آدمی است.<sup>۳</sup>

---

۱. بحار الأنوار، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲. روند تکامل فطرت در انسان شناسی قرآنی - شیعی چنین است: فطرت از ۴ ماهگی جنینی همراه با روح وارد بدن می‌شود؛ ولی فعال شدنش در لحظه تولد خواهد بود. از همان لحظه تا زمان بلوغ، هماهنگ با مراحل رشد و به موازات رشد حواس، اعضا و جوارح، بسترها برای شکوفایی فطرت نیز فراهم می‌شود تا در لحظه بلوغ، مرتبه حداقلی فطرت در وجود همه انسان‌ها شکوفا شود. از آن پس، اگر آدمی دین‌دار بود و عقل دینی در وجودش شکوفا شد، فطرت، رشد اختیاری می‌یابد؛ وگرنه در همان مرتبه حداقلی خود متوقف خواهد شد.

۳. اگرچه طینت در نگاه دینی، به معنی گل و سرشت خاکی آدمی است و به ظاهر غیر قابل تغییر می‌باشد، ولی وقتی در مجموعه روایی شیعه دقت کنیم، معلوم می‌شود که چون طینت اکثر انسان‌ها مخلوطی از گل‌های خالص و ناخالص است، بدین جهت آدمی زمینه کشیده شدن به هر دو طرف را دارد و مثلاً تغذیه حلال یا حرام زمینه شکوفایی طینت پاک یا طینت ناپاک انسان را فراهم می‌کند.

ولی در انسان‌های کامل - که همان معصومین هستند - اگرچه اصل وجودی طینت و فطرت آنان همانند دیگران انسان‌هاست، اما به جهت آن که می‌بایست صلاحیت الگو بودن را پیدا کنند، کیفیت وجودی آن‌ها متفاوت است. کیفیتی که ارتباطی مستقیم با آغازهای مراحل زندگی آدمی هم دارد؛ بدین گونه:<sup>۱</sup>

وضعیت وجودی انسان کامل	آغازها
تشکیل بُعد جسمانی از پاک‌ترین نطفه و تبار انسانی	زمان تشکیل نطفه
دمیده شدن روحی که استعدادهای فطری آن بالفعل است <sup>۲</sup>	زمان ورود روح در چهارماهگی جنینی
تولد نوزادی پاک، به دور از هر آلودگی و عیب از جهت جسمی، و از جهت فطری همراه با معرفت و ایمان، به گونه‌ای که در لحظه تولد، شهادتین را بر زبان جاری می‌کند	زمان تولد
رسیدن به بلوغ جسمی همانند دیگر انسان‌ها، با وجود فعلیت محض و متعالی فطرت از همان آغاز تولد <sup>۳</sup>	زمان بلوغ
افاضه مراتب و مقام‌های ملکوتی و معنوی ویژه‌ای که لازمه مقام امامت است	زمان رسیدن به امامت

۱. در این زمینه، رک: بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱، ابواب خلقهم و طینتهم و ارواحهم صلوات الله علیهم.

۲. بر اساس فرهنگ روایی شیعه، در حد فاصل افاضه روح تا زمان تولد، جنین می‌تواند با مادرش سخن بگوید یا آن که مادر صدای تسبیح و تقدیس او را بشنود.

۳. در معارف روایی شیعه بیان شده که روند رشد جسمی انسان معصوم نسبت به دیگر انسان‌ها سریع‌تر است تا قوای ادراکی او سریع‌تر آماده وظایف امامت شوند. بلوغ برای معصوم، بیش‌تر از جنبه بلوغ جنسی و برخی کارکردهای جسمی مطرح است، وگرنه روح و فطرت او از کودکی در مرتبه کمال است تا مانعی برای پذیرفتن منصب امامت در کودکی نباشد.

بر اساس فرهنگ حدیثی شیعه، انسان کامل، انسانی است که در هیچ مرحله از مراحل خلقت، دارای عیب و نقص نیست و در فرایند رشد، اولین مرحله از کمالات را هماره و پیوسته دارد؛ نه این که همانند دیگر انسان‌ها از استعداد محض به مراحل اولیه فعلیت برسد. بلکه او از مراتب اولیه کمالات بالفعل، در سیر ملکوتی و غیبی پیوسته به کمالات آسمانی می‌رسد.

بر این اساس، در انسان‌های کمال‌جو، مهم‌ترین مرحله در زندگی، پس از لحظه تولد، زمان بلوغ است؛ چراکه بلوغ، مرحله به فعلیت رسیدن فطرت انسانی آن‌هاست. ولی در امام، به علت بالفعل و شکوفا و کامل بودن جسم و روح و نیز طینت و فطرت، مرحله بلوغ، کارکردی حداقلی می‌یابد. چراکه امام، واجد عصمت و علم غیب است؛ عصمت، پاکی و طهارت پیوسته، و علم غیب، دانش بی‌کران و آگاهی‌های لازم مُلکی و ملکوتی را به امام می‌دهد. بدین جهت، مهم‌ترین مرحله در زندگی امام به جای مرحله بلوغ، لحظه رسیدن به امامت است.

تا پیش از امامت، امامان علیهم‌السلام چه با علم حضوری و چه با علم اکتسابی، از محضر معصوم پیشین به آمادگی دریافت مقام امامت می‌رسند و معیار و ملاک این آمادگی، تعالی روح و پاکی طینت است؛ نه مراحل رشد جسمانی. بدین جهت ممکن است یکی از معصومین در کودکی به امامت برسد و دیگری در بزرگسالی به این منصب انتخاب شود. آن‌چه از فرایند رشد در امام مهم است، زمان رسیدن به امامت و تحولی است که در آن زمان در وجود او ایجاد می‌گردد.

در فرهنگ روایی شیعه، ویژگی‌های زمان رسیدن به امامت چنین بیان شده است:<sup>۱</sup>

- کسب حالتی از خضوع و خشوع و فروتنی بسیار ویژه نسبت به خداوند

- آغاز الهام‌های ویژه از سوی پروردگار

- القای تمام معارف و علوم امام پیشین به امام بعد<sup>۲</sup>

البته کسب این حالات، غیر از به ارث بردن میراث معنوی و مکتوبی است که نزد اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام است و از امامی به امام دیگر می‌رسد؛ میراثی چون مصحف امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مصحف حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، کتاب جفر و کتاب جامعه،<sup>۳</sup> کتابی که اسامی شیعه و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام تا روز قیامت در آن مکتوب است.

---

۱. در این زمینه، رک: بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۹۱، باب ۳ (ان الامام متی يعلم انه امام) و باب ۴ (الوقت الذی يعرف الامام الاخیر ما عند الاول).

۲. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «تمام علم نزد امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود و آن علم به امامان بعد هم به همان اندازه ارث می‌رسد». بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۹۵.

۳. مصحف امیرالمؤمنین علیه‌السلام قرآنی است که آن حضرت پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بر اساس ترتیب نزول و با ذکر تمامی روایات تفسیری نبوی درباره هر آیه جمع‌آوری نموده است. مصحف حضرت زهرا علیها‌السلام نیز کتابی است که در دوران بستری شدن ایشان، ملائکه بر ایشان خواندند و امیرالمؤمنین آن را املا کرد و در آن، احوال مردم تا روز قیامت نگاشته شده است. جفر کتابی است مشتمل بر تمامی کتاب‌های آسمانی سابق، و جامعه کتابی است مشتمل بر همه دانش‌هایی که مردم به آن نیاز دارند (ظاهراً دانش‌های غیردینی و دنیوی). الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷۲.

پس امام هم واجد دانش‌های حضوری است - که در هنگام امامت به نقطه اوج و کمال می‌رسد - و هم صاحب گنجینه‌ای از دانش‌های مکتوب ماورائی است که در آن، علم اولین و آخرین و دانش‌های غیبی فراوانی موجود است.

بدیهی است که لازمه عصمت همیشگی امام معصوم و علم غیبی که در زمان امامت به نقطه اوج خود می‌رسد، اثبات جمیع مراتب و مقام‌های دنیوی و ملکوتی برای امام است که شامل این موارد می‌شود:

- رهبری سیاسی

- مرجعیت علمی

- ولایت تکوینی و واسطه فیض بودن بین حق تعالی و جهان هستی

- ولایت ناظر به مدیریت کلان جهان بشریت به سوی غایت و غرض

آفرینش<sup>۱</sup>

پس لحظه آغاز امامت هر امام، لحظه‌ای بسیار خاص است؛ چراکه در آن

لحظه، ضمن انتقال دانش تمام هستی از امام پیشین به امام بعدی، ولایت و

---

۱. این ولایت غیر از ولایت تکوینی است. در ولایت تکوینی، نظام آفرینش در محضر

امام است، ولی در این ولایت، در چارچوب افاضه سالیانه مقدرات زمینی و انسانی در

شب قدر از آسمان و عرضه اعمال بندگان، هفته‌ای دو مرتبه، امام به صورت پنهانی

جهان را مدیریت می‌کند و جهان بشری را به سوی بهشت زمینی ظهور - که بر

محوریت عبودیت و عدالت است - پیش می‌برد. در این مدیریت ملکی و ملکوتی،

مواجهه اصلی او با ابلیس در عالم باطن، و تمامی شیاطین انس در ظاهر می‌باشد.



راهبری تمام مُلک و ملکوت نیز به امام بعدی منتقل می‌شود. ممکن است لحظه بعثت انبیا یا به امامت رسیدن امامان در نگاه زمینی‌ها فرایندی ساده و نامحسوس باشد، ولی در نگاه ماورائی، آن قدر مهم است که برجسته‌ترین فرشته آسمانی، جبرئیل، در آن حضوری تام و تمام دارد و ابلیس در تمام این لحظه‌های آغازین - که ضربه‌ای است بر تلاش‌های تاریخی او در مسیر توسعه باطل - فریاد و ناله می‌کند.<sup>۱</sup>

### سخن پایانی

مسأله آغاز امامت و ولایت، متعالی‌ترین فرایندی است که در جهان انسانی رخ می‌دهد و بازتاب آن، شامل تمامی عوالم وجود می‌شود. اگرچه امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام همگی از جهت مقام امامت در یک مرتبه هستند و در لحظه آغاز امامت، مرتبه‌ای یکسان دارند - چراکه فرموده‌اند: «کلّهم نور واحد»<sup>۲</sup> - ولی به نظر می‌رسد که به خاطر جایگاه و مرتبه امامت و نوع مأموریت تاریخی، اولین و آخرین امام از جایگاه ممتازتری برخوردار هستند.<sup>۳</sup>

---

۱. ابلیس چهار مرتبه ناله سر داد؛ روزی که ملعون شد، روزی که به زمین هبوط کرد، روز مبعث و روز غدیر. بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۲۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۳.

۳. از جهت مرتبه امامان نسبت به یک‌دیگر، در روایات آمده است که هر امام از فرزند معصومش به اقتضای مقام پدری افضل است، اگرچه در مقام و مرتبه امامت یکسان هستند. با این وجود، تصریح روایات بر این است که افضل امامان پس از علیهم‌السلام

این حساسیت و اولویت نسبت به اولین و آخرین امامت، در شدت اهتمام و رهبری جبهه حق برای بسترسازی هدایت، و تلاش گسترده سران باطل برای جلوگیری از موفقیت جبهه حق نهفته است. از این رو، ماجرای غدیر خم و نهم ربیع الاول، دو عید شاخص در تاریخ امامت هستند.

→

امیرالمؤمنین علیه السلام امام موعود علیه السلام است: «تاسعهم باطنهم و هو ظاهرهم و هو افضلهم و هم قائمهم». الغیة، نعمانی، ص ۶۷

## فصل چهارم:

### آغاز امامت امامان معصوم علیهم السلام در تاریخ

در فرهنگ ولایت‌شناسی، ولایت‌باوری و ولایت‌زیستی، شاهد دوازده زادروز و سال‌گشت تولد برای امامت معصومین علیهم السلام هستیم؛ ولی شاید زادروز و سال‌روز ولایت هیچ امامی به اندازه امام اول و امام دوازدهم علیهم السلام دارای اهمیت نباشد؛ چراکه امام اول، مبنا و پایه خط امامت و ولایت است و تا مؤمن با شادی تجلی تکوینی (ولادت) و تشریحی (امامت و ولایت) آن امام سلوک ننماید، نمی‌تواند به مسیر ولایت حق راه یابد، و سلوک معنوی با تجلی و فعلیت و عینیت تکوینی و تشریحی امام دوازدهم علیهم السلام عمق و کمال این ولایتمداری را محقق می‌سازد.

بدین جهت است که در دوازده تجربه آغاز امامت و ولایت، هیچ‌کدام به اندازه اولین و آخرین آغازها دارای اهمیت نمی‌باشد؛ به ویژه که در تاریخ دینداری شیعیان هم هیچ زادروز و آغاز امامت امامی، به اندازه میلاد و به امامت رسیدن این دو بزرگوار، مورد توجه دوست و دشمن نبوده است.

به عنوان نمونه، موضوع وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام برای آخرین پیامبر، در ادیان و مذاهب آسمانی گذشته وارد شده بود و درباره ولادت و امامت امام موعود علیه السلام هم، به صورت کلی یا جزئی، گزاره‌های دینی در ادیان پیش از اسلام و نیز در قرآن و احادیث نبوی وجود داشت. بدین جهت حساسیت

اجتماعی نسبت به این دو امام بیش تر بود.

البته این حساسیت فراوان به معنی آمادگی جامعه دینی - اسلامی برای پذیرش امامت و ولایت معصومین علیهم السلام نبوده و نیست. بلکه همان گونه که تولد و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله با وجود پیشگویی های پیامبران پیشین در غربت اتفاق افتاد، آغاز امامت همه امامان نیز با نوعی غربت، مهجوریت، هجوم و فشار از سوی رهبران و جوامع باطل همراه بوده است که گزارش اجمالی آن چنین است:

امام معصوم	روز تولد	آغاز امامت	سن در هنگام امامت	وضعیت جامعه شیعه	وضعیت جامعه اسلامی
امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>	۱۲ رجب سال نهم بعثت	مرفی و اعلان خلافت حضرت: ۱۸ ذی الحجه، سال ۱۰ م ق آغاز امامت: ۳۹ صفر، سال ۱۱ م ق آغاز خلافت: ۱۸ ذی - الحجه سال ۳۵ م ق	۳۳ سالگی (شروع امامت) ۵۸ سالگی (شروع خلافت)	در اقلیت شدید	جامعه باطل در اکثریت، تمایل اکثر مسلمانان به جریان منافقین
امام حسن <small>علیه السلام</small>	۱۵ رمضان سال دوم م ق	۲۲ رمضان، سال ۴۰ م ق	۴۰ سالگی	در اقلیت	تنوع جامعه باطل از امویان، خوارج، ساکین و...

بخش اول، چرایی و مبنای عقلایی و دینی عید نهم ربیع الاول □ ۴۵

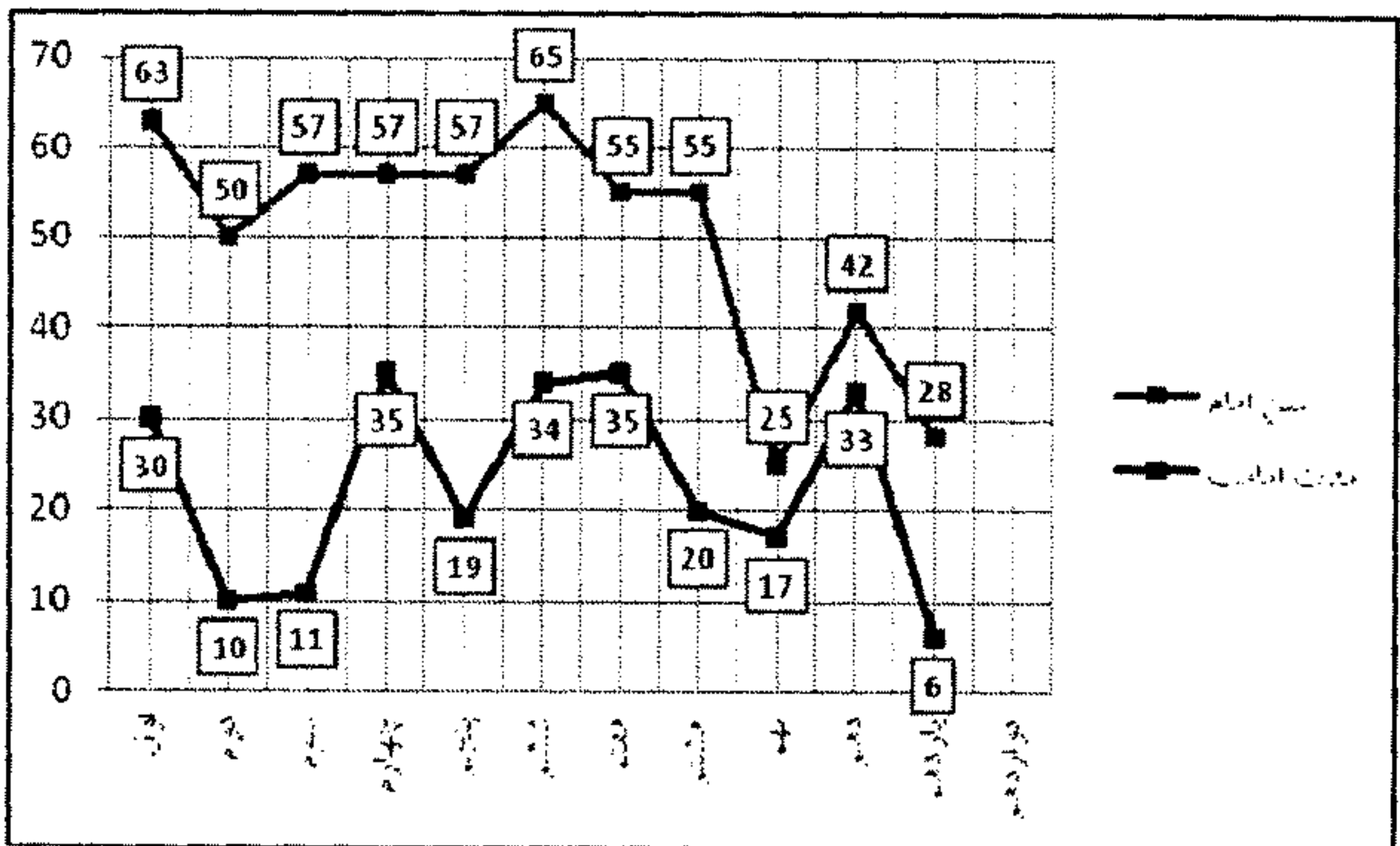
اما م حسین <small>علیه السلام</small>	۳ شعبان، سال ۳۰۵ق	۲۹ صفر، سال ۵۰۰ق	۴۷ سالگی	طراحی معاویه برای نابودی جامعه شیعه به ویژه در شهر کوفه	گسترده‌گی جامعه باطل حتی در مکه و مدینه
امام سجاد <small>علیه السلام</small>	۳ شعبان، سال ۳۸۰ق	۱۱ محرم، سال ۶۱۰ق	۳۳ سالگی	محدودترین و پراکنده‌ترین دوره برای شیعه یا مدعیان تشیع	اوج اقتدار ظاهری جریان‌های باطل پس از جنایت عاشورا
امام باقر <small>علیه السلام</small>	۱۰ رجب، سال ۵۷۷ق	۱۳ محرم، سال ۹۵۰ق	۲۸ سالگی	جامعه در حال احیاء اما پراکنده	اقتدار مروانیان و اوج دوران شیعه - کشی آن‌ها، به ویژه در عراق
امام صادق <small>علیه السلام</small>	۱۷ ربیع الاول، سال ۸۳ق	۸ ذی الحجّه، سال ۱۱۴ق	۲۱ سالگی	هسته اولیه شاگردان امام باقر <small>علیه السلام</small>	اقتدار مروانیان در کنار شروع شدن فعالیت عباسیان به عنوان جریان اصلاحات به ویژه در عراق
امام کاظم <small>علیه السلام</small>	۲ صفر، سال ۱۲۸ق	۲۶ ذوالحجّه، سال ۱۴۸ق	۳۰ سالگی	جامعه در حال شکل‌گیری شیعه به ویژه در شهرهای کوفه، بغداد و قم	اوج‌گیری قدرت عباسیان که باعث تقیه شدید در آغاز امامت امام کاظم <small>علیه السلام</small> شد
امام رضا <small>علیه السلام</small>	۱۱ ذی القعده، سال ۱۴۸ق	۲۶ رجب، سال ۱۸۳ق	۲۵ سالگی	جامعه شیعه در حال گسترش، در عین ریزش خواص و پیدایش فرقه انحرافی واقفیه	اوج خلافت عباسیان و اهتمام آن - ها به تقویت علمی و فرهنگی نظام خلافت
امام جواد <small>علیه السلام</small>	۱۰ رجب، سال ۱۹۵ق	۱۰ ربیع الاول، سال ۲۰۳ق	۸ سالگی	جامعه شیعه رو به سوی انسجام نهایی	خلافت و اجرای طرح‌های سیاسی پیچیده با هدف ضربه زدن به جریان امامت و فروپاشی شیعه از درون
امام هادی <small>علیه السلام</small>	۱۵ ذی الحجّه، سال ۲۱۲ق	۱۵ ذی الحجّه، سال ۲۲۰ق	۸ سالگی	شکل‌گیری نهایی هویت فرهنگی جامعه شیعه	احساس خطر عباسیان از قوت شیعه و گسترش آن و تلاش برای بحران‌آفرینی در رابطه شیعیان و امامان
امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	۸ ربیع الثانی، سال ۳۲۲ق	۴ رجب، سال ۲۵۴ق	۲۲ سالگی	جامعه شیعه و مسأله انتظار ولادت نسبت به مسأله ولادت امام موعود	حساسیت بسیار شدید خلافت نسبت به مسأله ولادت امام موعود



امام زمان <small>علیه السلام</small>	مق			و اوج فشار بر امام و شیعیان
۱۵ شعبان، سال ۲۲۵مق	۹ ربیع الاول، سال ۲۶۰مق	۵ سالگی	جامعه شیعی گسترده، اما در تقیه- ای شدید؛ با آگاهی محدود درباره امام موعود و پذیرای نیابت نواب خاص	هجوم و مراقبت شدید نسبت به وجود امام و آزار شدید شیعیان

دقت در این جدول مشخص می کند که هرگاه جامعه شیعه در نهایت اقلیت و ضعف بوده، عمر امامان و غالباً زمان امامت آن ها فزون تر و بیش تر بوده است؛ ولی وقتی به بخش پایانی دوره امامت نزدیک می شویم، سن امامان یا مدت زمان امامت آن ها یا زمان به امامت رسیدن آن ها به شدت کاهش می یابد، و این درست در زمانی است که تلاش امامان برای طراحی و ایجاد جامعه شیعه در یک روند ۲۵۰ ساله، به ثمر نشسته است.

نمودار طول عمر و مدت امامان شیعه تا قبل از غیبت امام زمان علیه السلام



این دو جدول، بیانگر این نکته است که جبهه باطل با توجه به اقلیت

شدید جبهه حق و در مواجهه با تقیه حفاظتی شدید معصومین علیهم السلام، به طرد اجتماعی و انزوای سیاسی آنها رضایت می‌داده؛ ولی هنگامی که در بلندمدت مشاهده کرده که معصومین علیهم السلام در کنار تقیه حفاظتی، به تدریج، سیاست تقیه جذبی و تقیه مداراتی را به اجرا گذاشته‌اند، حتی حضور فیزیکی امامان را هم تحمل نکرده است.<sup>۱</sup>

بدین جهت است که در دوران پایانی امامت امامان، شاهد آغاز امامت برخی از معصومین علیهم السلام در زمان کودکی هستیم؛ روندی که در یک سیر کاهنده، سن به امامت رسیدن را از ۷ یا ۸ سالگی (در سه مورد از امامان) به ۵ سالگی (در مورد امام زمان علیه السلام) رسانده و بیان‌گر شدت وحشت نظام

---

۱. تقیه - که به معنی رعایت مسائل زندگی با ملاحظه دفع و کاهش دادن دشمنی دشمن است - سه مرتبه دارد: اول، تقیه حفاظتی، با هدف حفظ جان رهبر و شیعیان از نابودی که شدیدترین مرتبه تقیه و اولین مرحله آن است؛ دوم، تقیه مداراتی و جذبی که پس از دفع دشمنی‌ها و هجوم‌ها و امکان همزیستی در جامعه اسلامی با هدف جذب استعدادهای متمایل به حق صورت می‌گیرد؛ و سوم، تقیه نفوذی که به هنگام سستی یا غفلت نیروهای باطل با هدف نفوذ نیروهای کارآمد جبهه حق در دستگاه سیاسی و اجتماعی حاکمیت باطل انجام می‌شود تا بسترها برای یآوری حق و تضعیف باطل فراهم شود.

در تاریخ امامان، از زمان امام اول تا اوائل زمان امام پنجم علیهم السلام دوران تقیه حفاظتی است، تمامی دوران صادقین علیهم السلام تا پایان دوران امام رضا علیه السلام دوران جذبی و نفوذی در دو مرحله است و در مرحله آخر امامت امامان، دوباره شرایط به سوی تقیه شدید باز می‌گردد. در این زمینه، رک: تقیه، علی صفایی حائری.

خلافت عباسی از استمرار خط امامت و رشد روزافزون تشیع بوده است؛ به گونه‌ای که با تمام قوا با ولادت و آغاز امامت امام دوازدهم علیه السلام به مقابله برخاستند.

دقت در دو جدول مذکور، روشن می‌کند که گسترش جبهه حق و توسعه آن، باعث وحشت جریان باطل شده است و آنان ناکامی خود در نابودی جبهه حق را در انتقام‌گیری از امامان معصوم علیهم السلام تلافی کرده‌اند.

در این شرایط است که خط امامت در یک مدیریت فعال و پویا و سیرت اجتماعی و فرهنگی پیچیده و چندلایه تلاش می‌کند که ضمن خنثی‌سازی برنامه‌های خطرناک نظام باطل علیه شیعیان، به رشد و توسعه جامعه شیعه اقدام ورزد و جامعه شیعه را بر محور ایمان، تقوا و دانش به گونه‌ای تربیت کند که پس از امام، در قالب ساختار و سیستم سازمان و کالت، به رهبری شخصیت‌های ایمانی، صالح، عادل و مهم‌تر از همه، عالم و دانشمند، تن دهد؛ سازمانی که چون آینه و امتداد دین‌ورزی و دانش بی‌کران امامان معصوم علیهم السلام بود، در بلندمدت بستر ساز نیابت خاص و عام برای رهبری شیعه در دو دوره غیبت صغری و کبری گشت.

مطالعه این دو جدول نشان می‌دهد که جامعه شیعه‌ای که در آغاز امامت امام سجاد علیه السلام در اقلیت و پراکندگی شدید بود، در پایان امامت امام کاظم علیه السلام به اوج گسترش جغرافیایی و اجتماعی رسید و از شهر کوفه به تمام جغرافیای جهان اسلام، به ویژه عراق و ایران، گسترش یافت. البته در زمانه امامت امام کاظم علیه السلام، نوبت آزمایش خواص فرا رسید تا در مسیر

مسئولیت‌پذیری، آسیب‌های احتمالی سازمان مدیریت واسطه‌ای و کالت روشن شود.

ماجرای انحراف برخی از خواص دنیازده در قالب جریان «واقفیه» در آغاز امامت امام رضا علیه السلام، در کنار مدیریت علمی - اجتماعی حساب شده آن امام باعث شد که خواص و عموم شیعیان، از آن پس به چنان بینشی نسبت به ضعف‌های داخلی و تهدیدهای بیرونی دست یابند که در مواجهه با مسأله امامت امامان بعدی در کودکی، آن را بر مبنای آموزه‌های عقلی، قرآنی و حدیثی و نیز مشاهده کمالات امامان (با وجود سن کم آنها) به راحتی بپذیرند.

بدین جهت در مطالعه تاریخ و سیره معصومین علیهم السلام، مسأله آغاز امامت را می‌بایست از زوایای متعددی نگریست، تا بتوان به تحلیل درستی از تاریخ امامت دست یافت. این مسأله از جهت رقابت ماورائی ابلیس و مدیریت آسمانی حق تعالی، از جهت دشمنی‌ها و نابودگری‌های شیاطین انسانی، از جهت مدیریت غیبی و زمینه‌سازی هر یک از امامان برای امام بعدی، و در نهایت از منظر بازتاب‌های آن بر جامعه شیعه قابل تحلیل است.

اگر این نگاه جامع در مطالعه زندگی امامان علیهم السلام لحاظ شود، معلوم خواهد شد که چرا در مسأله ولادت و آغاز امامت دوازدهم علیه السلام شاهد پیچیده‌ترین مواجهه حق و باطل هستیم.

سخن پایانی

با نگاهی دوباره به اولین جدول مشخص می‌شود که آغاز امامت امام اول،

سه مرحله دارد که عبارت است از: آغاز ولایت در روز غدیر، آغاز امامت پس از رحلت پیامبر ﷺ و آغاز خلافت که بدون پذیرش مقام امامت ایشان از سوی جامعه اسلامی همراه بود و امام در مقام خلیفه چهارم، به خلافت رسید.

آغازهای مهدوی هم سه مرحله‌ای است که عبارت‌اند از: آغاز امامت که مصادف با غیبت صغری بود، آغاز غیبت کبری و زمان ظهور.

تحلیل و تفسیر چرایی رخداد این دو وضعیت تاریخی را در دعای افتتاح خواهیم یافت؛ آن‌جا که می‌خوانیم: «اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا و غیبة ولینا»<sup>۱</sup>. بدین معنا که تخلف سیاسی - اجتماعی صحابه پس از رحلت پیامبر ﷺ، مہجوریت قرآن و طرد امامت از جامعه اسلامی را به دنبال داشت؛ امری که سرانجام، آخرین شروع امامت را با غیبت همراه ساخت.

## فصل پنجم:

### معنای فلسفه تاریخی نهم ربیع الاول

نوشته‌اند که حضرت آدم علیه السلام وقتی به همراه حوا از بهشت به زمین هبوط کرد، مدت‌ها در حسرت بهشت گریست؛ به گونه‌ای که یکی از «بگایین» یعنی بسیار گریه‌کنندگان تاریخ را حضرت آدم گفته‌اند. تا این که سرانجام، حق تعالی فرشته‌ای را - که از دوستان آسمانی حضرت آدم علیه السلام بود - نزد او فرستاد.

آن فرشته وقتی گریه و حزن شدید حضرت آدم علیه السلام را دید، به او گفت: «ایا می‌دانی که خداوند وقتی می‌خواست تو را بیافریند، چگونه ما را خبر کرد؟ او فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» و ما اعتراض کردیم و گفتیم: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟» ولی خداوند فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup> و آن‌گاه تو را آفرید و ما از این سخن فهمیدیم که خداوند تو را برای زندگی در زمین آفریده است. آن وقت تو هم‌چنان در حسرت آسمان هستی؟» حضرت آدم علیه السلام وقتی این سخن را از فرشته شنید، آرام گرفت و گریه‌اش قطع شد.<sup>۲</sup>

۱. سوره بقره، آیه ۳۰.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۲۰. به نقل از تفسیر عیاشی، ذیل آیه ۳۰ سوره بقره.



این داستان نشان می‌دهد که تا وقتی نگاه حضرت آدم علیه السلام به گذشته بود، مسأله هبوط برایش داغی سنگین بود، ولی وقتی نگاهش به چشم‌انداز آینده افتاد، آرام گرفت. قرآن هم ضمن آیات داستان هبوط آدم، این هبوط را نه از منظری سراسر منفی، بلکه از منظر شروعی روشن و آغازگری درخشان بیان می‌کند. بدین جهت هرگاه در قرآن داستان حضرت آدم علیه السلام روایت می‌شود، به دنبال آن، بحث نزول دین و چشم‌انداز روشن ناشی از دین‌داری مطرح می‌گردد.<sup>۱</sup>

و از آن پس بود که برای بشر چشم‌اندازی بهشتی در نظر گرفته شد، و گویا حضور کوتاه‌مدت آدم و حوا در بهشت آسمانی، تنها فرصت برای تهیه نقشه راهی بود که قرار بود پس از هبوط به زمین دنبال شود و مدل زمینی آن بهشت با سعی و تلاش مؤمنانه انسان‌ها ساخته گردد.

بنابراین، نقشه راه تاریخ انسان‌ها، از زمان هبوط حضرت آدم علیه السلام با مدیریت و هدایت پیامبران آغاز شده و هر پیامبری در کنار تمام هدایتگری‌هایش تأکید کرده است که راه رسیدن به زمین سراسر بهشتی، راهی طولانی است که از مسیر و معبر بشارت به پیامبران بعدی، خصوصاً پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم خواهد گذشت.

و البته پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم هم تأکید فرموده است که خاتمیت ایشان در

---

۱. به عنوان نمونه، رک: سوره بقره، آیه ۳۹؛ سوره اعراف، آیه ۲۷ و سوره طه، آیه ۱۲۳، که اشاره به دو راهی حق و باطل و عاقبت نیک رهروان حق دارد.

نزول دین آسمانی بوده، نه هدایت مردم؛ و پس از نزول دین کامل و جامع و خاتم، نوبت به فرایند تدریجی بسترسازی برای اجرای جهانی این دین خاتم می‌رسد. این جاست که پیامبر بشارت می‌دهد که این فرایند از مسیر تحقق امامت دوازده امام معصوم علیهم‌السلام خواهد گذشت و تنها امام دوازدهم علیه‌السلام است که سرانجام این اهداف را محقق خواهد ساخت:

— هدف خلقت و آفرینش آدمی: خلافت بر زمین، «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>۱</sup>

— هدف هبوط و زندگانی زمینی انسان: زندگی مؤمنانه، «قُلْنَا اهْبِطُوا... فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ»<sup>۲</sup>

— هدف پذیرش دین خاتم: جهانی‌سازی دین‌ورزی و عبودیت، «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»<sup>۳</sup>

بدین جهت، هماره در یک نگاه و آرزوی تاریخی مشترک، توجه تمامی پیامبران و اوصیا و پیروان برجسته آنها که به مراتب بالای معرفت و یقین رسیده بودند، به سوی انتظار منجی و موعودی بوده که آخرین وصی پیامبر خاتم و بسترساز جهانی‌سازی بهشت زمینی از معبر عبودیت و عدالت است.

۱. سوره بقره، آیه ۳۰.

۲. سوره بقره، آیه ۳۸.

۳. سوره نور، آیه ۵۵.

از این رو، امام دوازدهم علیه السلام به عنوان «موعود الامم»<sup>۱</sup> شناخته شده است؛ موعودی که تمامی پیامبران و اوصیای آنها به ولادت، امامت، وصایت و ظهورش بشارت داده‌اند.

و نهم ربیع الاول، دومین آغاز از آغازهای سه‌گانه امام موعود است که شباهتی تام و تمام با روی داد هبوط و داستان حزن و شادی حضرت آدم علیه السلام دارد. چراکه اگر به آن از منظر آغازگری غیبت صغری بنگریم، به شدت محزون خواهیم شد و باید ناله سر دهیم: «اللهم ان نشکوا الیک... غیبة ولینا»<sup>۲</sup> ولی اگر آن را از منظر آغاز امامت آخرین ولی معصوم بنگریم - که امامتش آغازگر فرایند ایجاد بهشت جهانی ظهور است - در آن روز، جشن و شادی خواهیم کرد و بدین جهت است که امامان و پیامبران معصوم، چشم - انتظار میلاد، آغاز امامت و آغاز ظهورش بوده‌اند.

از این منظر، نهم ربیع الاول، درست همانند غدیر خم خواهد بود؛ چرا که در غدیر خم، امامت و ولایت امیرالمؤمنین اعلان شد، ولی رسمیت و فعلیت آن به پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله موکول گشت؛ هرچند آن هم هیچ‌گاه محقق نشد، ولی این عدم تحقق - همان‌گونه که در بازشناسی تاریخ و فرهنگ امامت و ولایت معصوم بیان گشت - تنها به معنی عدم تحقق ولایت

۱. «السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يُلْمَ بِهِ الشَّعَثَ». بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۶۵، باب ۱۸.

۲. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَ غَيَّبْتَنَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدِدِنَا». بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۹، باب ۳۱.

سیاسی آن حضرت بود و باقی ولایت‌ها، اعم از ولایت علمی، تکوینی و اجتماعی امام، حداقل برای جامعه حق به تحقق پیوست.

بنابراین، همان‌گونه که تمام عوالم وجود از تفویض مقام امامت در غدیرخم، آن روز را با ابتهاج و سرور و نشاط و شادی جشن می‌گیرد - حتی با وجود آن که اکثر انسان‌ها آمادگی پذیرش آن را نداشتند - نهم ربیع‌الاول هم در مقام آخرین غدیر، جشن آغاز امامت آخرین معصوم است؛ اگرچه در عین حال، آغاز دوران غیبت نیز هست.

با این نگاه، نهم ربیع‌الاول امتداد تمامی روزهای مقدس زیر است:  
- هبوط آدم و آغاز زندگی زمینی با هدفی بسیار متعالی و چشم‌اندازی

روشن

- بعثت آشکار و نهان تمام پیامبران آسمانی، به ویژه پیامبران

اولوالعزم علیهم‌السلام

- غدیر و شروع ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و عید آغاز امامت تمامی امامان

پیشین علیهم‌السلام

بدین جهت است که از نگاه فلسفه تاریخی، نهم ربیع‌الاول، آخرین آغاز در تفویض مقام ولایت آسمانی است؛ تفویضی که آغاز ماقبل آخر هم است و پس از آن، جز آغاز ظهور امام موعود علیه‌السلام آغاز مقدسی نخواهد بود.

از این منظر نباید به حداقل‌ها در دوران آغاز امامت امام موعود تا آغاز ظهور، به علت غیبت آن امام، صرفاً با نگاهی منفی نگریست؛ بلکه این دوران همانند حداقل‌ها در زمان عروج آسمانی حضرت عیسی علیه‌السلام تا بعثت پیامبر

اسلام ﷺ - که دوران فترت گفته می‌شود<sup>۱</sup> است، با این تفاوت که برخلاف دوران فترت، با حضور و ولایت و امامت و مدیریت غائبانه اما پیوسته امام موعود، همراه است.

به همین علت، اگرچه آغاز امامت امام موعود، با غیبت از جامعه بشری همراه بود، ولی این غیبت، هیچ‌گاه زمینه خوش‌حالی ابلیس و شیاطین جن و انس پیرو او را فراهم نساخت؛ بلکه آن‌ها را در یک ابهام زمانی از جهت احتمال ظهور آن امام غائب در هر لحظه قرار داده است. این در حالی است که مسأله غیبت امام از جوامع بشری، امکان دسترسی شیاطین انس و جن را نیز به امام موعود به صورت کامل قطع نموده است.<sup>۲</sup>

۱. قرآن در آیه ۱۹ سوره مائده، حد فاصل دوران حضرت عیسی علیه السلام تا بعثت پیامبر اسلام ﷺ را دوره فترت نامیده است؛ دورانی نزدیک به شش قرن که بنا بر برخی از روایات، به علت نبودن پیامبری برای هدایت بشریت، باعث سرور و شادی ابلیس شده بود. (بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۴۵) البته بر مبنای برخی دیگر از ادله که تصریح می‌کنند زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نخواهد شد، در آن زمان نبی وجود داشته، اما رسولی مبعوث نشده است.

۲. چرا که ابلیس بر انسان کامل سلطه‌ای ندارد و قدرت او جز از معبر و سوسه‌گری انسان‌های گمراه علیه انسان کامل نخواهد بود؛ ولی غیبت سد راه دسترسی آن‌ها به امام موعود شده است. بدین جهت دوران غیبت، دوران مواجهه ابلیس و شیاطین جن و انس با جوامع ایمانی است؛ جوامعی که به چنان بلوغ دینی و علمی و ایمانی رسیده‌اند که در جریان پیوسته غیبت و با وجود در اقلیت بودن، نه تنها در برابر تمامی جبهه

بدین جهت، نهم ربیع‌الاول، عید واقعی خط امامت است؛ چراکه این آغاز به گونه‌ای انجام شد که بر خلاف دیگر آغازها، خطر هجوم و نابودگری ابلیس‌های جنی و انسی را برای همیشه از رهبر معصوم دور کرد و حال آن - که امام معصوم، در پس پرده غیب، به راهبری و مدیریت خود مشغول است. پس آغاز غیبت، آغاز دوران حیرت ابلیس و ابلیسیان - به سبب ناتوانی از صدمه زدن به امام معصوم - و استواری و صلابت جوامع حق و مسئولیت‌های سنگین خواص شیعیان (نواب خاص و عام) است.

آغاز امامت امام زمان عجله فرجه - که یکی از آغازهای زیبا و امیدآفرین و بسیار ویژه است - از منظر تاریخی، دستاوردهای زیر را به همراه داشته است:<sup>۱</sup>

- انفعال همیشگی ابلیس و ابلیسیان در برابر رهبری معصوم
- مدیریت غائبانه بشر از سوی امام معصوم به سوی بهشت ظهور
- بسترسازی برای بلوغ تدریجی جامعه حق و مسئولیت‌پذیری تاریخی آن‌ها برای زمینه‌سازی ظهور<sup>۲</sup>

---

باطل استواری می‌ورزند، بلکه به تدریج جامعه حق را گسترش داده و پیامش را جهانی می‌سازند.

۱. البته این سخن به معنی نفی یا غفلت از حزن غیبت (نشکوا الیک ... غیبة ولینا) نیست؛ ولی در مقام تحلیل تاریخی آن باید نگاهی جامع به ابعاد حزن و شادی این روی‌داد داشت و همانند عید غدیر از ابعاد شادی و امیدآفرین آن غافل نشد.
۲. این سخن بدین معناست که تا پیش از غیبت، مهم‌ترین تلاش ابلیس معطوف به مهجور و مطرود سازی امام معصوم در جامعه حق و تحریک جامعه باطل علیه ولی<sup>۳</sup>



## سخن پایانی

در نگاه فلسفه تاریخی شیعه، تاریخ، یک جریان پیوسته است که با هبوط اولین انسان - که پیامبر هم بوده - شروع شده است. حقیقت تاریخ با درگیری پیوسته حق و باطل تعریف می‌شود. در این درگیری، رهبری جبهه حق با پیامبران و سپس امامان معصوم علیهم‌السلام و رهبری جبهه باطل با ابلیس است که نمود گمراهی‌های او در جوامع باطل انسانی ظاهر می‌شود.

بر این اساس، باید روی داده‌های جبهه حق را مبنای فرهنگ‌سازی قرار داد و با شادی تاریخی اولیای حق شاد شد و با حزن آن‌ها محزون گردید؛ چرا که آن‌ها راهبران تاریخی انسان‌ها به سوی آینده روشن و بهشت زمینی ظهور کرده و هستند. از معبر این شادی و حزن مقدس است که زمینه

→

معصوم، با هدف حذف فیزیکی رهبری معصوم از جامعه بشری بوده است. ولی تاریخ ولایت ۲۵۰ ساله امامان معصوم علیهم‌السلام باعث پیدایش جامعه شیعه بر محور ایمان و تقوا و علم شد. در آستانه غیبت، این جامعه به چنان بلوغی رسید که آمادگی پذیرش نیابت امام و حفظ و گسترش کمی و کیفی آن را با وجود غیبت امام یافت. با این نگاه، یکی از علل غیبت، تلاش ابلیس و جبهه باطل و اوج هجوم آن‌ها برای نابودی آخرین امام بوده است. ولی غیبت عملاً ابلیس و جبهه باطل را در مقابل امام خلع سلاح نموده؛ از این رو، در زمانه غیبت، تمامی توجه آن‌ها معطوف به جامعه حق شده است. البته در این زمان، جامعه حق به چنان مرزی از بلوغ رسیده که تحت هدایت غائبانه امام معصوم و رهبری نائبان غیرمعصوم اما پاک‌زیست، نه تنها رو به نابودی نمی‌رود، بلکه همواره روندی رو به رشد داشته و خواهد داشت.

سلوک جهشی برای زمینه‌سازی تحقق ظهور آسان‌تر می‌گردد. بنابراین، نهم ربیع‌الاول، به عنوان آخرین غدیر و آخرین آغاز امامت، نه تنها باعث سرور عوالم گوناگون شده، که کانون سرور تمامی پیامبران و معصومین پیشین بوده، و چون آخرین غدیر امامت است، حامل ارزش غدیرهای پیشین نیز می‌باشد. نهم ربیع‌الاول، وارث تمام عیدهای پیشین و آخرین عید جبهه حق تا هنگامه جشن زیبای ظهور است.

آغازهای تاریخی مهم از منظر جبهه حق
هبوط و آغاز زندگی زمینی
آغاز بعثت پیامبران اولوالعزم (آغاز زندگی زمینی نوح پس از طوفان)
آغاز امامت امام اول در غدیر خم
عاشورا، بستری برای تجدید حیات امامت و تشیع
نهم ربیع‌الاول آغاز امامت موعود
ظهور آغازگر بهشت زمین
رجعت: تاریخی سازی بهشت زمینی

بخش دوم:

---

**چستی و واقعت تاریخی**

**نهم ربیع الاول**

---

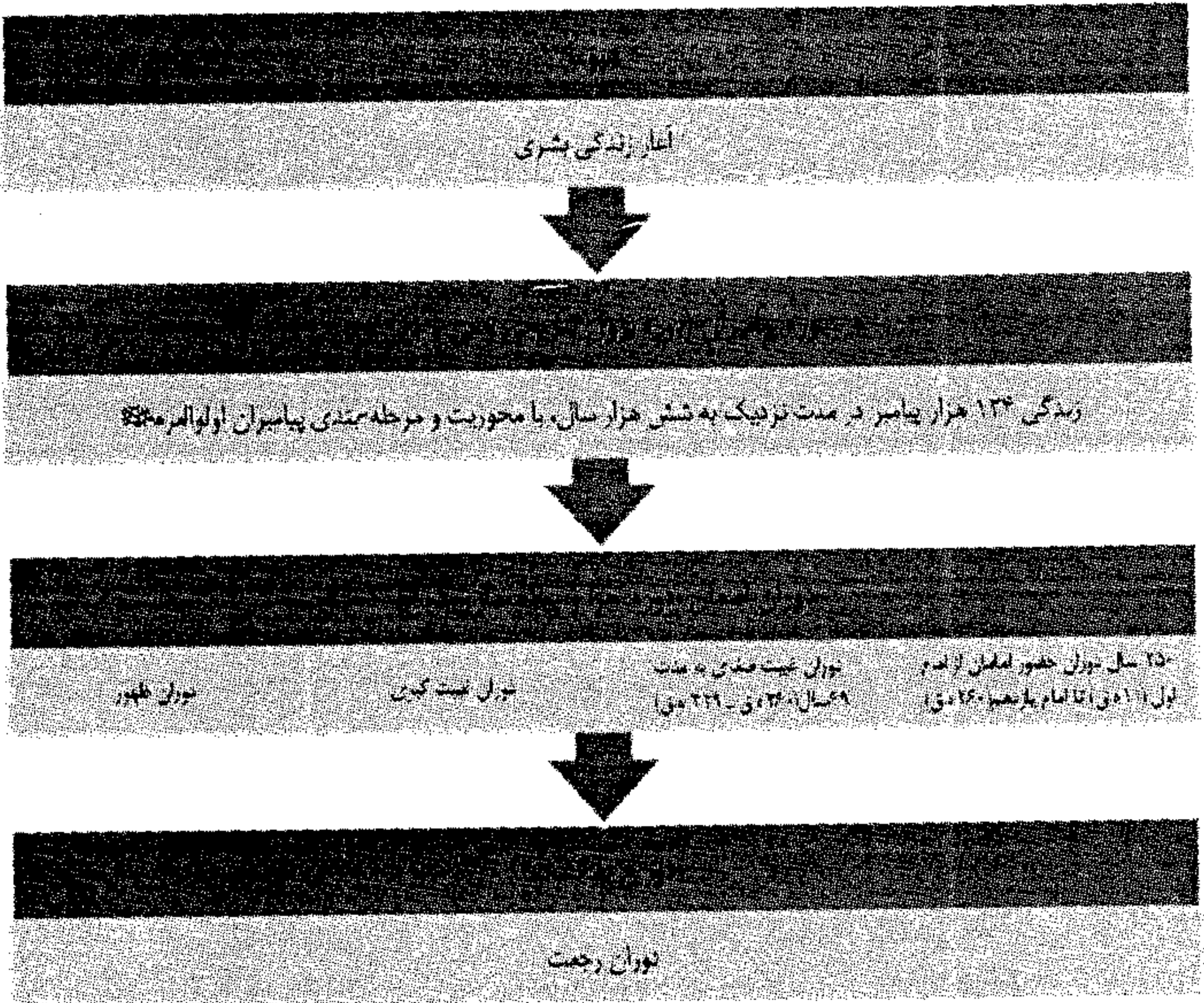
## فصل اول:

### گاه‌شمار آغاز آخرین امامت

نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری سال روز آغاز امامت امام موعود علیه السلام است. این مناسبت، پس از شهادت امام یازدهم، امام عسکری علیه السلام در هشت ربیع الاول همان سال رخ داد.

آغاز امامت امام زمان علیه السلام آخرین مرحله از دوران پیشوایی امامان شیعه است و برای فهم بهتر جایگاه این مناسبت می‌بایست به صورت فشرده با مراحل و دوره‌های تاریخ از نگاه مکتب تشیع آشنا گردیم.

در نگاه شیعه، آغاز و پایان و مسیر کلی تاریخ بشر چنین است:



بر این اساس، انسان از بهشت آسمانی آدم و حوا آمده و به سوی بهشت زمینی ظهور می‌رود.

دوران ۲۵۰ ساله امامت، دورانی است که پس از پایان دوران پیامبران آغاز می‌شود و هدفش اجرای تدریجی و عملی دین خاتم است. این دوره، دوره درگیری گسترده حق و باطل است. در این زمان، باطل برای نابودی یا تعطیلی یا حداقل ایجاد تحریف و انحراف در دین خاتم تلاش گسترده‌ای دارد. در مقابل، تلاش امامان نیز در مرحله اول برای حفظ دین خاتم از نابودی و تحریف، و در مرحله دوم، جامعه‌سازی بر مبنای علم و فرهنگ

دینی است. این دوران ۲۵۰ ساله را از نگاه کلی و با توجه به تحقق اهداف معصومین علیهم السلام می توان به مراحل زیر تقسیم بندی نمود:



بدین جهت در یک نگاه مقایسه‌ای بین جامعه شیعه و اهل سنت شاهد خواهیم بود که جامعه شیعه تا وقتی که در مسیر تولی و تبری بوده، در برابر پراکندگی‌ها و آشوب‌ها و تفرقه‌ها، نه تنها سلامت مانده، بلکه به واسطه مدیریت معصومانه امامان علیهم السلام روندی رو به رشد داشته است. از این رو، دوران پایانی امامت، اوج فشار و هجوم علیه امامان و جامعه شیعه با هدف جلوگیری از تولد یافتن امام دوازدهم عجل الله فرجه و پیش‌گیری از انسجام جامعه شیعه بر محوریت آن امام موعود بوده است.

به عنوان نمونه، خلافت عباسی با احساس خطر از رشد تشیع و احتمال تولد امام موعود، دست به اقداماتی زد که در جدول زیر مشاهده می‌کنید:<sup>۱</sup>

۱. در این زمینه، رک: نرم‌افزار سیره معصومان علیهم السلام، بخش گاه‌نامه، تولید شده در کامپیوتر نور.



سال	روی داد
۲۳۳ ه.ق	به خلافت رسیدن متوکل، خشن‌ترین و هتاک‌ترین خلیفه عباسی، به مدت ۱۴ سال
۲۳۴ ه.ق	احضار امام هادی و امام عسکری <small>علیه السلام</small> به سامرا، پایتخت نظامی عباسیان
۲۳۶ ه.ق	تخریب بارگاه سیدالشهداء <small>علیه السلام</small> در کربلا و آب بستن به مزار آن امام و آزار شدید شیعیان
۲۵۴ ه.ق	شهادت امام هادی <small>علیه السلام</small> در سن ۴۲ سالگی، توسط معتز، خلیفه وقت عباسی
۲۵۴ ه.ق به بعد	ایجاد محدودیت شدید برای امام عسکری <small>علیه السلام</small> در ارتباط‌گیری با مردم و شیعیان و اجبار امام به حضور در دربار، هفته‌ای دو مرتبه
۲۵۹ ه.ق	به زندان افکندن امام عسکری <small>علیه السلام</small> علی‌رغم تبعید و محاصره آن امام در آن سال‌ها (امام <small>علیه السلام</small> در این سال به مادرش دستور می‌دهد که فرزند غائبش را به زیارت حج برده و از سامرا و تهدیدهای بسیار فراوان آن، دور سازد)
۲۶۰ ه.ق	اوج هراس از محبوبیت اجتماعی امام عسکری <small>علیه السلام</small> و احتمال تولد امام موعود <small>علیه السلام</small>

بدین گونه است که خلفای عباسی پس از ۲۴ سال تبعید و اقامت اجباری امامان شیعه (امام هادی و امام عسکری علیه السلام)<sup>۱</sup> وقتی می‌بینند که امامان در

۱. این مسأله منجر شد که در میان امامان شیعه علیه السلام امام عسکری علیه السلام تنها امامی باشد که به حج نرفته است، چراکه ایشان از دو سالگی همراه پدر به سامرا منتقل شد و هم‌چنین از ازدواج امام هم ممانعت غیررسمی می‌شد و اندک کنیزان منزل امام هم به شدت تحت نظر بودند.

قالب سازمان مخفی اما فعال و پویای وکالت<sup>۱</sup> به مدیریت و گسترش شیعه پرداخته و محبوبیت آن‌ها در جهان اسلام روزافزون است و خطر میلاد امام موعود عجل الله فرجه با وجود تمامی مراقبت‌ها بر منزل امام عسکری (ع) وجود دارد، طرح به شهادت رساندن امام عسکری علیه السلام را به اجرا می‌گذارند.

هدف خلیفه عباسی از به شهادت رساندن آن امام، پایان دادن به خط امامت و پراکنده‌سازی و نابودی تدریجی جامعه شیعه برای همیشه بود؛ چراکه آن‌ها گمان می‌کردند هنوز برای امام عسکری علیه السلام فرزندی متولد نشده است. از این رو، در فکر به شهادت رساندن امام عسکری علیه السلام بودند. ولی شهادت آن امام به جای آن که پایانی برای امامت و تشیع باشد، زمینه‌ساز امامت امام موعود عجل الله فرجه گشت. گاه‌شمار روی داده‌های هم‌زمان با شهادت امام عسکری علیه السلام را در یک روند موازی بین دو جریان حق و باطل در جدول زیر پی می‌گیریم:

---

۱. سازمان وکالت به معنی تشکیلات سازمانی است که توسط امامان معصوم علیهم السلام از زمان امام صادق علیه السلام به بعد برای مدیریت و رهبری واسطه‌ای جامعه شیعه ایجاد شد. در این سازمان، امامان ابتدا به تربیت یاران با محوریت ایمان، تقوا، دانش و مدیریت اجتماعی می‌پرداختند و آن‌گاه آن‌ها را در منطقه خود یا مناطق مستعد و مورد نیاز به عنوان وکیل و نماینده دینی، اجتماعی و اقتصادی نصب می‌کردند. این سازمان به تدریج در زمان امام هادی و امام عسکری علیهم السلام به اوج توسعه و کارایی رسید و زمینه‌ساز سازمان وکالت در دوران غیبت صغری شد.

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
<p>— شیعیان در شدیدترین فشارها بودند و ارتباط آن‌ها با امام به شدت محدود شده بود. برخی از خواص شیعه در آن سال‌ها پیاپی به زندان می- افتادند.</p> <p>— تنها عثمان بن- سعید، نماینده امام می‌توانست گه‌گاه با شیوه‌های خاصی به دیدار امام برود.</p> <p>— بنا بر برخی گزارش‌ها، امام عسکری <small>علیه السلام</small> در آستانه شهادت خود، به واسطه عثمان بن سعید، حدود ۴۰ نفر از</p>	<p>او برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small> بود، اما همانند پسر نوح دچار انحراف‌های اخلاقی و آلوده به گناه شده بود و بعضاً به جهت ایجاد انحراف در جامعه شیعه، ابزار دست خلفا می- شد.</p>	<p>خلافت عباسی، امام عسکری <small>علیه السلام</small> را به شدت تحت نظر داشت؛ ولی نفوذ و محبت روزافزون و جایگاه ایشان و ناکارآمدی برنامه زاندانی‌سازی امام در تبعیدگاه سامرا و ترس از ولادت آخرین امام، آن‌ها را به طراحی توطئه شوم قتل امام کشاند.</p>	<p>— در مدت شش ساله امامت امام عسکری <small>علیه السلام</small>، اگرچه ایشان در سامرا و تحت محافظت شدیدی بودند، ولی نفوذ و محبت روزافزون ایشان حتی به دربار عباسی هم کشیده شده بود و کسی نمی‌توانست منکر فضایل و خوبی‌های گسترده امام شود.</p> <p>— امام، ۱۵ روز قبل از شهادت، خدمتکار خود، ابوالادیان را برای رساندن نامه- های شیعیان به مدائن فرستاد و به او خبر داد که روز بازگشت او، روز شهادت ایشان</p>	<p>ماه‌های آغازین سال ۲۶۰ هـ.ق</p>

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
<p>شیعیان را در منزلش جمع کرد و امام مهدی <small>علیه السلام</small> را که در آن زمان، پنج ساله بود به آنها نشان داد و از آنها برای امامت او بیعت گرفت. این روی-داد چند روز پیش از شهادت امام اتفاق افتاد.</p>			<p>خواهد بود و نشانه-هایی برای تشخیص امام بعد از خود، به او معرفی می‌کند. بنابراین امام ضمن پیش‌بینی شهادت خود، اقدامات لازم را انجام می‌دهد و نشانه‌های امامت امام بعدی را به یکی از خواص شیعه می‌دهد تا راهنمای دیگر شیعیان هم باشد.</p>	
		<p>در اول ماه ربیع-الاول، معتمد، خلیفه عباسی، توسط جاسوس-های خود به شیوه‌ای کاملاً مخفیانه و مرموز امام را مسموم</p>	<p>امام از ابتدای ماه ربیع‌الاول به واسطه مسمومیت، بیمار شد و بستری گردید.</p>	<p>آغاز ماه ربیع‌الاول</p>

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
		کرد.		
<p>— حزن و اندوه شدید شیعیان سامرا، به ویژه از این که حتی در روزهای آخر هم نمی‌توانند امام خود را ببینند و از او درباره امام بعدی اطلاعات کامل‌تری دریافت نمایند.</p> <p>— تکاپوی شدید عثمان بن سعید جهت برقراری حداقل تماس‌ها با منزل امام</p>		<p>— معاینه امام توسط پزشکان ویژه دربار به دستور خلیفه عباسی و اظهار نومیدی آنان از بهبودی امام</p> <p>— دستور خلیفه مبنی بر باقی ماندن پزشکان در منزل و بر بالین امام و دستور مجدد او برای همراه شدن ۱۰ قاضی ویژه حکومتی با پزشکان جهت زیر نظر گرفتن حال امام به صورت مستمر و دائمی و شبانه- روزی.</p>	<p>انتشار خبر بیماری (مسومیت) حضرت در سطح شهر</p>	<p>سوم ربیع- الاول</p>

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
		- جاسوسی برخی زنان به دستور خلیفه عباسی برای اطلاع یافتن از بارداری کنیزان حضرت		
- شدت یافتن اندوه شیعیان سامرا - راه یافتن عثمان بن سعید به منزل امام به عنوان شیعه‌ای که نماینده امام است و می‌تواند مجری وصیت‌های امام در لحظات پایانی و پس از شهادت ایشان باشد و از این راه، راوی و شاهد آخرین روی داده‌های زندگی امام بود.	جعفر که شهادت برادر خود را نزدیک می‌دید وسوسه می‌شد که با ادعای امامت خود، به زمینه‌سازی برای جانشینی آن حضرت پردازد. پس با کمک دوستان خود و ایجاد ارتباطات لازم با دربار خلیفه، شروع به زمینه‌سازی کرد و در این راه، دستگاه خلافت	حضور گسترده پزشکان، قضات و مأموران در اطراف و داخل منزل امام	اوج بیماری امام عسکری <small>علیه السلام</small>	هفتم ربیع - اول



وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
	به او کمک بسیار نمود.			
			در نیمه‌های شب، حال امام وخیم شد. در آخرین لحظه‌ها و پنهان از چشمان جاسوس‌ها، فرزند پنج ساله‌اش را طلبید. فرزند آخرین ظرف آب را به دست پدر داد تا بنوشد، سپس پدر را برای وضو گرفتن یاری نمود و پس از پایان نماز صبح، آخرین وصایای پدر را به گوش جان شنید. آنگاه امام عسکری <small>علیه السلام</small> سر بر بالین کودک خود گذارد و به شهادت رسید.	هشتم ربیع - الاول (سحرگاهان)
— شیعیان با	فعالیت‌های جعفر	مأموران دربار	— بانگ شیون از	هشتم ربیع -

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
منتشر شدن خبر شهادت امام، بی- توجه به خفقان شدید و حضور گسترده مأموران خلیفه، در خانه امام ازدحام کردند. آن‌ها از سویی در حزن و اندوه شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small> و از سویی دیگر، نگران ماجرای نماز گزاردن بر پیکر امام بودند که تعیین‌گر امام بعدی بود و باید در محاصره آن همه سرباز و جاسوس برگزار می‌شد و از حساسیت بسیاری برخوردار بود.	با کمک دربار عباسی، شدت گرفته بود؛ تا جایی که او خود را تنها فرد شایسته برای نماز گزاردن بر پیکر امام عسکری <small>علیه السلام</small> اعلام کرد. (در مکتب شیعه، نماز گزاردن بر امام شهید، نشانه امام بعدی است)	(پزشکان، قضات، جاسوسان، سربازان و...) - مأموریت داشتند که ضمن حضور گسترده در منزل امام و ابراز سوگواری تصنعی و ظاهری، اولاً مرگ آن امام را طبیعی جلوه دهند و مسومیت آن حضرت را انکار کنند و ثانیاً فرزند احتمالی آن امام را بیابند.	خانه امام برخاست و خبر شهادت امام در همه جا منتشر شد. - عثمان بن سعید، نماینده امام، به برنامه غسل و کفن و دفن امام مشغول شد. - منزل امام آکنده از انبوه مردم بود. داخل منزل، عمدتاً محل تجمع شیعیانی بود که بدون واهمه از حکومت، به آن‌جا آمده بودند. افراد حکومتی و مردم معمولی بیرون منزل ایستاده بودند.	اول (صبح)

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
- شیعیان در این زمان تحت مدیریت پنهان عثمان بن سعید بودند.				
اکثریت افراد داخل منزل را شیعیان شهر تشکیل می دادند که با حالتی محزون و چشمانی اشکبار، صفهای نماز را مرتب می کردند و در پیشاپیش آنها بزرگانی همانند عثمان بن سعید ایستاده بودند. در همان زمان ابوالادیان بصری، نامه رسان امام به سامرا بازگشت و با مسأله شهادت	جعفر به ظاهر محزون، ولی با نخوت و تکبر به سوی جنازه رفت، رو به قبله ایستاد و دستها را بالا برد تا تکبیر بگوید، ولی ناگهان جماعت شیعه با شگفتی دیدند که کودکی گندم گون و با هیبت پیش آمد و جعفر را کنار زد. آن کودک - که تنها برخی از شیعیان او را می- شناختند - با	شخصیتها و نیروهای حکومتی که منتظر آمدن خلیفه بودند، عمدتاً بیرون منزل امام، همراه مردم عادی شهر، جمع شده بودند.	پیکر مطهر امام پس از کفن شدن به حیاط خانه، منتقل، و برای اقامه نماز رو به قبله گذاشته شد.	هشتم ربیع - الاول (قبل از ظهر)

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
امام روبرو شد و چشمائی اشکبار بر پیکر مطهر امام نماز خواند و به سرعت پنهان گشت. جعفر در تمام آن لحظه‌ها متعجب و وحشت‌زده، همراه با حالت سرافکنندگی، در فکر آن بود که آن کودک - که او را عمو صدا زد و فرمود: «کنار بایست که من برای خواندن نماز بر پیکر پدرم سزاوارترم» - چه کسی بود؟! وضعیت شیعیان شهر در این زمان، دوگونه بود.	حالتی محزون و چشمائی اشکبار بر پیکر مطهر امام نماز خواند و به سرعت پنهان گشت. جعفر در تمام آن لحظه‌ها متعجب و وحشت‌زده، همراه با حالت سرافکنندگی، در فکر آن بود که آن کودک - که او را عمو صدا زد و فرمود: «کنار بایست که من برای خواندن نماز بر پیکر پدرم سزاوارترم» - چه کسی بود؟! جعفر پس از پایان دفن امام عسکری <small>علیه السلام</small>	خلیفه در میان انبوه اطرافیان و مردم غیرشیعه	- پیکر مطهر امام پس از اقامه نماز توسط فرزندشان در	هشتم ربیع - اول (نزدیک ظهر)

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
<p>خواص شیعیان شهر از که ماجرای ولادت امام زمان <small>علیه السلام</small> با خبر بودند، با ماجرای نماز بر یقین آن‌ها افزوده شد.</p> <p>اما برای شیعیان معمولی که از میلاد آن امام مطلع نبودند، ماجرای نماز، سرآغاز تردید و تعجب بود و هنوز به یقین کامل و قطعی نرسیده بودند.</p>	<p>بی توجه به ماجرای نماز - به عنوان صاحب عزا و جانشین برادر در خانه امام نشست و میزبان عزاداران شد.</p>	<p>شهر، پس از انجام تشییعی کوتاه، در مسجد بزرگ شهر بر سر جنازه حاضر می شود و از سوی او کسی به نام ابو عیسی بر پیکر امام نماز می خواند.</p> <p>آن گاه خلیفه دستور می دهد که در حضور مردم، کفن را از روی صورت امام کنار بزنند و شهود (پزشکان و قضات) شهادت دهند که ایشان به مرگی طبیعی از دنیا رفته اند، نه این که مسموم شده باشند. سپس پیکر مطهر امام برای تدفین به</p>	<p>داخل منزل، برای انجام نماز توسط دستگاه خلافت و تشییع نمایشی از منزل بیرون برده شد.</p> <p>- پیکر مطهر توسط عثمان بن سعید در منزل امام و در جوار مرقد مطهر پدرش، امام هادی <small>علیه السلام</small> دفن گشت.</p>	



وضعیت شیعیان (یا محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
		منزل بازگردانده - شد.		
جماعتی از شیعیان قم همراه نامه‌ها و اموال بسیار به قصد زیارت امام عسکری <small>علیه السلام</small> وارد سامرا شدند؛ ولی با جای خالی ایشان روبرو گشتند. جعفر سعی در فریفتن و کشاندن آنها به سوی خود داشت؛ ولی آنها با درایت بزرگان خود - که همگی اهل حدیث و دانش بودند - از او نشانه‌ای برای امامت (خبر دادن از محتوای نامه‌ها	جعفر در منزل امام با کمک برخی از دوستانش، خود را امام بعدی اعلام نموده و تلاش می‌کرد که به تدبیر امور شیعیان پردازد.	دستگاه خلافت با تمام قوا مراقب جانشین احتمالی امام (غیر از جعفر) بود.	خانه امام عسکری <small>علیه السلام</small> در حزن و اندوه بود؛ خانه‌ای که در آن ساعات محل رفت و آمد شیعیان و حتی جاسوس‌ها شده بود.	هشتم ربیع - الاول (عصر)



وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
و کیسه‌ها) خواستند. جعفر درماند و شروع به پرخاش‌گری کرد. قمی‌ها ناکام و سرگردان مانده بودند. اندک شیعه مطلع شهر هم به جهت رعایت تقیه نمی‌توانستند کمکی به آنها کنند. پس آنها ناامید و متزلزل، شهر را ترک کردند.				
قمی‌های متحیر در حال دور شدن از شهر بودند که ناگهان جوانی زیبارو آنها را به دیدار امامشان دعوت کرد. او آنها را به	جعفر متحیر و سرگردان بود و به این مسأله فکر می‌کرد که با وجود اعتقاد شیعیان درباره مقام امام، آیا او می‌تواند به ادعای	دستگاه خلافت، شادمان از به شهادت رساندن امام عسکری <small>علیه السلام</small> و مطمئن از پایان یافتن خط امامت بود. جاسوس‌ها هنوز به صورت	خانه امام خلوت شده و کم‌تر کسی چون اهل خانه و عده‌ای از شیعیان در آن حضور داشت.	هشتم ربیع - الاول (ساعات آخر روز)

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسگری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
<p>منزل امام عسگری <small>علیه السلام</small> باز- گرداند و در خلوت منزل، آنها را به اتاق داخلی برد. کودکی نورانی در لباسی سبز منتظر آنها بود. دیدارش هیبتی در دل آنها انداخت و باعث شد که به او احترام کنند و بنشینند. کودک لب گشود و تمام جزئیات نامه‌ها و کیسه‌ها و صاحبان آنها را گفت. قمی‌ها شادمان از راهیابی به محضر امام، همگی سر به سجده گذاشته و خداوند را سپاس</p>	<p>امامت خود ادامه بدهد یا این که...</p>	<p>گسترده در شهر پراکنده بودند.</p>		

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام	
گفتند. امام به آنها فرمود: «از این پس، دیگر به سامرا نیاید؛ چراکه غیبت آغاز شده و باید به نماینده من که از این به بعد در بغداد خواهد بود مراجعه نمایید».				
با توجه به حوادث پیش آمده و روشن گری بزرگان، شیعیان فهمیدند که اولاً امام پس از امام عسکری <small>علیه السلام</small> کودک بازمانده از ایشان است که باید از دیده‌ها پنهان باشد. ثانیاً غیبت صغری شروع شده و از	جعفر که پس از ماجرای نماز و کاروان قمی‌ها مطمئن شده بود که دیگر جایگاهی بین شیعیان ندارد، و نیز یقین پیدا کرده بود که برادرش، کودکی از خود به جای گذاشته است، به سرعت، خبر	- به دستور خلیفه، خانه امام به طور کامل بازرسی شد و حتی مادر امام زمان <small>رحمتهما</small> دستگیر شده و چند ماهی در داخل قصر تحت نظر قرار گرفت. - تمام خانه‌های شهر سامرا به دستور خلیفه مورد بازرسی واقع شد	منزل امام عسکری <small>علیه السلام</small> تا مدتی که حضرت نرجس خاتون و حکیمه خاتون در قید حیات بودند (پس از آزادی نرجس خاتون) محل رفت و آمد شیعیان بود؛ اما آن خانه پس از رحلت و دفن آنها در کنار مزار امام هادی و	پس از ماه ربیع الاول

وضعیت شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامرا)	اقدامات جعفر، برادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>	اقدامات دستگاه خلافت	روی دادهای منزل امام
آن به بعد باید به نماینده امام، یعنی عثمان بن سعید که از سامرا به بغداد رفته بود، مراجعه کنند.	وجود کودک را به دستگاه خلافت رساند. ولی مدتی پس از آن، از تمامی رفتارهای خود پشیمان شد و ...	تا شاید اثری از کودکی که بر جنازه امام نماز خواند، یافت شود. — اذیت و آزار شیعیان مجدداً شروع شد.	امام عسکری <small>علیه السلام</small> تبدیل به زیارتگاه شیعیان در شهر نظامی و پایتخت سیاسی عباسیان شد.

بدین گونه است که اول تا هشتم ربیع الاول، ایام شهادت جان سوز حضرت عسکری علیه السلام یازدهمین امام شیعیان و پدر گرامی امام زمان علیه السلام است و ۹ ربیع الاول، از یک منظر، سال روز آغاز امامت و ولایت امام زمان علیه السلام و از منظری دیگر، آغاز غیبت صغری؛ غیبتی که ۶۹ سال به طول انجامید.

خواص شیعه، قبل از شهادت امام عسکری علیه السلام از امامت فرزند آن حضرت اطلاع داشتند و دیگر شیعیان هم در ماجرای نماز بر پیکر مطهر امام عسکری علیه السلام با امام بعدی خود آشنا شدند؛ اما به واسطه خفقان شدید و رعایت جوانب تقیه، هیچ کدام نتوانستند عرض ادب و بیعت گسترده و مستقیمی با امام زمان علیه السلام داشته باشند.

در این میان، قمی‌ها که با تحمل سختی بسیار، راهی طولانی را برای دیدار امام خود طی کرده بودند، در دیداری خصوصی و با نشانه‌هایی که از امامان قبل شنیده بودند، هم آخرین امام خود را شناختند و هم در دیداری صمیمانه، اولین بیعت‌کنندگان ایرانی با امام زمان خود در نهم ربیع الاول

سال ۲۶۰ هجری قمری شدند.

## سخن پایانی

اگرچه آغازین روز امامت امام دوازدهم علیه السلام روز نهم ربیع الاول است، اما می‌بایست هفته و ماه آغازین امامت آن حضرت را محور بازشناسی روی-دادهای آغاز امامت آن امام قرار داد؛ زیرا این روی داد حساس، هم برای جامعه حق و هم برای جامعه باطل بسیار پراهمیت بود و بدیهی است که همانند روی داد غدیر خم در یک‌روز به انجام نرسیده است.

مطالعه ایام قبل و بعد شروع امامت امام مهدی علیه السلام از آن جهت اهمیت دارد که برخی از مورخین در یک نگاه اجمالی و سطحی تصور کرده‌اند که آغازین روزهای امامت ایشان همراه با بحران فکری و سرگردانی اجتماعی شیعیان بوده است. اگرچه نمی‌توان منکر شد که فضای خفقان و تقیه شدید در آن زمان، باعث پریشان‌فکری گروهی از مردم شده بود، ولی تصور این که جامعه شیعه در آن ایام دچار بحران جدی شده، با گزارش‌های تاریخی مستند، قابل جمع نیست.

برای فهم این که جامعه شیعه، آن ایام را به سلامت و با کم‌ترین ریزش، بحران و حیرت سپری کرده است، می‌بایست مواجهه عالمانه و جدی با گزارش‌های تاریخی این روی داد داشته باشیم تا معلوم گردد که شیعیان در آخرین غدیر، با وجود تمام سختی‌ها و آزارها، با سربلندی، بیعت و وفاداری خود را نسبت به امام غائب علیه السلام نشان داده‌اند.

بدین جهت فصل‌های بعدی با موضوع بازشناسی وفاداری و ایثار شیعیان

۸۲ □ نهم ربیع الاول (جراحی، چستی، چگونگی)، عهدی دوباره با امام زمان

دنبال خواهد شد.

## فصل دوم:

### شخصیت‌شناسی امام مهدی علیه السلام در آستانه امامت

تصوری که غالباً از وضعیت امام در آستانه غیبت وجود دارد، کودکی پنج ساله و خوش‌سیماست که دشمنان و مردم عادی اصلاً او را ندیده‌اند و از میان شیعیان هم تنها تعداد اندکی موفق به دیدار او شده‌اند. لذا چون درباره ایشان در آن زمان اطلاعات روشنی وجود ندارد، این طور به ذهن می‌آید که شخصیت مشخصی از آن حضرت در آستانه امامت، قابل شناسایی نیست. این در حالی است که برای شخصیت‌شناسی یک فرد، حضور و دیدار بلند مدت نیاز نیست؛ بلکه با دو قرن تجربه امام‌زیستی یا یک دیدار و یک لحظه در محضر امام بودن، می‌توان آسمانی بودن امام و لحظه حضور او را درک کرد. این توفیق را شیعیان آغاز امامت امام دوازدهم علیه السلام نیز دارا بودند و با یک نظر امامشان را شناختند. پس همراه با شیعیان آغازین‌روزهای امامت آن امام، به مهدی‌شناسی می‌پردازیم؛ شناختی که برای هر دوره و هر شیعه-ای لازم است. این شناخت شامل مورد زیر می‌باشد:

#### وضعیت جسمانی

امام زمان علیه السلام تنها پنج سال اولیۀ عمر شریفش را با پدر بود و در آن مدت، جز اندکی از شیعیان کسی او را ندید. اطلاعات کسانی که او را دیده‌اند (به



غیر از حکیمه خاتون، عثمان بن سعید و خادمان منزل امام که پیوسته ایشان را می‌دیدند) چنین است:<sup>۱</sup>

سال اول	خبر مخفیانه تولد امام مهدی <small>علیه السلام</small> به شیعیان عراق (سامرا، بغداد و کوفه) رسید و برخی از آنان در همان سال اول به دیدار امام عسکری و فرزندش <small>علیه السلام</small> آمدند.
سال دوم	یک ایرانی از اهالی فارس به نام عمرو اهوازی مدتی خدمت‌گزار منزل امام شد و به حضور آن امام رسید.
سال سوم	احمد بن اسحاق قمی و سعد بن عبدالله اشعری قمی به دنبال نامه امام عسکری <small>علیه السلام</small> که در آن از میلاد فرزندش خبر داده بود، به دیدار ایشان شتافتند.
سال چهارم	تعداد اندکی همانند کامل بن ابراهیم مدنی در مدینه موفق به دیدار ایشان شدند. (به علت زندانی شدن امام عسکری <small>علیه السلام</small> در اوائل آن سال و فرستادن امام زمان <small>علیه السلام</small> به حج)
سال پنجم	۴۰ نفر از خواص شیعه چند روز پیش از شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small> در منزل آن حضرت با فرزندش بیعت کردند.

این عده نه تنها از سیمای نیکو و نورانی آن امام سخن گفته‌اند، بلکه از رشد سریع جسمی آن حضرت نسبت به عوام حکایت کرده‌اند و درباره دانش بی‌کران و اطلاع ایشان از غیب و نیز هیبت و وقار آن امام و آرامشی که با دیدار آن حضرت نصیبشان شده، سخن گفته‌اند.

حتی در ماجرای نماز بر پیکر مطهر امام عسکری علیه السلام، هیبت و وقار کودک

۱. در این زمینه، رک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵، باب من شاهد القائم و راه و کلمه و الغیبه، طوسی، ص ۲۲۹، فصل الکلام فی ولاده صاحب الزمان.

پنج‌ساله در کنار سرعت عمل، قاطعیت و صلابت او موجب درماندگی مدعیان از یک سو، و شگفتی شیعیان از سوی دیگر شد تا شیعیان باور کنند که اگرچه امام در کودکی است، ولی توان جسمی او نه تنها همانند انسان‌های بزرگ‌سال، بلکه همانند توان امامان معصوم در بزرگ‌سالی است.<sup>۱</sup>

### شخصیت معنوی و علمی

بر اساس روایات، هر امامی در آستانه شهادت، میراثی معنوی را که از پیامبران و امامان گذشته نزد خود دارد، به امام بعدی می‌دهد. بنا بر روایتی دیگر، این روی داد برای امام زمان علیه السلام در اواخر سال ۲۵۹ هجری قمری رخ داد. زمانی که به دستور امام عسکری علیه السلام مأموریت به حج بردن و سکونت دادن مخفیانه امام مهدی علیه السلام به مادرش سپرده شد و در هنگام وداع، امام عسکری علیه السلام وصایای امامت را به فرزندش سپرد.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، بر مبنای روایاتی که دلالت می‌کند پس از شهادت امام پیشین، تمامی دانش‌های او به امام بعدی منتقل می‌شود، معلوم می‌گردد که امام زمان علیه السلام با وجود پنج‌سالگی، وارث دانش آسمانی پیامبران و امامان علیهم السلام و میراث‌دار آثار معنوی و ملکوتی آنها (اعم از کتاب‌های آسمانی، عصا،

---

۱. درباره ویژگی‌های جسمانی آن حضرت نکاتی دیگر نیز وجود دارد؛ همانند زیبایی بسیار، همانند یوسف پیامبر علیه السلام، یا داشتن شمایل جسمانی بنی اسرائیل یا وجود خاتم امامت و وصایت بر شانه ایشان و... .

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۷۴، باب ذکر من شاهد القائم و راه و کلمه.

لباس و سایر وسایل مقدس آنان) شده بود؛ گذشته از آن که ایشان پیش از امامت نیز نشانه‌هایی از علم غیب خود را به شیعیان نشان داده بود. بر این اساس، مهم‌ترین معیار و ملاک شناخت امام راستین برای شیعیان، به ویژه خواص آن‌ها، آزمایش و مطالبه علم غیب و معجزه است و این، همان چیزی است که افراد اندکی که در آن دوران پنج‌ساله به دیدار آن حضرت نائل شدند، از آن حضرت طلب نمودند و ایشان را همانند پدرانش، واجد عصمت مطلق و دانش غیبی مشاهده کردند، در نتیجه او را به عنوان امام پذیرفتند.

### شخصیت عاطفی (اخلاقی و اجتماعی)

شیعیان در طول سال‌ها انس با امامان معصوم علیهم‌السلام، آنان را این‌گونه شناخته بودند: انسان‌های کاملی که در اوج بی‌نیازی از مردم، به دنبال هدایت و تعالی انسان‌ها بودند، آن‌ها را بیش‌تر از خودشان دوست می‌داشتند، از پدر و مادر به آن‌ها مهربان‌تر بودند و در نهایت ایشارگری به رشد و پرورش روحانی انسان‌ها می‌پرداختند.

امامان کسانی بودند که برخلاف خلفا یا مدعیان انحرافی که مردم را برای خود و منافع خود می‌خواستند، به فکر هدایت مردم بودند و از آن‌ها در قبال این کار، هیچ چشم‌داشتی نداشتند.

اوج استفاده ایشاری از مردم را در روی‌دادهای دوران آغازین امامت حضرت مهدی علیه‌السلام می‌توان دید. زیرا در یک‌سو دستگاه خلافت، و در سوی

دیگر، مدعیان امامت،<sup>۱</sup> بدون توجه به عواطف مردم، فقط سرسپردگی آنان را در برابر خود می‌خواستند. ولی شیعیان در برخوردهای اندکی که با امام موعود علیه السلام داشتند،<sup>۲</sup> نهایت مهر و محبت و رحمت را در سیمای ایشان می‌دیدند که این مسأله باعث آرامش و طمأنینه قلبی آنها می‌شد.

امام از درون آنها آگاه بود ( نه برای سوء استفاده از اخبار محرمانه آنها، بلکه جهت رسیدگی به نیازها و مشکلات آنان) و زودتر از عرض حاجت آنها، با مهربانی از ضمیرشان خبر می‌داد و آنها را بر دین حق استوار می‌ساخت. او سختی‌ها و گرفتاری‌های مردم و شیعیان را با عمق وجود درک می‌کرد و با آنها کمال هم‌دردی را داشت و برای رفع گرفتاری‌هایشان دعای خیر می‌کرد.

با وجود آن که دیدارها بسیار کوتاه بود، اما در همان لحظات کوتاه نیز درس‌ها و پیام‌های فراوانی برای شیعیان داشت؛ زیرا امام با مهر فراوان، نیازهای بسیاری را از شیعیان برآورده می‌کرد و به احساسات همه آنها پاسخ می‌داد و چون هدایت و سعادت مردم برای او مهم بود، سعی می‌کرد که لحظه‌های کوتاه دیدارش، تعالی‌بخشی را برای تک‌تک افراد مستعد داشته باشد.

---

۱. منظور، جعفر فرزند امام هادی علیه السلام است.

۲. حداقل در دو داستان حضور در نماز بر پیکر مطهر امام عسکری علیه السلام و دیدار با قمی‌ها.

## شخصیت مدیریتی

گرچه امام مهدی علیه السلام در دوران کودکی به امامت رسید و حضور اجتماعی - اش آشکارا نبود، اما در همان حضور اندک روزهای آغازین امامتش، در مواجهه با مسائل، مدیریتی معصومانه داشت؛ مدیریتی که باعث می شد شیعیان در آن زمان با کمترین ریزش وارد دوران غیبت صغری شوند. برای فهم بهتر مدیریت ایشان، لازم است مروری بر وقایع آن زمان داشته باشیم. پس از منتشر شدن خبر بیماری امام، شهر سامرا به سرعت، محل تجمع شیعیان (خواص شیعه از بغداد و کوفه) شد؛ شیعیانی که در جستجوی جانشین امام عسکری علیه السلام بودند. امام در یک مدیریت و واکنش سریع، با بهره‌وری از اندک فرصت‌ها و استفاده از موقعیت اقامه نماز بر پیکر مطهر پدرش - که نشانه‌ای برای امام بعدی بود -<sup>۱</sup> مراسم نماز را به جای مسجد سامرا، در منزل پدر اجرا کرد؛ جایی که حضور دشمنان، کم‌رنگ و همراه با غفلت، و حضور شیعیان، پررنگ بود. بدین جهت، مسأله نماز بر پیکر امام

---

۱. در روایات شیعه، اصلی وجود دارد مبنی بر این که بر پیکر امام معصوم، جز امام معصوم کسی نباید نماز بگذارد. (بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۸۸، باب أن الإمام لا یغسله و لا یدفنه إلا إمام) بدین جهت حتی در حادثه کربلا یا در ماجرای شهادت امامان در تبعید، همانند امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام یا درباره امام عسکری علیه السلام که در شهری نظامی به شهادت رسید، پیکر مطهر امامان شاهد دو اقامه نماز بود؛ یکی نماز مخفیانه توسط امام معصوم بعدی و دیگری نماز رسمی که توسط دستگاه خلافت برگزار می شد. البته در ماجرای شهادت امام عسکری علیه السلام نماز اول مخفیانه نبود و پیش‌روی شیعیان و جعفر و برخی همراهانش اقامه شد.

عسکری علیه السلام در داخل خانه، تنها فرصتی بود که در اختیار امام قرار داشت و ایشان نهایت استفاده را از آن نمود.

پس از آغاز امامت، دوران غیبت صغری شروع شد؛ دورانی که قرار نبود در آن، امام، دیداری با شیعیان داشته باشند. ولی در هفته آغازین امامت، با ورود کاروانی از قمی‌ها به سامرا، ایشان آخرین دیدار رسمی‌اش را با آنان انجام داد. علت اهمیت آن دیدار، بدین جهت است که اکثر افراد حاضر در آن گروه، از خواص شیعیان قم بودند و ایمان یا تردید آن‌ها می‌توانست ایمان یا تردید تمام شیعیان قم را به همراه داشته باشد. لذا امام - همان‌گونه که در ماجرای نماز، باعث طمأنینه شیعیان عراقی شد - در این دیدار، موجبات اطمینان و ثبات قدم شیعیان ایرانی را نیز فراهم کرد.

آغاز امامت آن حضرت با آغاز غیبت صغری همراه بود. امام عسکری علیه السلام برای آغاز این دوران و نیابت عثمان بن سعید، پیشاپیش بسترهای لازم را فراهم کرده بود؛ ولی پس از آغاز امامت امام دوازدهم علیه السلام، تعیین نایبان و مدیریت جامعه شیعه در اختیار ایشان قرار گرفت.

در آن سال‌ها اگرچه ۲۶ سال از اقامت عسکرین علیهم السلام در سامرا می‌گذشت و اهل بیت امام زمان علیه السلام (مادر، مادر بزرگ و عمه‌اش حکیمه خاتون) در آنجا ساکن بودند، ولی مرکز اصلی شیعیان در بغداد بود. این در حالی است که جامعه شیعه در آن سال‌ها به طور کلی به دو گروه جامعه شیعه عرب (عراقی) و جامعه شیعه ایرانی (با محوریت قم) تقسیم‌بندی می‌شد.

برای انجام بهتر مسئولیت نیابت توسط نایب اول، عثمان بن سعید - که از



نوجوانی ساکن سامرا و سال‌ها در محضر امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بود و در آن شهر به روغن‌فروشی اشتغال داشت - مرکز نیابت به بغداد منتقل گشت و آن‌جا محل رفت‌وآمد شیعیان عراق شد. ولی خاندان اهل بیت علیهم السلام در همان سامرا باقی ماندند تا پرچم مزار عسکرین علیهم السلام را برافراشته نگه دارند و راهنمای شیعیانی باشند که در سال‌های آغازین امامت امام دوازدهم علیه السلام، بی‌خبر از تحولات جاری به عشق زیارت یا در جستجوی امام غائب علیه السلام و کسب خبری اطمینان‌بخش از ایشان، راهی سامرامی شدند. بدین‌گونه، هم سامرا و هم بغداد، پایگاه مدیریت و رهبری خواص شیعیان گردید.

از نکات جالب در زمینه مدیریت اجتماعی آن امام، این است که در آن سال‌ها، احمد بن اسحاق قمی - از برجسته‌ترین علمای شیعه و وکیل امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در قم - به بغداد منتقل، و از مهم‌ترین دستیاران و یاوران نائب اول در دوران نیایش گردید، تا به احتمال زیاد، یاور نائب اول در ارتباط با شیعیان ایرانی باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. به ویژه که نائب اول در بغداد، در تقیه‌ای بسیار شدید زندگی می‌کرد و از طریق سه وکیل که یکی از آن‌ها احمد بن اسحاق قمی بود، با شیعیان تماس داشت. در این زمینه، رک: سازمان وکالت، ج ۲، ص ۴۵۰ و ۵۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۴ و تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ص ۱۲۷ و ۱۴۳ و ۱۴۹.

## سخن پایانی

با آغاز امامت امام زمان علیه السلام، مدیریت غائبانه آن حضرت هم شروع شد؛ مدیریتی که با توجه به شخصیت برجسته آن حضرت، ابعاد گوناگونی دارد. امام در آن سال‌ها با وجود آن که کودکی بیش نبود، اما در اوج مرتبه انسانی، از جهت جسمی، خانوادگی، اخلاقی، علمی و عبادی قرار داشت. درباره زندگی شخصی آن امام در آغازین روزهای امامتش، این نکته نیز قابل توجه است که پس از ارتحال مادر بزرگ، مادر و عمه آن حضرت، ایشان ظاهراً تنها با نواب اربعه در ارتباط بود و از این نظر، مسأله غربت و تنهایی آن امام مطرح می‌شود؛ غربتی که بنا بر روایات شیعی، با حضور حضرت خضر علیه السلام به انس و آرامش می‌رسد؛ چراکه مونس غربت و تنهایی آن امام، حضرت خضر نبی علیه السلام است.<sup>۱</sup>

---

۱. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۹۶ و کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹۰.

## فصل سوم:

### همه یاوران امام غائب علیه السلام در آغازین روزهای امامت

هم‌زمانی آغاز امامت امام زمان علیه السلام و غیبت صغری باعث شد که مسئولیت سنگینی بر دوش خواص شیعه بیفتد. گستردگی، پراکندگی و فراوانی جوامع شیعه، به‌ویژه در دو سرزمین ایران و عراق، بر دشواری و سختی این مأموریت می‌افزود. بدین جهت برای یآوری آن امام، مردان و زنان ویژه‌ای انتخاب شدند تا اولین نسل از شیعیانی باشند که پرچم یآوری امام غائب علیه السلام را برمی‌افرازند.

اینک در مقام الگوگیری از آنان، به صورت کوتاه با شخصیت و چگونگی مأموریت آن افراد آشنا می‌شویم:

### یاوران دوران آغاز امامت

مردان	زنان
عثمان بن سعید	مادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>
احمد بن اسحاق قمی	مادر امام زمان <small>علیه السلام</small> (یا یکی از کنیزان امام)
ابوالادیان	حکیمه خاتون

### عثمان بن سعید

ایشان از قبله بنی‌اسد، و از نوجوانی (یازده سالگی) در خدمت امام هادی علیه السلام

و تربیت شده ایشان بود؛ تا جایی که شاگرد اول آن امام در دانش، مدیریت، تدبیر، ایمان و تقوا محسوب می‌شد. پس از تبعید امام هادی علیه السلام از مدینه به سامرا، او در پوشش شغل روغن‌فروشی ساکن سامرا شد و به تدریج وکیل اول آن امام و رابط ایشان و شیعیان گردید. با اوج‌گیری فشارها، امام هادی علیه السلام بارها او و فرزند جوانش، محمد را - که ادامه‌دهنده راه پدر و آینه تمام‌نمای او بود - به عنوان وکیل خود، به نمایندگان و اهل دانش مورد اعتماد معرفی نمود.

عثمان بن سعید پس از شهادت امام هادی علیه السلام و در تمامی دوران شش ساله امامت امام عسکری علیه السلام، پس از امام، شخصیت دوم شیعه بود و به طور پنهانی در سامرا رابط امام و شیعیان بود.

در تمام روی‌دادهای پس از تولد امام مهدی علیه السلام، از معرفی آن امام به شیعیان تا مسائل هم‌زمان با آغاز امامت آن حضرت، مدیریت آشکار جامعه شیعه به عهده او بود. امام عسکری علیه السلام مأموریت او به عنوان نائب اول امام زمان علیه السلام را بارها به شیعیان خبر داده بود.

وی چند ماه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام در سامرا ماند تا به مدیریت مسائل شیعه پردازد؛ آن‌گاه برای همیشه به بغداد منتقل شد و بنیان سازمان نیابت خاص در تقیه‌ای شدید پایه‌گذاری کرد. به علت رفتار تقیه‌آمیز او در آغازین سال‌های غیبت صغری، زوایای چندانی از زندگی و مدیریت او آشکار نیست.

مدت نیابت او را دو تا چهار سال گفته‌اند. مهم‌ترین دستاورد دوران نیابت

او، ایجاد پایگاه اصلی شیعه در بغداد،<sup>۱</sup> جلوگیری از انتشار نام امام مهدی عج در میان شیعیان، جلوگیری از انتشار خبر تولد امام در جامعه غیرشیعی - خصوصاً در مکان‌هایی که دستگاه خلافت حضور فعال داشت - و اهتمام به حفظ وحدت جامعه شیعه بود.<sup>۲</sup>

### احمد بن اسحاق قمی

ایشان از خاندان اشعری بود که پایه‌گذار شهر شیعی قم بودند. بیش‌تر جوانان خاندان اشعری، به حفظ حدیث و معارف امامان معصوم علیهم‌السلام اشتغال داشتند که در آن میان، احمد، از کوشاترین افراد بود. او در جوانی، شاگرد امام جواد عج بود. اوج دوران تحصیلش در دوران امامت امام هادی عج گذشت و در اواخر دوره امامت همان امام به وکالت و نمایندگی امام در شهر قم رسید.

وی در دوران امامت امام عسکری عج نیز وکیل امام در امور موقوفات قم و از خواص و بزرگان شیعیان آن‌جا بود.

در روی‌دادهای مهدوی حضور او را در موارد زیر می‌توان دید:

---

۱. بغداد در آن سال‌ها پایتخت جهان اسلام بود و اگرچه جمعیت آن را بیش‌تر اهل سنت تشکیل می‌دادند، اما اقلیت شیعه این شهر، نسبت به جمعیت شیعه در دو شهر کوفه و قم و مناطق دیگر، بیش‌تر بود و اکثر علمای شیعه نیز در این شهر ساکن بودند. در آن سال‌ها مهم‌ترین مدرسه علمی شیعه در میان مدرسه‌های سه‌گانه کوفه، قم و بغداد، مدرسه علمی بغداد بود.

۲. سازمان وکالت، ج ۲، ص ۴۵۰.

امام عسکری علیه السلام به قم نامه می نویسد و خبر میلاد فرزندش را به شیعیان آن جا می رساند. مخاطب نامه، احمد بن اسحاق است و مأموریت می یابد که خبر میلاد را مخفیانه به شیعیان برساند.

او سه سال بعد، همراه جمع اندکی از خواص، راهی سامرا می شود و ضمن توفیق دیدار امام زمان علیه السلام و بیعت با ایشان، به امام عسکری علیه السلام خبر می دهد که تمام قمی ها خبر میلاد را شنیده و از آن شادمان هستند.

به هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام و آغاز امامت امام زمان علیه السلام کاروانی از قم به سامرا می رود که احمد همراه آنان نیست؛ ولی به احتمال زیاد، او - به عنوان وکیل امام - آنها را به سامرا فرستاده است. پس از بازگشت آنها نیز او پرچم دار امامت امام زمان علیه السلام در قم و ایران است.

با آغاز غیبت صغری و شروع نیابت عثمان بن سعید، خیلی زود احمد بن - اسحاق به بغداد هجرت می کند و احتمالاً تا پایان دوران نیابت نائب اول، به عنوان مهم ترین یار، به او کمک می نماید.

ابن اسحاق در کهنسالی از امام اجازه می گیرد که از مسیر حج به ایران و قم بازگردد؛ اما در منطقه ای از مناطق غربی ایران بیمار گشته و در همان جا رحلت می کند. او را با کفنی که پیکی از سوی امام زمان علیه السلام برایش می آورد، در همان شهر به خاک می سپارند.<sup>۱</sup>

---

۱. مرقد او هم اینکه در سرپل ذهاب در استان کرمانشاه قرار دارد. سازمان وکالت، ج ۲،



## ابوالادیان

او یکی از خادمان منزل امام عسکری علیه السلام بوده است؛ اما تفاوتی که با دیگر خادمان داشته، این بوده که در محضر آن امام از جهت علمی و اجتماعی و مدیریتی به چنان رشدی دست یافته که گه‌گاه مأموریت‌های مخفی و مهمی از سوی امام به او محول می‌شده است. آخرین مأموریت او پانزده روز پیش از شهادت امام بوده است. در آن مأموریت، دو وظیفه به عهده او گذارده شد؛ یکی رساندن نامه‌های امام به مدائن و اطراف آن، و دیگری نقشی که در بازگشت به سامرا باید ایفا می‌نمود و با نشانه‌های سه‌گانه خاصی، جانشین امام را شناخته و به دیگر شیعیان معرفی نماید. این ماجرا را خود او چنین بیان کرده است:<sup>۱</sup>

من خدمت‌کار امام حسن علیه السلام بودم و نامه‌های او را به شهرها می‌بردم. در آن بیماری که از اثر مسمومیت بود و منجر به شهادت مولایم شد، نامه‌هایی نوشت و فرمود: «آن‌ها را به مدائن برسان. چهارده روز آن‌جا خواهی بود و روز پانزدهم وارد سامرا خواهی شد و از سرای من صدای واویلا خواهی شنید و مرا در مغتسل خواهی یافت». عرض کردم: «ای آقای من! چون این امر واقع شود، امام و جانشین شما که خواهد بود؟» فرمود: «هر کس پاسخ نامه‌های مرا از تو مطالبه کرد، همو قائم پس از من خواهد بود». گفتم: «دیگر چه؟» فرمود: «کسی که بر من نماز بخواند، همو قائم پس از من

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۷۲.

خواهد بود». گفتم: «دیگر چه؟» فرمود: «کسی که خبر دهد در آن همیان چیست، همو قائم پس از من خواهد بود». و هیبت او مانع شد که از او بپرسم در آن همیان چیست؟

نامه‌ها را به مدائن بردم و جواب آن‌ها را گرفتم و همان‌گونه که فرموده بود روز پانزدهم به سامرا در آمدم و به ناگاه صدای واویلا از سرای او شنیدم و او را بر مغتسل یافتم. برادرش جعفر بن علی را بر در سرا و شیعیان را بر در خانه‌اش دیدم که وی را به مرگ برادر، تسلیت و بر امامت تبریک می‌گفتند. با خود گفتم: «اگر این امام است که امامت باطل خواهد شد»، زیرا می‌دانستم که او شراب می‌نوشد و در کاخ قمار می‌کند و تار می‌زند. پیش رفتم و تبریک و تسلیت گفتم. او از من چیزی نپرسید. آن‌گاه عقید (خادم) بیرون آمد و گفت: «ای آقای من! برادرت کفن شده است، برخیز و بر وی نماز گزار!» جعفر بن علی داخل شد و بعضی از شیعیان، چون سمان و حسن بن علی - که معتصم او را کشت و به سلمه معروف بود - در اطراف وی بودند.

چون به سرا در آمدیم حسن بن علی علیه السلام را کفن شده بر تابوت دیدم. جعفر بن علی پیش رفت تا بر برادرش نماز گزارد؛ اما چون خواست تکبیر گوید، کودکی گندم‌گون با گیسوانی مجعد و دندان‌های پیوسته بیرون آمد و ردای جعفر را گرفت و گفت: «ای عمو! عقب برو که من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم». و جعفر با چهره‌ای رنگ پریده و زرد، عقب رفت.

آن کودک پیش آمد و بر او نماز گزارد؛ سپس حسن بن علی علیه السلام در کنار

آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد. آن گاه کودک گفت: «ای بصری! جواب نامه‌هایی را که همراه توست بیاور». آن‌ها را به او دادم و با خود گفتم: «این دو نشانه! فقط همین باقی ماند». آنگاه نزد جعفر بن علی رفتم، در حالی که او آه می‌کشید. حاجز و شاء به او گفت: «ای آقای من! آن کودک کیست تا بر او اقامه حجت کنیم؟» گفت: «به خدا سوگند، هرگز او را ندیده‌ام و او را نمی‌شناسم».

ما نشسته بودیم که گروهی از اهل قم آمدند و از حسن بن علی علیه السلام پرسش کردند و فهمیدند که او در گذشته است و گفتند: «به چه کسی تسلیمت بگوییم؟» مردم به جعفر بن علی اشاره کردند. آن‌ها بر او سلام کردند و به او تبریک و تسلیت گفتند و گفتند: «همراه ما نامه‌ها و اموالی است، بگو نامه‌ها از کیست و اموال چقدر است؟» جعفر در حالی که جامه خود را تکان می‌داد، برخاست و گفت: «آیا از ما علم غیب می‌خواهید؟» در این حال، خادم از خانه بیرون آمد و گفت: «نامه‌های فلانی و فلانی همراه شماست؛ به علاوه همیانی که درون آن هزار دینار است که نقش ده دینار آن محو شده است». آن‌ها نامه‌ها و اموال را به او دادند و گفتند: «آن که تو را برای گرفتن این‌ها فرستاده، امام است».

جعفر بن علی نزد معتمد عباسی رفت و ماجرای آن کودک را گزارش داد. معتمد، کارگزاران خود را فرستاد و صقیل جاریه را گرفتند و از وی آن کودک را مطالبه کردند. صقیل منکر او شد و مدعی شد که باردار است تا به این وسیله، کودک را از نظر آن‌ها مخفی سازد. وی را به ابن‌الشوارب قاضی

سپردند؛ اما مرگ ناگهانی عبیدالله بن یحیی بن خاقان و شورش صاحبزنج در بصره پیش آمد. از این رو، از آن کنیز غافل شدند و او از دست آنها گریخت»<sup>۱</sup>.

### مادر امام عسکری علیه السلام

ایشان کنیزی پاک و شایسته از سرزمین نوبه یا مغرب (شمال آفریقا) بود. برای ایشان نام‌های متعددی همانند «حدیث» و «سوسن» گفته شده است. ایشان در سنین جوانی به همسری امام هادی علیه السلام درآمد و ثمره این پیوند آسمانی، میلاد امام عسکری علیه السلام در مدینه به سال ۲۳۲ هجری قمری بود. ایشان در سال ۲۳۴ هجری، به همراه همسر به سامرا تبعید شد و از آن پس، به مدت ۲۰ سال، بهره فراوانی از ایمان و علم و تقوا به دست آورد؛ به گونه‌ای که پس از شهادت امام هادی علیه السلام و در دوران شش ساله امامت امام عسکری علیه السلام، نقش و جایگاه ویژه‌ای یافت.

ایشان پس از تولد امام زمان علیه السلام که گاه مسئول نگهداری از نوه‌اش می‌شد. در سال ۲۵۹ هجری به دستور امام عسکری علیه السلام برای چند ماه، نوه چهارساله خود را به حجاز برد و پس از مراسم حج در آنجا ساکن شد. در آستانه شهادت امام عسکری علیه السلام به سامرا بازگشت و در زمانی که جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام - با ادعای امامت و این که تنها وارث آن امام شهید است - ابزار دست خلیفه شده بود تا به تشیع ضربه‌ای تاریخی بزند، این بانو بر سر

---

۱. ترجمه کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۲۶.

میراث امام با جعفر به مقابله پرداخت و نقشه‌های او را در ادعای امامت و وراثت امام حسن عسکری علیه السلام خنثی ساخت.

ایشان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام در منزل آن امام ساکن شد و به واسطه کمالات و دانش و تقوایی که داشت، مرجع علمی موقت شیعیان در آغاز غیبت صغری گشت؛ چراکه امام عسکری علیه السلام به هنگام شهادت، از روی تقیه، او را تنها وصی اموال و میراث خود قرار داده بود.

آن بانو هم‌زمان با هجرت عثمان بن سعید و پنهان‌زیستی او در بغداد، همانند حضرت زینب علیها السلام - که در دوران اسارت محل مراجعه مردم برای پاسخ‌گویی به سؤالات دینی‌شان بود - در سامرا محل رجوع شیعیان و پاسخگوی مسائل آنان بود. ایشان سرانجام در سامرا رحلت کرد و در جوار همسر و فرزند معصومش علیهما السلام به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### مادر گرامی امام زمان علیه السلام

مادر آخرین امام، بانویی پاک‌زیست و شایسته بود که در پوشش کنیزی به خانه اهل‌بیت علیهم السلام راه یافت. او در دوران زندگانی امام هادی علیه السلام به منزل ایشان آمد و به توصیه آن امام، حکیمه خاتون علیها السلام مسئولیت تعلیم و رشد ایمانی و اخلاقی او را عهده‌دار شد. ایشان کمی پس از شهادت امام هادی علیه السلام، به واسطه تقیه شدید، به عنوان کنیز به منزل امام عسکری علیه السلام

۱. در این زمینه، رک: موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹ و موسوعة الإمام

الهادی علیه السلام، ج ۱، ص ۵۱.

منتقل شد و شرف همسری ایشان را یافت.

اگرچه در روایتی، رحلت ایشان پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام گزارش شده، اما در گزارش‌های دیگر نقل شده که ایشان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام زنده بوده و حتی برای منحرف ساختن تصور خلافت عباسی درباره فرزندش، خود را باردار نشان داد و با این کار، اگرچه نزدیک به دو سال در خانه خلیفه، وزیر و قاضی وقت، تحت نظر بانوان آن‌ها قرار گرفت، اما توانست از فشار دشمنان بر منزل امام بکاهد.

ایشان پس از گذشت دو سال، به واسطه رخ دادن آشوب‌هایی که شیعیان آن را طرح‌ریزی کرده بودند، از حصر دربار نجات یافت. مدتی پنهان زیست تا آن‌که رحلت نمود و در جوار همسر مطهرش علیه السلام به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام

آن بانو، دختر امام جواد، خواهر امام هادی و عمه امام عسکری علیه السلام بود و آخرین بانوی برجسته و تربیت یافته اهل بیت علیهم السلام در دوران حضور امامان محسوب می‌شود. ایشان در اواخر دوران حضور و آغاز دوران غیبت صغری، به مدت نیم قرن از سرشناس‌ترین بانوان اهل بیت علیهم السلام بود. او در مدینه زاده شد و بعد از شهادت پدر، نزد برادرش، امام هادی علیه السلام تربیت یافت. ایشان با یکی از علویان، به نام ابوالحسن محدث که نسب او با پنج واسطه به امام سجاد علیه السلام می‌رسید ازدواج کرد. پیوند این خانواده با امامان تا جایی بود که

۱. رک: موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹.

پس از تبعید امام هادی و امام عسکری علیهما السلام به سامرا، آنان نیز تمامی سختی زندگی در سامرا را به جان خریدند و بدان جا نقل مکان کردند تا نزدیک امام زمان خود باشند.

پس از آن، حکیمه خاتون علیها السلام مسئول تربیت کنیزان و بانوان خانه امام می شود. آن بانو، زمینه ساز ازدواج نرجس خاتون علیها السلام با امام عسکری علیه السلام شد و در هنگام میلاد امام موعود علیه السلام نیز تنها محرم راز و یاور نرجس خاتون علیها السلام بود.

ایشان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، ۱۹ سال زندگی کرد و در آن مدت، نقشی زینب گونه داشت؛ چراکه در شرایطی که نائب اول در بغداد در تقیه شدید بود، وی در سامرا به صورت پنهانی، راوی داستان میلاد و مبلغ امامت امام موعود علیه السلام بود. ایشان سرانجام در سن ۶۹ سالگی و در سال ۲۷۴ هجری قمری رحلت نمود و در جوار مزار امامان سامرا علیهم السلام دفن شد.<sup>۱</sup>

## سخن پایانی

روزهای آغازین امامت امام زمان علیه السلام نه تنها شروع غیبت صغری است، بلکه زمان تقیه حفاظتی بسیار شدید نائب اول نیز هست. در این شرایط - که بسیار شبیه به زمانه پس از عاشورا و دوران امامت امام سجاد علیه السلام در اسارت بود - خواص برجسته و موثری اعم از مرد و زن برای حفظ دین به صحنه آمدند و هر کدام به فراخور استعداد و توانمندی خود، به گونه ای امام



را در حفظ هویت و اتحاد جامعه شیعه یاری کردند.  
در آن دوران، رهبری اصلی با نائب اول بود؛ ولی در یک برنامه‌ریزی و تقسیم کار حساب شده، تلاش شد تا در دو منطقه مهم بغداد و سامرا، همه بسترها برای هدایت شیعیان و شبهه‌زدایی فراهم گردد. در آن زمانه سخت - که برخی احتمال ایجاد فرقه و ریزش‌های فراوان می‌دادند و فتنه‌گری دستگاه خلافت و مدعیان انحرافی زیاد بود - مدیریت و تدبیر امام غائب علیه السلام و فعالیت‌های هوشمندانه خواص، موجب شد که شیعه از آن دوران با کم - ترین آسیب و ریزش عبور شد.

## فصل چهارم:

### جغرافیای شیعه در آغاز امام موعود عجل الله فرجه

آغازهای آسمانی تاریخ زندگی بشر را می‌توان در جستجوی هویت زمینی و جغرافیای مکانی در یک مثلث نورانی و معنوی دید. بدین‌گونه که محل هبوط آدم و حوا و ظهور زندگی بشری با گسترش زمین از زیر کعبه، در مکه بوده است. پس، از مکه است که تاریخ زندگی انسان بر روی زمین آغاز می‌شود.

ولی از آن‌جا که حجاز در کنار بود و بین‌النهرین در کانون، محل ظهور اولین شریعت و نزول اولین کتاب آسمانی، بین‌النهرین بود که حضرت نوح علیه السلام در آن سکونت داشت. پس از آن، مرکز شریعت الهی، عراق با مرکزیت کوفه و محوریت ابراهیم خلیل‌الرحمان علیه السلام است.

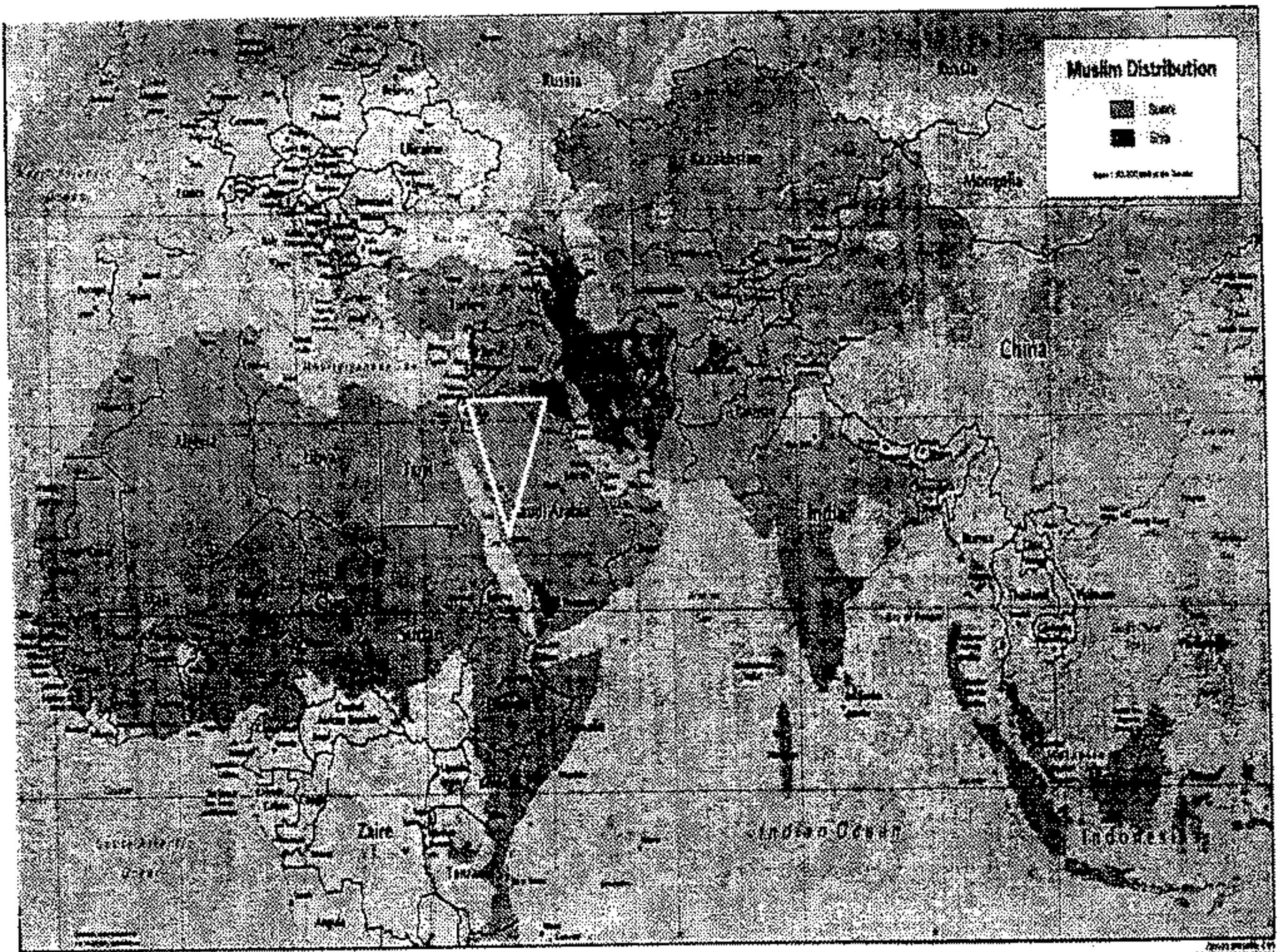
پس از هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام به فلسطین، دو پیامبر اولوالعزم بعدی، انبوه پیامبران بنی‌اسرائیل و برخی دیگر از پیامبران، در فلسطین و بیت‌المقدس ظهور می‌کنند. در نهایت ظهور دین خاتم و بعثت پیامبر رحمت صلوات الله وسلامه در مکه اتفاق می‌افتد.

بدین‌گونه است که مثلث مکه، کوفه و بیت‌المقدس، تبدیل به مثلث دین و تمدن در خاورمیانه می‌گردد و در حواشی هر یک از این اضلاع است که

تاریخ پیامبری و امامت شکل می‌گیرد و روی داده‌های دینی گذشته و حتی آینده رخ می‌نماید.

بر مبنای اهمیت این مثلث است که بخش عمده‌ای از تاریخ امامان معصوم علیهم‌السلام در آن اتفاق می‌افتد و پیشگویی‌های نبوی درباره کانون‌های جغرافیایی حق و باطل تحقق می‌یابد و بین‌النهرین و جغرافیای تمدنی ایران، به خاطر استعدادهایشان، کانون تاریخی حق می‌شوند.

بدین جهت است که در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام، همواره بین‌النهرین و ایران زمین کانون تشیع بوده‌اند. شاهد این مدعا یک جستجوی اینترنتی است. عبارت «نقشه جغرافیایی شیعه» یا «نقشه جغرافیایی اسلام» را جستجو کرده و در نقشه‌هایی که ارائه می‌شود، دقت کنید. به عنوان نمونه، نقشه زیر به خوبی بیان‌گر این نکته است:



برای آن که اهمیت این مثلث را بیش تر درک کنیم و بدانیم که چرا در مصاف تاریخی حق و باطل، با وجود اهمیت مکه و بیت المقدس، از جهت زمینی و جمعیتی، توجه خط امامت به رأس و نقطه شرقی مثلث است، به نکات زیر توجه نمایید:

- مزار ۶ امام از دوازده امام، در عراق است.

- مزار امام هشتم علیه السلام در منتهی الیه مرز شرقی امام باوری و امام گریزی در

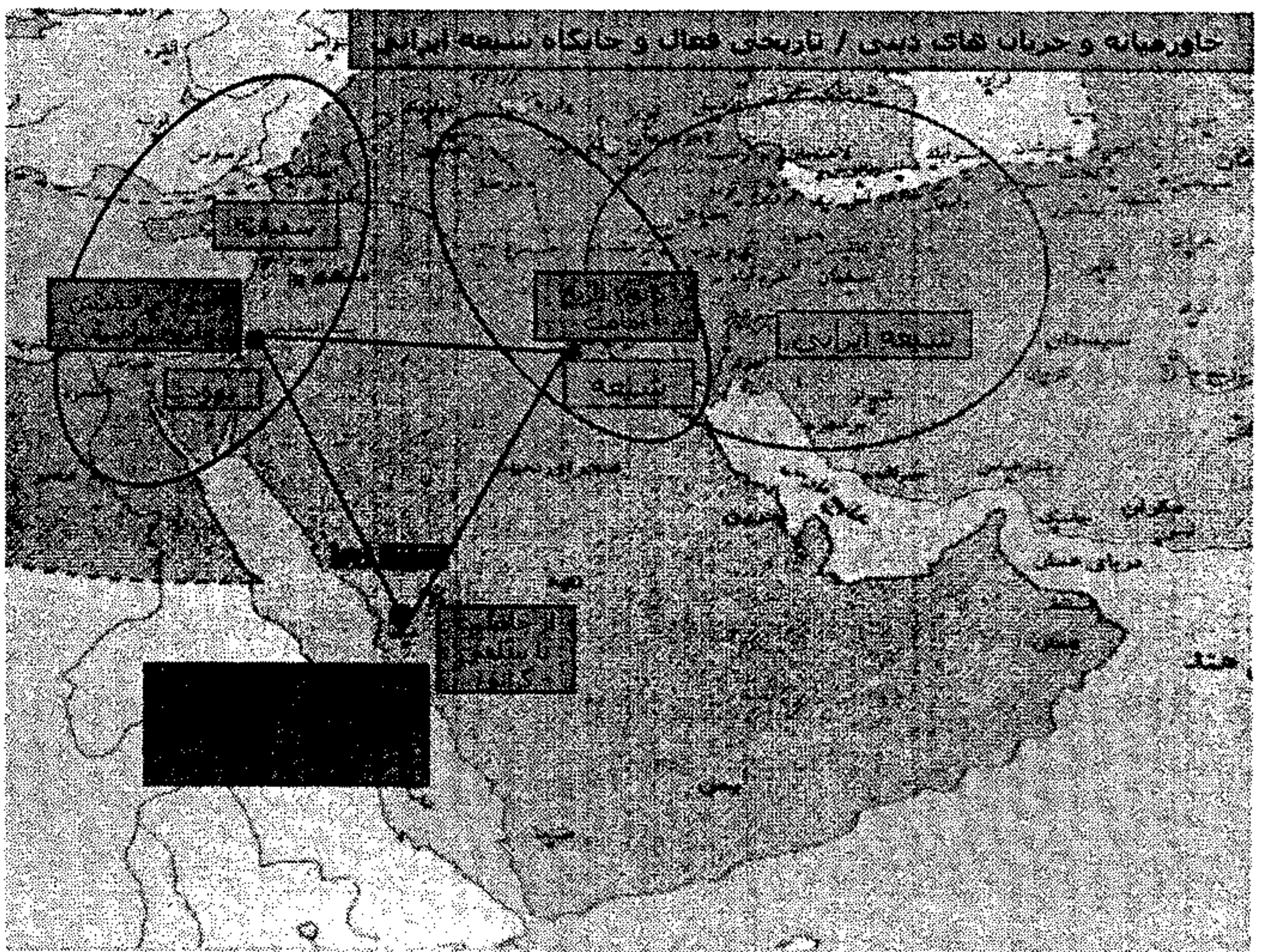
جغرافیای اسلامی است.

- در تاریخ امامان، رأس غربی مثلث، همواره کانون باطل، و رأس جنوبی

آن، کانون جاهلیت بوده است.



از این رو، در تاریخ ۲۵۰ ساله امامت، اگرچه عمدتاً حجاز با محوریت مدینه، محل استقرار اهل بیت معصوم پیامبر علیه السلام است، ولی مهد تربیت و آماده‌سازی نیرو و تشکیل جامعه شیعی، در گستره جهان اسلام با محوریت بین‌النهرین و ایران بود. بدین جهت است که از زمان امام صادق علیه السلام شهرهایی هم‌چون کوفه و قم، خیلی زود هویت شیعی یافتند و کانون تجمع علمای شیعه شدند.



وقتی به دوران آغاز امامت امام زمان علیه السلام نزدیک می‌شویم، کانون روی- دادهای جبهه حق، دو جامعه شیعی عراق و ایران است. امام غائب علیه السلام در آغاز امامت خود و در دوران غیبت صغری به سیاست‌گذاری زیر (مستقیم یا

با واسطه نائب اول) می‌پردازد:

- در هنگام آغاز امامت، امام دو حضور علنی دارد؛ یکی به هنگام نماز بر پیکر پدر در حضور شیعیان عراق، و دیگری کمی بعد، در حضور شیعیان قم.  
- نائب اول خیلی زود مرکز نیابت را از سامرا به بغداد و به محله شیعه- نشین «کرخ» منتقل می‌سازد.

- نائب اول، یک شیعه برجسته قمی را به عنوان دستیار اول انتخاب کرده و او را از قم به بغداد فرا می‌خواند.

- نائب سوم امام، ریشه و اصالتی ایرانی دارد.

- بخش عمده‌ای از وکلا و خواص یاران آن حضرت در دوران غیبت صغری، با القابی همانند اهوازی، همدانی، رازی، قمی و ... شناخته شده‌اند و ایرانی هستند.

در آستانه آغاز امامت امام و حضور یافتن ایشان برای اقامه نماز بر پیکر پدر و دیدار با قمی‌ها، خواص شیعه هر دو جغرافیا به نمایندگی از تمامی شیعیان منطقه خود با امام بیعت کردند تا آغاز غیبت صغری با ثبات و آرامش نسبی آغاز گردد.

نکته جالب در این میان، آن است که در میان شیعیان عراقی (به خصوص شیعیان سامرا و بغداد) ریزش یا تفرقه‌هایی به صورت موقت و تحت تأثیر بحران‌سازی و فتنه‌گری‌های جعفر وجود داشت؛ ولی در جغرافیای شیعه ایرانی، به ویژه در کانون آن، قم، با وجود دوری از مرکز امامت و نیابت، هیچ‌گونه تزلزل و ریزشی رخ نداد. شاید به همین دلیل است که در دوران

غیبت کبری، بر خلاف غیبت صغری، کانون جمعیتی شیعه به جغرافیای ایران زمین متوجه می‌شود.

از دیگر نکات جالب توجه این است که در آغاز غیبت کبری، با مدیریت و هدایت پنهان امام غائب علیه السلام دو شیخ بزرگوار در دو جغرافیای ایران و عراق تربیت می‌شوند که بعدها به عنوان اولین نائبان عام امام، رهبری دو جامعه شیعه ایران و عراق را در آن زمانه سخت و پرخطر عهده‌دار می‌شوند. دو نفری که مشمول دعاها، عنایات و ارتباط‌های ویژه با امام غائب بوده و از علمای بسیار برجسته تاریخ تشیع محسوب می‌شوند؛ ابن بابویه، محمد بن - علی بن حسین، معروف به شیخ صدوق - که از قم و ساکن ری بود - و محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید - که در بغداد می‌زیست - هر دو، مدرسه اجتماعی و علمی قم و بغداد را به اوج رساندند و باعث شدند که آغاز غیبت کبری، زمان اوج بالندگی شیعه گردد.

از نگاه آینده‌پژوهی و آینده‌نگری نیز روی داده‌های دو جامعه شیعه عراق و ایران، کانون تحولات و محل آشکار شدن نشانه‌های ظهور و زمینه‌سازی برای آن خواهند بود.

## سخن پایانی

دین حق، مجموعه‌ای از آموزه‌های سعادت‌بخش و تعالی‌آفرین است. زمان و مکانی که بر محور آن باشد، بستر ساز تاریخ و جغرافیای جامعه حق خواهد شد و به تدریج، به بخشی از هویت و معارف دینی تبدیل می‌شود. اهمیت این هویت به گونه‌ای است که اعتقاد به تاریخ و جغرافیای مقدس، یکی از

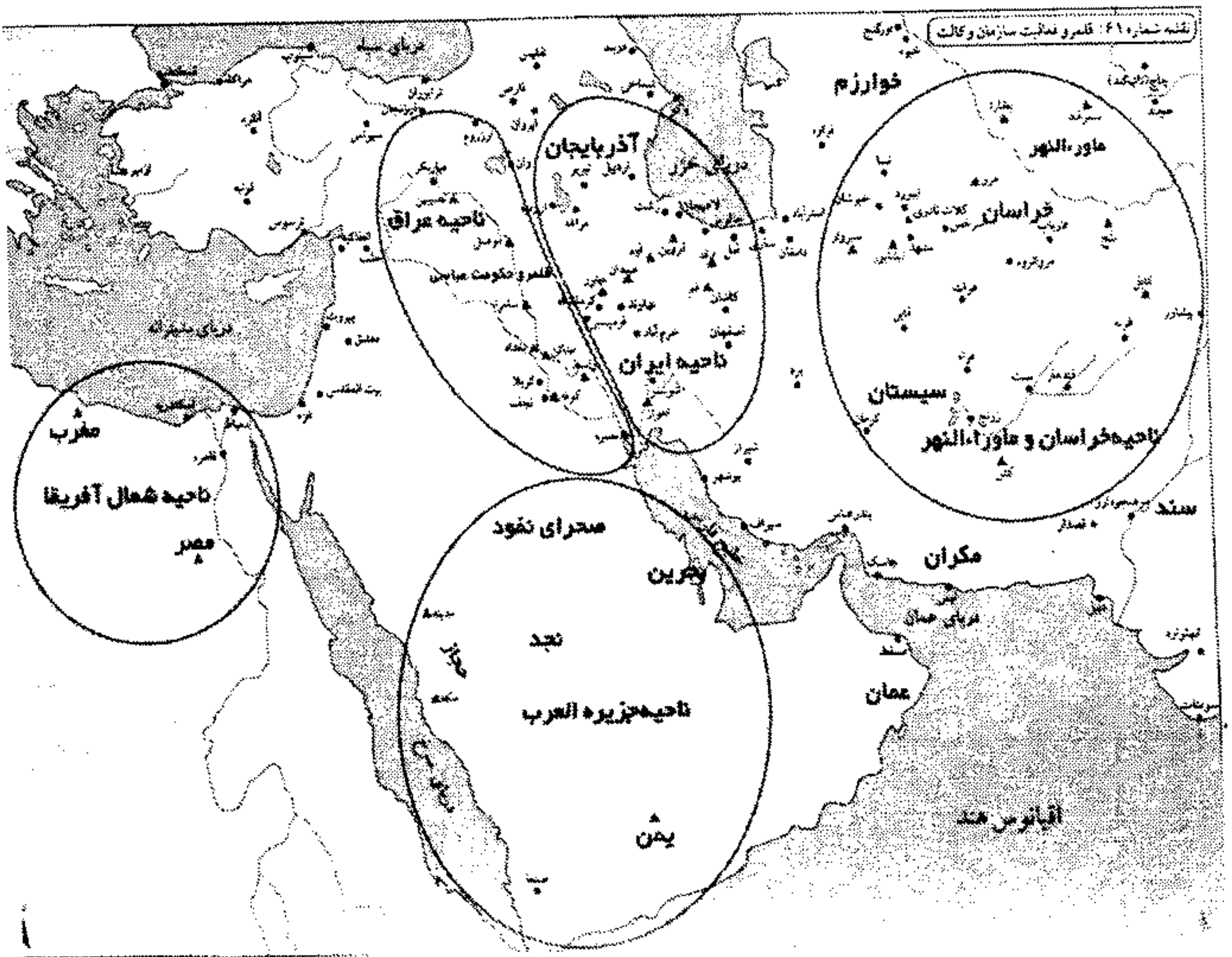


اصول ثابت ادیان ابراهیمی است و در کتب آسمانی سه گانه تورات، انجیل و قرآن، به زمان و مکان های منتسب به حق و باطل، توجه ویژه شده است. در قرآن مسأله جغرافیای تاریخی حق یکی از مسائل مورد توجه است. ناظر به این واقعیت است که در مقام بازشناسی شرایط زمان آغاز امامت امام زمان علیه السلام نباید از این مسأله غفلت ورزید؛ چراکه بخش قابل توجهی از مدیریت ها و سیاست گذاری های امام غائب در آغاز امامتش ناظر به واقعیت های جغرافیای جبهه حق است.

اگرچه امام در آن سال ها - طبق برخی گزارش ها - در مدینه حضور داشت، ولی در جغرافیای عراق با محوریت بغداد - که کانون باطل شده بود - مرکز علمی و اجتماعی و مدیریتی حق را تقویت و گسترش می داد و از حفظ جایگاه معنوی و فرهنگی سامرا هم غافل نبود. ایشان در همان سال ها با مدیریت واسطه ای به شهر قم و مدرسه علمی آن نیز عنایت ویژه داشت. از دیگر نکات علمی و پژوهشی جغرافیایی در آغاز امامت امام زمان علیه السلام - که دانستن آن جالب و مفید است - گستره جغرافیایی سازمان و کالت در آن زمان است که از جهت مدیریتی، به چهار منطقه اصلی تقسیم می شد و تعداد و کلا در هر منطقه، با توجه به فراوانی جمعیت شیعیان متفاوت بود. به نقشه زیر توجه کنید:<sup>۱</sup>

---

۱. از نکات جالب در مواجهه حق و باطل این است که جبهه باطل در سفر تحمیلی امام کاظم و امام جواد علیهما السلام به بغداد و سفر امام رضا علیه السلام به ایران و سفر امامین عسکرین علیهما السلام به سامرا، در صدد دور ساختن رهبران حق از مراکز اثرگذاری شان بود؛



همان گونه که در نقشه پیداست، مناطق مهم فعالیت و کلا، بین النهرین و سپس ایران غربی و مرکزی است. بدین جهت است که بیش تر روی دادهای همزمان با تولد امام زمان عجل الله فرجه تا آغاز امامت ایشان و نیز تا پایان دوران غیبت صغری، در این دو جغرافیا متمرکز است.

ولی امامان معصوم علیهم السلام این سفرها و اقامتها را در بلندمدت تبدیل به کانون جغرافیای جدیدی برای حق می نمودند و جغرافیای باطل را پراکنده و وادار به عقب-نشینی در بلند مدت می کردند. (یادآوری: نقشه از کتاب اطلس شیعه است)

## فصل پنجم:

### شیعه ایرانی از اولین تا آخرین غدیر با چشم انداز آخرین آغاز (ظهور)

اسلام، دینی جهانی برای هدایت و سعادت تمام انسان‌هاست. در این دین، نژاد و رنگ و زبان، شرافتی ندارد و ارزش انسان‌ها به تقوای آن‌هاست؛<sup>۱</sup> ولی در عین حال، بر حسب استعدادها و توانمندی‌های هر فرد، برای او مسئولیتی تعریف کرده و هرچه استعداد و نعمت‌های فردی و اجتماعی افراد بیش‌تر باشد، مسئولیت و تکلیف آن‌ها را سنگین‌تر می‌کند. همان‌گونه که از نگاه دینی، به هر میزان که ثروت و دارایی اقتصادی فردی بیشتر باشد، مسئولیت‌ها و تعهداتش افزون می‌گردد، اگر جامعه یا جغرافیایی دارای استعداد و ظرفیت بیشتری باشد، مسئولیت بیش‌تری خواهد داشت.

از این منظر است که عنوان «مسلمان ایرانی» و بلکه «شیعه ایرانی» معنا می‌یابد؛ عنوانی که ریشه آن در روایت نبوی و پیشگویی‌های آن حضرت درباره ایران و ایرانیان (از منظر فرهنگ و تمدن، نه نژاد و قومیت) می‌باشد. جالب است که بدانیم بستر ساز این پیش‌بینی‌ها و آینده‌نگری‌ها، حضور

آگاهانه و پرتلاش سلمان فارسی در جوار پیامبر ﷺ به مدت یک دهه (از ورود پیامبر ﷺ به مدینه تا رحلت ایشان) بوده است؛<sup>۱</sup> سلمانی که با سعی و تلاش به مرتبه «سلمان محمدی» و مدال افتخار «سلمان منا اهل البيت» نائل شد.<sup>۲</sup> معرفت، محبت و مودت سلمان بدان جا رسید که شاید بتوان ادعا کرد که او خالصانه‌ترین و محکم‌ترین بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام را در غدیر خم انجام داد.

دستاورد حضور باشکوه سلمان در کنار پیامبر خاتم ﷺ و اولین امام علیه السلام برای آیندگان سرزمینش، آیه ۵۴ سوره مائده بود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَأِ يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [انان] با مؤمنان، فروتن و بر کافران سرفرازند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست؛ آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایش‌گر داناست.»

۱. در این زمینه، رک: سلمان فارسی، الگوی زندگی مهدوی.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۱۸۹.

منابع تفسیری شیعی و سنی، ذیل این آیه تصریح کرده‌اند که پیامبر ﷺ در مقام معرفی روشن‌ترین مصداق آیه، به مردمی از سرزمین سلمان اشاره کرده است.<sup>۱</sup> بدین جهت است که خط خلافت در حد فاصل زمان سقیفه تا عاشورا تلاش می‌کرد که بین ایران فتح‌شده و اهل بیت علیهم‌السلام فاصله بیندازد، شاید که آن پیش‌بینی محقق نشود و جریان حق همواره مهجور و غریب بماند.<sup>۲</sup>

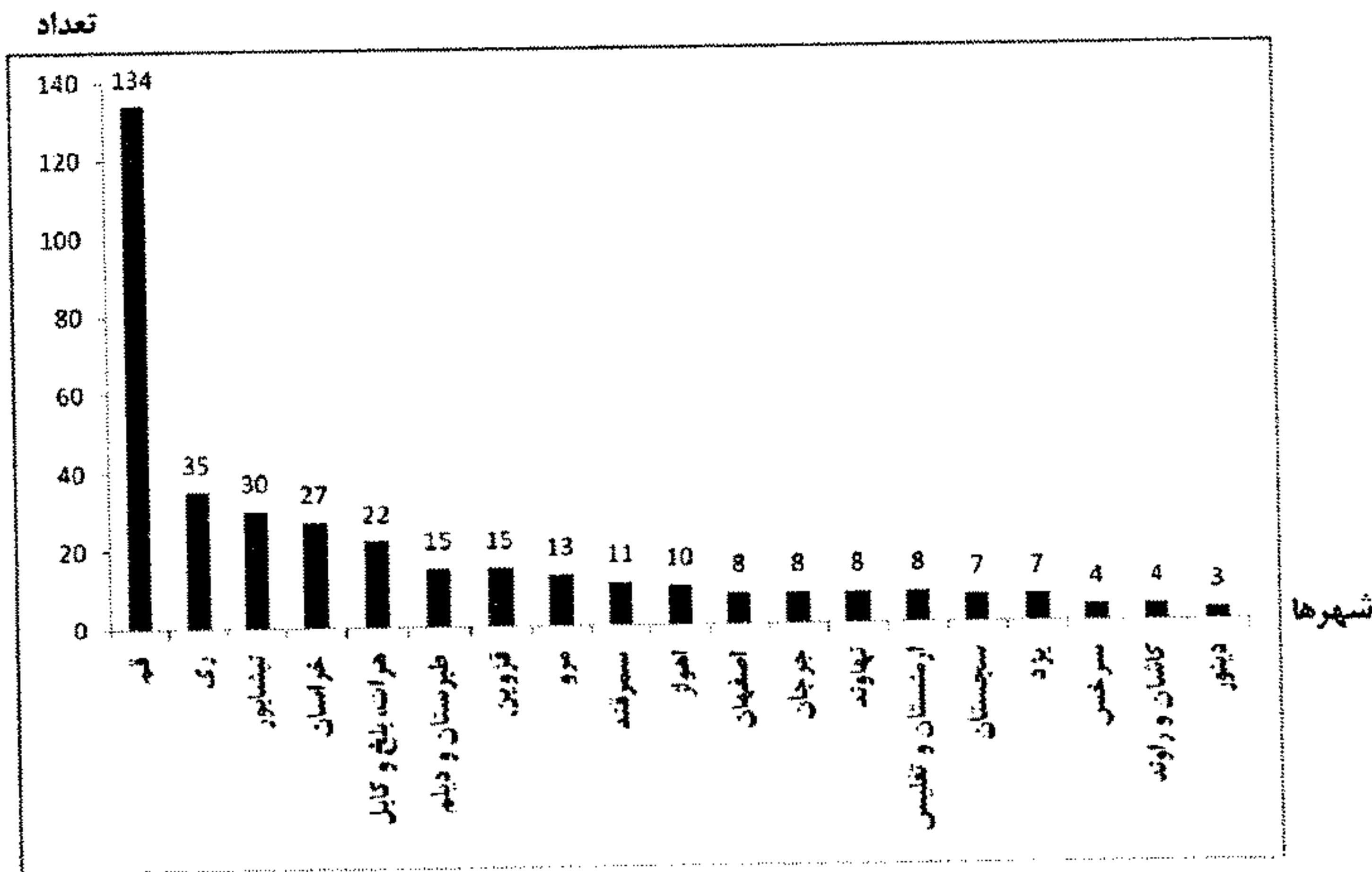
ولی امامان معصوم علیهم‌السلام پس از عاشورا و بر بستر ارزش‌های آن، شروع به برنامه‌ریزی برای گسترش مکتب تشیع در ایران کردند. هجرت قبائل شیعی عرب - هم‌چون اشعری‌ها - به ایران، هجرت امام رضا علیه‌السلام به شرق ایران، هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام برای دیدار با برادر، هجرت امام‌زادگان

۱. به عنوان نمونه، رک: *المیزان*، ج ۵، ص ۳۸۸، ذیل این آیه.

۲. از جهت انسان‌شناسی جغرافیایی - تاریخی، باید بدانیم که اسلام علی‌رغم فتوحات و پیش‌روی‌های گسترده، پشت دروازه اکثر تمدن‌ها متوقف شد و نتوانست تمدن‌های اروپای غربی (روم بیزانس به عمر ۵ قرن)، چین و هند را تصرف کند. خاستگاه اصلی اسلام جغرافیای عرب بود که نه تنها ریشه تمدنی محکمی نداشت، بلکه به جاهلیت شناخته می‌شد. تنها تمدنی که کاملاً اسلام را پذیرفت، تمدن و فرهنگ ایرانی بود. این تمدن بعدها هم به تسنن و هم به تشیع خدمات بسیاری نمود. طبق پیش‌بینی - های نبوی قرار بود که این تمدن در خدمت دین حق قرار گیرد، ولی خلفا آن را برنمی‌تافتند و برنامه‌ریزی آن‌ها تحقق این پیش‌بینی را به تأخیر انداخت. درباره خدمات ایرانیان به اسلام و جایگاه تاریخی و جغرافیایی آن، رک: *خدمات متقابل ایران و اسلام و انسان‌شناسی و مهدویت*.

برجسته و... باعث شد که به تدریج بذر تشیع در جای جای ایران افشانده شود؛ به گونه‌ای که از زمان امام صادق علیه السلام به بعد، شاهد رفت و آمد روزافزون استعداد‌های ایرانی به مدرسه اهل بیت علیهم السلام هستیم. از آن پس در کنار رشد تدریجی اما سریع شیعیان ایرانی و یاران برجسته امامان، شهر قم، خیلی زود تبدیل به یکی از مدرسه‌های علمی شیعی در آن زمان شد.

در نقشه زیر - که در کتاب اطلس شیعه آمده است - پراکندگی علمای شیعه در ایران به وضوح مشخص است:



در این شرایط است که در روی داده‌های حد فاصل تولد تا آغاز امامت امام مهدی علیه السلام در شهر شیعه‌نشین قم، شاهد موارد زیر هستیم:



– نامه ویژه امام عسکری علیه السلام به شیعیان قم، جهت اطلاع آنان از ولادت امام زمان علیه السلام

– سفر احمد بن اسحاق با جمعی از خواص به سامرا

– مکاتبه امام عسکری علیه السلام با ابن بابویه قمی، یکی از علمای جوان و برجسته قم (پدر شیخ صدوق)

– سفر کاروانی از خواص قم (و برخی مناطق غربی ایران) به سامرا و ورود آن‌ها به شهر، هم‌زمان با آغاز امامت امام زمان علیه السلام و دیدار آن حضرت با آنان

اگر به همین مورد اخیر توجه شود، شدت علاقه و توجه اهل بیت، به ویژه امام غائب علیه السلام نسبت به شیعیان ایرانی روشن می‌شود. گزارش مفصل این روی داد چنین است:

علی بن سنان موصلی گوید: پدرم گفت: «چون آقای ما ابو محمد، حسن بن علی علیه السلام درگذشت، از قم و بلاد کوهستان (مناطق غربی ایران) نمایندگان که معمولاً وجوه و اموال را می‌آوردند، جمع شدند و قصد سامرا کردند. ما خبر از درگذشت امام حسن علیه السلام نداشتیم و چون به سامرا رسیدیم از امام حسن علیه السلام پرسش کردیم. به ما گفتند که وفات کرده است. اهل کاروان گفتند: «وارث او کیست؟» گفتند: «برادرش، جعفر بن علی». آنگاه از او پرسش کردند، گفتند که او برای تفریح بیرون رفته و سوار زورقی شده است، شراب می‌نوشد و همراه او خوانندگانی هم هستند! اهل کاروان با یکدیگر مشورت کردند و گفتند: «این‌ها از اوصاف امام نیست»، و بعضی از

آن‌ها می‌گفتند: «بازگردیم و این اموال را به صاحبانشان برگردانیم». در آن میان ابوالعباس محمد بن جعفر حمیری قمی گفت: «بمانید تا این مرد بازگردد و او را به درستی بیازماییم». چون بازگشت به حضور وی رفتیم و بر او سلام کردیم و گفتیم: «ای آقای ما! ما از اهل قم هستیم و گروهی از شیعیان و دیگران، همراه ما هستند و ما نزد آقای خود، ابومحمد حسن بن علی اموالی را می‌آوردیم». گفت: «آن اموال کجاست؟» گفتیم: «همراه ماست». گفت: «آن‌ها را به نزد من آورید». گفتیم: «این اموال داستان جالبی دارد». گفت: «آن داستان چیست؟» گفتیم: «این اموال از عموم شیعه یک دینار و دو دینار گردآوری می‌شود، سپس همه را در کیسه‌ای می‌ریزند و بر آن مهر می‌کنند و چون این اموال را نزد آقای خود ابومحمد علیه السلام می‌آوردیم، می‌فرمود که همه آن‌ها چند دینار است و هر کس چند دینار داده است و نام همه آن‌ها را می‌گفت و نقش مهرها را هم می‌فرمود». جعفر گفت: «دروغ می‌گویید. شما به برادرم چیزی را نسبت می‌دهید که انجام نمی‌داد. این علم غیب است و کسی جز خدا آن را نمی‌داند».

اهل کاروان چون کلام جعفر را شنیدند، به یک دیگر نگریستند. جعفر گفت: «آن مال را نزد من آورید». گفتیم: «ما مردمی اجیر و وکیل صاحبان این مال هستیم و آن را تسلیم نمی‌کنیم مگر به همان علاماتی که از آقای خود حسن بن علی می‌دانیم. اگر تو امام هستی، بر ما روشن کن و الا آن را به صاحبانش بر می‌گردانیم تا هر کاری که صلاح می‌دانند بکنند».

جعفر به نزد خلیفه - که در آن روز در سامرا بود - رفت و علیه ما شکایت

کرد. خلیفه ما را احضار نمود و گفت: «آن مال را به جعفر تسلیم کنید». گفتیم: «خدا امیرالمؤمنین را به صلاح آورد، ما گروهی اجیر و وکیل این اموال هستیم و آن‌ها سپرده مردمانی است و به ما گفته‌اند که آن را جز با علامت و دلالت به کسی ندهیم، و با ابومحمد حسن بن علی علیه السلام نیز همین عادت جاری بود».

خلیفه گفت: «چه علامتی با ابومحمد داشتید؟» گفتیم: «دینارها و صاحبانش و مقدار آن را گزارش می‌داد، و چون چنین می‌کرد آن‌ها را تسلیم وی می‌کردیم. ما مکرر نزد او می‌آمدیم و این علامت و دلالت ما بود و اکنون او در گذشته است. اگر این مرد، صاحب‌الامر است بایستی همان کاری را که برادرش انجام می‌داد، انجام دهد و الا آن اموال را به صاحبانش برمی‌گردانیم».

جعفر گفت: «ای امیرالمؤمنین! اینان مردمی دروغگو هستند و بر برادرم دروغ می‌بندند و این علم غیب است». خلیفه گفت: «این‌ها فرستاده و مأمورند؛ و ما عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ». جعفر مبهوت شد و نتوانست پاسخی بدهد.

اهل کاروان گفتند: «امیرالمؤمنین بر ما منت نهد و کسی را به بدرقه ما نفرستد تا از این شهر بیرون رویم» و چون از شهر بیرون آمدیم، غلامی نیکومنظر - که گویا خادمی بود - به طرف ما آمد و ندا می‌کرد: «ای فلان بن فلان! ای فلان بن فلان! مولای خود را اجابت کنید». گفتیم: «آیا تو مولای ما هستی؟» گفت: «معاذ الله! من بنده مولای شما هستم، نزد او

بیایید». ما به همراه او رفتیم تا آن که بر سرای مولایمان، حسن بن علی علیه السلام وارد شدیم و به ناگاه، فرزندش، آقای ما، قائم علیه السلام را دیدیم که بر تختی نشسته بود و مانند پاره ماه می درخشید و جامه‌ای سبز در برداشت.

بر او سلام کردیم و او پاسخ ما را داد. سپس فرمود که همه مال چند دینار است و چند دینار از فلانی و چند دینار از فلانی است و بدین سیاق همه اموال را توصیف کرد. سپس به وصف لباس‌ها و اثاثیه و چهارپایان ما پرداخت و ما برای خدای تعالی به سجده افتادیم که امام ما را به ما معرفی فرمود و بر آستانه وی بوسه زدیم و هر سؤالی که خواستیم از او پرسیدیم و او جواب داد.

آن گاه اموال را نزد او نهادیم و قائم علیه السلام فرمود که بعد از این مالی را به سامرا نبریم؛ چراکه فردی را در بغداد نصب می‌کند که اموال را دریافت کند و توقیعات از نزد او خارج شود.

از نزد او بیرون آمدیم و او به ابوالعباس محمد بن جعفر قمی حمیری مقداری حنوط و کفن داد و به او فرمود: «خداوند تو را در مصیبت خودت اجر دهد». ابوالعباس به گردنه همدان نرسیده، درگذشت و بعد از آن، اموال را به بغداد و نزد وکلای منصوب او می‌بردیم و توقیعات نیز از نزد آنها خارج می‌گردید.<sup>۱</sup>

نکته مهمی که در این گزارش وجود دارد، این است که در شرایطی که

---

۱. ترجمه کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۲۶.

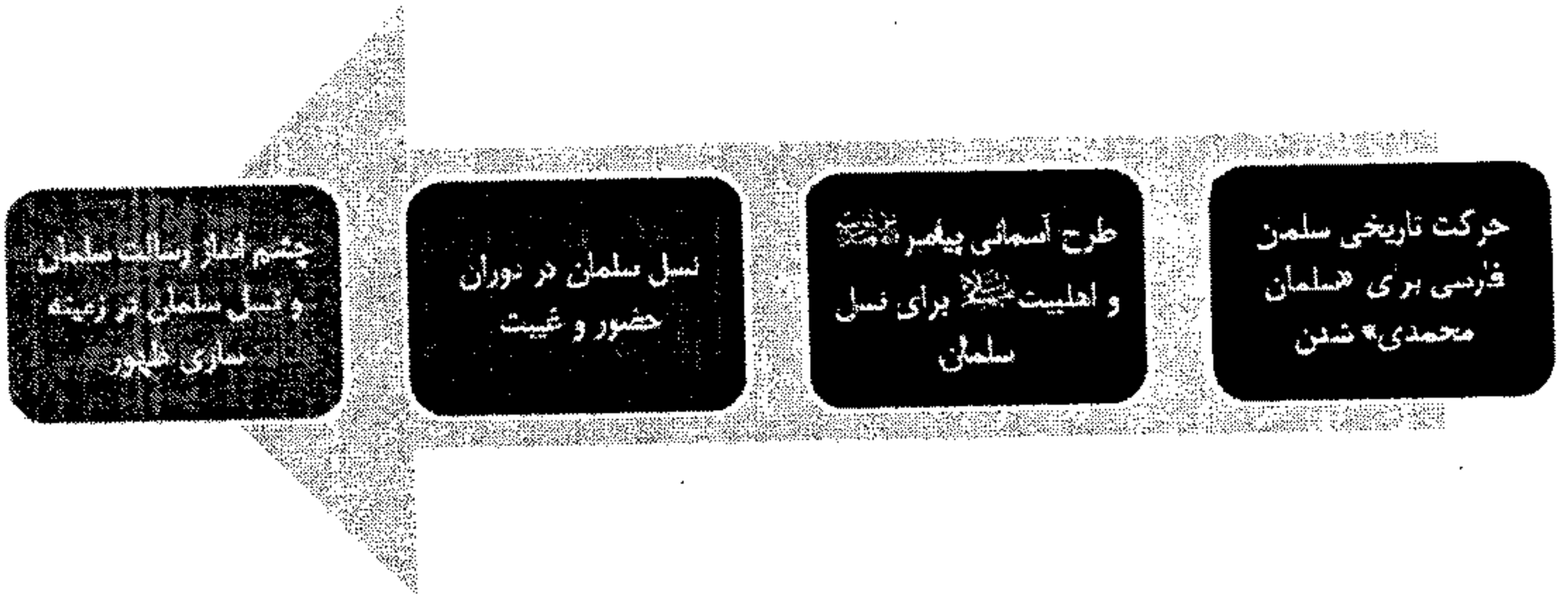
امام در تقیه شدید بود و حضورش برای اقامه نماز بر پیکر پدر نیز بسیار کوتاه بود و یکی از بانوان منزل امام عسکری علیه السلام - که به احتمال زیاد، مادر امام بود - دستگیر شده بود و تمام نیروهای نظامی و انتظامی و اصناف شهر سامرا بسیج شده بودند تا ردی از جانشین احتمالی امام عسکری علیه السلام بیابند، امام غائب علیه السلام عنایت ویژه‌ای به دیدار با قمی‌ها و ایرانی‌ها داشته است.

نکته دیگر این است که در آغاز غیبت صغری، احمد بن اسحاق قمی، برجسته‌ترین شخصیت علمی و مدیریتی قم، به سرعت به عنوان دستیار نائب اول انتخاب می‌شود. آیا تاکنون یک نگاه آماری به علما و مراجع، یا به اصطلاح، «نواب عام» در دوران غیبت کبری داشته‌اید؟ آیا می‌دانید که احتمالاً نزدیک به دو سوم علمای برجسته این دوران، به ویژه از دوره صفویه به بعد، ایرانی هستند؟ آیا می‌دانید که در آخرین آغاز مقدس تاریخ، یعنی ظهور نیز اعراب حضوری کم‌رنگ دارند؟

اینک به نظر می‌رسد که در جمع‌بندی آغازهای سه‌گانه عید غدیر، عید امامت امام موعود علیه السلام و ظهور، طبق اسناد تاریخی یا آینده‌نگر، شیعه ایرانی دارای هویت و رسالت پررنگی است و مسئولیت سنگینی نیز در زمان حال بر عهده آحاد شیعیان ایرانی قرار دارد.

پس عنوان «شیعه ایرانی»، ارمغان سلمان فارسی برای فرهنگ و تمدن ایرانی است که در لحظه آغازین نهم ربیع‌الاول، خود را به زیبایی نشان داد و در دوران غیبت کبری هم تاکنون خوش درخشیده است تا پیش‌بینی نبوی درباره نسل سلمان معنا یابد. این رسالت پیوسته، تجدید بیعت مداوم را می-

طلبید.

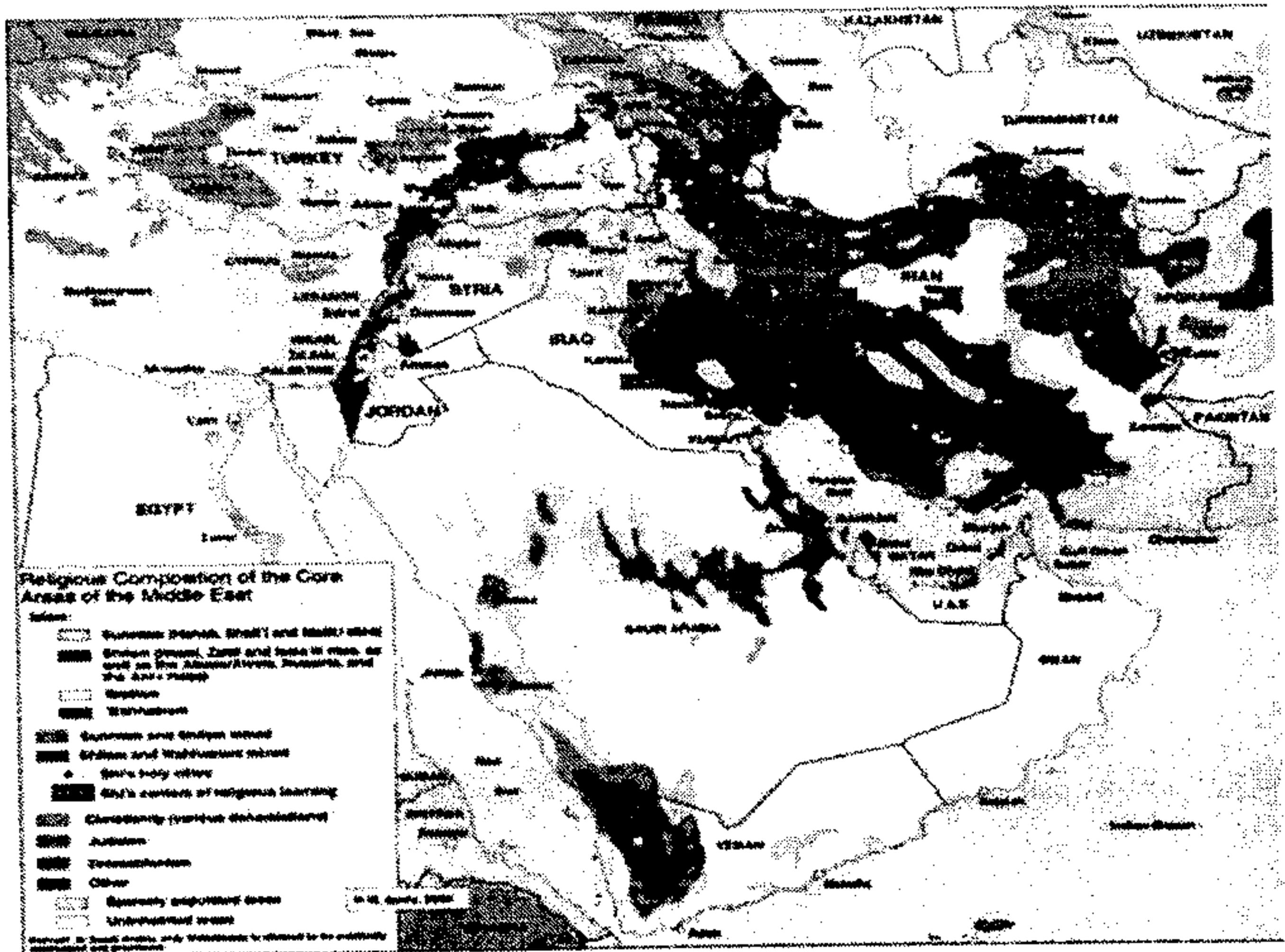


بیاید با هم دیگر نگاهی دوباره به نقشه و جغرافیای تشیع در زمانه کنونی بیندازیم!<sup>۱</sup>

---

۱. این نقشه، یک نقشه اینترنتی است. با تایپ map shia در بخش تصاویر موتورهای جستجوگر می‌توان شاهد نقشه‌های متعددی از جغرافیای تشیع بود که متأسفانه همگی محصول پژوهش‌های غیرشیعیان است.





آن آیه آسمانی و این واقعیت زمینی - جغرافیایی پیام ویژه‌ای را برای شیعه ایرانی داشته و یادآور مسئولیت سنگینی در تجدید عهد و بیعت با امام، ناظر به زمان‌شناسی و حق و باطل‌شناسی پیوسته است.

### سخن پایانی

مهم‌ترین چشم‌اندازی که برای شیعه ایرانی در آخرالزمان برای زمینه‌سازی ظهور در نظر گرفته شده است، جنبش جهانی‌سازی پیام‌های فطری مکتب حق است، تا درست همانند شیعیان قمی که پس از بیعت با امام غائب علیه السلام در آغاز امامت، پیام ولایت او و استواری بر حق را برای تمامی شیعیان قمی و ایرانی به ارمغان آوردند، شیعه ایرانی آخرالزمان هم ادامه‌دهنده راه آن‌ها در محدوده‌ای جهانی باشند.

بیاید با هم دیگر در روایات زیر دقت کنیم:

- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَأَيْتُ غَنَمًا سُودًا دَخَلَتْ فِيهَا غَنَمٌ كَثِيرٌ بَيْضٌ فَقَالُوا فَمَا أَوْلَتْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْعَجَمُ يَشْرِكُونَكُمْ فِي دِينِكُمْ وَأَنْسَابِكُمْ قَالُوا الْعَجَمُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ ﷺ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعَلَّقًا بِالثُّرَيَّا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنَ الْعَجَمِ!»<sup>۱</sup>

پیامبر فرمودند: در رؤیا گوسفندهایی سیاه دیدم که گوسفندهای سفید فراوانی در آنها داخل شدند. صحابه پرسیدند: تأویل این رؤیا چیست؟ فرمودند: آنها عجمها (فارسها و دیگران) هستند. آنها در دین داری و هم‌خونی (پیوند نسبی بر محور ازدواج دینی) با شما همراه خواهند شد. صحابه گفتند: عجمها؟ پیامبر فرمودند: بله، اگر ایمان آویخته بر ستاره ثریا باشد، همانا مردانی از عجم به آن دست خواهند یافت.»

- «رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَتَخَلُّو كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ...»<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: به زودی کوفه از مؤمنان خالی، و علم از شهر قم

۱. بحار الأنوار، ج ۶۱ ص ۱۱۷.

۲. همان، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

آشکار خواهد شد و این شهر، کانون دانش و فضیلت خواهد بود. از قم چنان به نشر معارف اهل بیت علیهم السلام در گستره جهانی خواهند پرداخت که حتی زنان خانه‌دار هم نسبت به دین‌داری آگاه خواهند شد. پس نزدیک ظهور، قم و مردمان آن به اتمام حجت خواهند پرداخت...»

پیام این دو روایت، آن است که اگر دوران غیبت را از منظر دشمن بنگریم، فاصله‌انداز بین آغاز امامت و آغاز ظهور امام غائب علیه السلام شده است؛ ولی اگر آن را از منظر حق با محوریت شیعه ایرانی ببینیم، آغازهایی باشکوه و حرکتی به سوی ظهور هستند و این غیبت وقتی رو به زوال می‌رود که شیعیان و خصوصاً شیعه ایرانی با محوریت پایگاه علمی و فرهنگی قم - که امتداد مدرسه تاریخی قم است - به جهانی‌سازی پیام و جاذبه‌سازی برای امام حق اقدام نمایند.

بخش سوم:

---

**آداب و فرهنگ عید نهم ربیع الاول**

---

## فصل اول:

### روز عید ولایت، روز شادی و سرور

نهم ربیع الاول در فرهنگ شیعه، به عنوان روز عید مطرح شده است. در گزارش‌های تاریخی، یادکرد این عید شیعی را در کتاب *النقض* نوشته عبدالجلیل رازی (متوفی ۵۶۰ ه.ق) و کتاب ابن‌ادریس حلی (متوفی ۵۹۸ ه.ق) و سید بن طاووس (متوفی ۶۶۴ ه.ق) می‌توان یافت.

از جهت فقهی هم علمای شیعه در کتاب‌های حدیثی - فقهی و در فصل برشماری غسل‌های مستحب، یکی از آن‌ها را غسل عید نهم ربیع الاول برشمرده‌اند.<sup>۱</sup>

در داستان دیدار قمی‌ها با امام زمان علیه السلام - که دو سه روز پس از شهادت امام عسکری علیه السلام رخ داد - کسانی که موفق به دیدار آن حضرت شدند، لحظه دیدار را چنین توصیف کرده‌اند:

«وقتی وارد اتاق مخصوص شدیم، فرزند امام عسکری علیه السلام چون پاره ماه بر سریری نشسته بود و لباسی سبز بر تن داشت. پس چون به امامت آن حضرت یقین کردیم، همگی از شادی و سرور به سجده افتادیم و خداوند را

---

۱. به عنوان نمونه، رک: *عروة الوثقی*، باب غسل‌های مستحبی؛ *وسائل الشیعه*، ج ۲، باب ۲۴ و اکثر رساله‌های عملیه مراجع شیعه.

شکر کردیم...»<sup>۱</sup>

آن گروه، شادی و سرور خود را خیلی زود به قم بردند و قم هم پس از حزن بر شهادت امام عسکری علیه السلام، شادمان و مسرور از آغاز امامت امام موعود علیه السلام شد. علمای قم - که دانش آموخته احادیث اهل بیت علیهم السلام بودند - پس از آگاه شدن از روی داد آغاز امامت امام زمان علیه السلام با یادآوری حدیثی جالب از امام رضا علیه السلام به فرهنگ سازی برای این روز پرداختند.

ماجرای حدیث چنین بود که برخی از کسانی که در سال ۲۵۹ هجری قمری (یک سال پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام) برای زیارت امام رضا علیه السلام به طوس رفته بودند، با فیاض بن محمد طوسی از یاران امام رضا علیه السلام - که ۹۰ ساله بود - دیدار کردند و او برای آن ها حکایتی از امام رضا علیه السلام نقل کرد و گفت:

«در روز عید غدیر، امام رضا علیه السلام به شیعیان دستور داد که آن روز را روزه بگیرند و آن گاه برای افطار، همه مردان شیعه را به منزل خود دعوت کرد؛ ضمن آن که بسته هایی شامل غذا، هدایا، لباس، انگشتر و کفش از سوی امام به منازل تک تک ما فرستاده شده بود.

آن روز چون به منزل امام رفتیم، منزل امام را در یک دگرگونی بی سابقه دیدیم؛ چراکه هم خود امام و هم خدمت گزاران و هم آرایش منزل، تغییر فراوان یافته و فضا بسیار شاد بود و عطر خوبی همه جا را فرا گرفته بود.

---

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۷۷.



آن گاه امام ما را بر سفره‌ای مخصوص نشانند و روایتی به نقل از اجدادش از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرد و فرمود: «در یکی از سال‌های خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه، روز جمعه و غدیر هم‌زمان شد. در آن روز، امام به مسجد آمد و بر منبر رفت و خطبه‌ای مفصل خواند و مردم را با حقیقت غدیر آشنا کرد. از فضیلت عید غدیر سخن گفت و آن گاه مردم را به پاس داشت و گرامی داشت و احیای آن دعوت نمود و فرمود: «پس از این مجلس برخیزید و به منازل خود بروید و بر خاندان خود، وسعت در رزق و شادی را فراهم سازید، با برادران مسلمان خود نیکی کنید، دور هم جمع شده و به هم هدیه دهید، شکر این نعمت خداوندی را به جا آورید و به مسلمانان ضعیف چنان برسید که در این روز در خوراک همانند شما شوند؛ چراکه یک‌دهم صدقه در این روز پاداش ۲۰۰ هزار درهم دارد». آن گاه فرمود: «حاضران این پیام مرا به غائبان برسانند».

آن روز پس از نماز جمعه، امام با فرزندان و شیعیانش راهی منزل امام مجتبی علیه السلام شدند و سر سفره غذایی که به مناسبت این عید آماده کرده بود نشستند و پس از صرف غذا، از آن سفره برای اهل و عیال خود نیز بردند.<sup>۱</sup> وقتی به سیره امامان شیعه در تاریخ ۲۵۰ ساله امامت می‌نگریم، شاهد خواهیم بود که آنان در سال گشت مناسبت‌هایی چون عید غدیر، حتی اگر در محاصره و هجوم بوده‌اند، آن روز را به عنوان مهم‌ترین عید مکتب تشیع، به

۱. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۱۲. به نقل از مصباح الزائر، سید بن طاووس.

جشن و شادی و سرور می گذرانده‌اند.

جشن و شادی عید غدیر، امتداد و استمرار جشن و شادی پیامبر اسلام ﷺ پس از ابلاغ خطبه غدیر است؛ چراکه تا پیش از ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و در طول سفر حجه‌الوداع، صحابه هماره یک نگرانی خاصی را در چهره پیامبر ﷺ می‌دیدند، ولی در روز غدیر و پس از نماز ظهر که ابلاغ ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام انجام شد،<sup>۱</sup> صحابه دیدند که پیامبر ﷺ آرامش خاصی یافته و شادی و سرور در چهره‌اش موج می‌زند. ایشان با نوعی نشاط و ابتهاج دستور دادند که خیمه باشکوهی برای بیعت-گیری برپا سازند، آن‌گاه امیرالمؤمنین علیه السلام را در لباسی فاخر و با عمامه ویژه خود - که «سحاب» نام داشت - در هیبت و وقاری کامل در صدر آن خیمه نشانند و از مسلمانان خواست که دسته دسته به خیمه وارد شوند و با امام خویش بیعت کنند.<sup>۲</sup>

---

۹. طبق آیه ۶۷ سوره مائده، پیامبر ﷺ در طول سفر حجه‌الوداع، چون مأموریت اعلان خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام را داشت و از سویی عدم آمادگی مردم و فتنه‌افروزی پیوسته منافقین را می‌دید، هماره نوعی نگرانی و خوف نسبت به انجام این مأموریت داشت. به ویژه وقتی در مکه برخی از سفر تاریخی امیرالمؤمنین علیه السلام به یمن از جهت عدالت-ورزی آن امام شکایت کردند و همچنین هنگام خطبه‌خوانی در صحرای عرفات و منی، منافقین سر و صدا راه انداختند تا مقدمه‌چینی ایشان در زمینه ولایت، مثل نقل حدیث ثقلین و حدیث ۱۲ امام به گوش مردم نرسد. در این زمینه، رک: *الصحيح من السيرة النبي الاعظم ﷺ*، ج ۳، فصل روی داد غدیر.

۲. ترجمه *الغدیر*، ج ۲، ص ۲۰۸.

البته عید آغاز امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام فقط شاهد شادی ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نبود؛ بلکه چون در سفر حجه الوداع، حضرت زهرا و حسین علیه السلام نیز حضور داشتند، این روز، روز شادی فراوان آنها نیز بوده است.

نکته جالب آن که عید غدیر به عنوان عید آغاز امامت و آغاز دوره‌های ویژه در تاریخ حق و حقانیت زمینی و شروع ولایت حقه در ملکوت و عوالم وجود، فقط در زمین پاس داشته نمی‌شود؛ بلکه برای این عید، در عوالم بالا و حتی در بهشت هم مراسم خاصی برگزار می‌گردد.

احمد بن ابی‌نصر از خواص یاران امام رضا علیه السلام می‌گوید: روزی نزد آن حضرت بودم. منزل امام هم آکنده از جمعیت شیعه و سنی بود. سخن از غدیر پیش آمد و بین مردم بحث در گرفت. امام رضا علیه السلام پس از شنیدن سخن مردم فرمود: «روز عید غدیر در آسمان‌ها شناخته شده‌تر از روی زمین است. همانا خداوند در بهشت فردوس، قصری با مشخصات خاص، ویژه روز عید غدیر خم فراهم کرده است؛ پس هر سال، چون روز عید غدیر فرارسد، همه اهل آسمان (فرشتگان، حوریان و حتی نعمت‌های زنده بهشتی همانند پرندگان) به آن قصر آمده و عبادت ویژه (تسبیح و تقدیس و تهلیل) می‌کنند؛ در حالی که بر آنها مشک و عنبر می‌بارد. در آن روز ملائکه به هم-

دیگر «نثار فاطمه»<sup>۱</sup> هدیه می‌دهند. پس چون روز غدیر به پایان می‌رسد، هریک از ملائکه به مکان‌ها و مأموریت‌های خود باز می‌گردند تا سال دیگر»<sup>۲</sup>.

وقتی در عالم آفرینش، هیچ موجودی برتر از انسان‌های کامل (معصومین علیهم‌السلام) نیست، بدیهی است که حالات فرح یا حزن آن‌ها بر تمام عوالم هستی، از زمین تا ملائکه و آسمان‌ها، اثر می‌گذارد و آن روزهای فرح یا حزن خاص، تنها یک روز در زمان گذشته نخواهد بود؛ بلکه بازتابش برای همیشه در تاریخ و آینده خواهد ماند.

بدین جهت است که این فرح، هر ساله، هم نزد امامان معصوم علیهم‌السلام و هم نزد ملائکه تکرار می‌شود و بدین گونه است که در مکتب تشیع، فرهنگ معنوی و دینی بر محور «ایام‌الله» تعریف می‌گردد؛ ایام‌اللهی که از مسیر معرفی اهل بیت علیهم‌السلام و فرهنگ‌سازی آن‌ها وارد زندگی مؤمنان خواهد شد.

---

۱. نثار از ریشه «نثر ینثر» به معنی پراکندن چیزی است. نثار (به ضم نون) به چیزی گفته می‌شود که پراکنده و توزیع گردد یا هدیه و اطعامی که در مجالس جشن پخش شود و خوردن و گرفتن آن ثواب داشته باشد. تاج العروس، ج ۷، ص ۵۰۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۱۹ و التهذیب، ج ۲، ص ۸. منشأ نثار فاطمه، به سال روز ازدواج حضرت زهرا و امیرالمؤمنین علیه‌السلام باز می‌گردد. به واسطه آن روز در آسمان‌ها و بهشت، شادی و جشنی با حضور ملائکه برگزار شده بود و شجره طوبی بر بهشتیان لؤلؤ و زبرجد و درّ می‌افشاند. حوریان بهشتی آن هدایا و زیورهای بهشتی را جمع می‌کردند و می‌گفتند: «این‌ها نثار فاطمه، دختر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است». بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۸۳ و ۱۹۱ و ج ۴۳، ص ۱۰۴ و ۱۳۹.

چنان که در احادیث آمده است:

«ان الله تبارک و تعالی : اطلع الی الارض فاخترنا و اختار لنا شیعة  
ینصروننا و یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا و ینذلون اموالهم و  
انفسهم فینا ، اولئک منا و الینا؛ همانا خداوند به زمین نگریست و ما را انتخاب  
نمود و گروه‌هایی به عنوان شیعه را برای یاری ما انتخاب کرد که با شادی ما شاد و با  
حزن ما محزون خواهند بود. آن‌ها جان و مال خود را در راه ما ایثار خواهند کرد. آن‌ها  
از ما و به سوی ما خواهند بود.»

### سخن پایانی

فرهنگ‌سازی برای شادی ایام‌الله، همانند عید غدیر، عید مبعث، عید  
میلااد پیامبر ﷺ و دیگر مناسبت‌های شاد مذهبی، همانند جشن تولد اهل-  
بیت علیهم‌السلام، ریشه در مدیریت و سیره فرهنگی اهل‌بیت معصوم علیهم‌السلام دارد؛  
همان‌گونه که خواست‌گاه جشن تولد امام مهدی عجل‌الله‌فرجه در نیمه شعبان، سیره  
فرهنگی - اجتماعی امام عسکری علیه‌السلام است، آن‌گاه که با وجود تقیه بسیار  
شدید، هم در شهر سامرا و هم در شهر قم، سبب‌ساز شادی شیعیان، بنی-  
هاشم، فقرا و مستضعفان شدند.

بدین جهت است که ۹ ربیع‌الاول، سال‌روز آغاز امامت آخرین امام، از  
همان دیرباز به عنوان آخرین غدیر امامت و روز جشن و شادی مطرح شده  
است.

البته درباره اهمیت این روز، روایتی از احمد بن اسحاق قمی به نقل از امام عسکری علیه السلام وجود دارد که نشان می‌دهد امام عسکری علیه السلام این روز را پاس می‌داشته<sup>۱</sup> و این روز را با چنین عباراتی توصیف فرموده است:

«روز قبولی اعمال شیعیان و دوست‌داران اهل بیت علیهم السلام، روز استغفار فرشتگان آسمانی بر شیعیان، عید پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام و شیعیان، روز نجات از آتش و رهایی از غم‌ها، غدیر دوم، عید بزرگ خداوندی، روز برکت و استجابت دعا، روز در آوردن لباس سیاه، روز پشیمانی ستمگران و شادی شیعیان، عید فطر دوم، روز صدقه و زیارت مؤمنان، روزی همانند شکفتن گل و آب گوارا، روز موعظه و عبادت و...»<sup>۲</sup>

---

۱. این روایت درباره نابودی یکی از مهم‌ترین دشمنان اهل بیت هم وارد شده است؛ ولی دارای ضعف‌های سندی و محتوایی است. به نظر می‌رسد که شاید بتوان آغاز امامت امام زمان علیه السلام و آن موضوع را چنین جمع نمود که چون آغاز امامت امام موعود علیه السلام مقدمه ظهور آن حضرت است و یکی از مهم‌ترین کارکردهای ظهور، انتقام‌گیری از جریان تاریخی باطل و خصوصاً سردمداران آن است، بدین جهت این روز، روز نابودی دشمنان اهل بیت علیهم السلام هم شمرده شده است.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۱۱۹. این حدیث مضطرب است و به نظر می‌رسد که باید تنها محکمت آن را گرفت و تشابهات آن را رها کرد. یکی از علل اضطراب، این است که راویان این حدیث، محمد بن علاء همدانی واسطی و یحیی بن جریح بغدادی هستند. این دو عرب عراقی هستند، ولی گفته‌اند که در شهر قم به دیدار احمد بن اسحاق رفته‌اند، در حالی که دختری عرب و عراقی در را برایشان باز کرده است. پس این سه نفر عراقی هستند و می‌دانیم که احمد بن اسحاق قمی هم این حدیث را از

## فصل دوم :

### عید نهم ربیع الاول و شکر نعمت آن

اگر روز نهم ربیع الاول را از منظر مبانی قرآنی، روایی و فطری بنگریم، معلوم می‌گردد که این روز، عید امامت و ولایت و مهدویت، غدیر دوم،<sup>۱</sup> آخرین غدیر و در امتداد غدیر است. اگر روز غدیر خم از منظر قرآن روز اکمال و اتمام است،<sup>۲</sup> روز نهم ربیع الاول نیز روز اکمال و اتمام امامت امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام است.

در روز غدیر خم با تحقق امامت اولین امام، اصل امامت نهادینه شد و

→

امام عسکری علیه‌السلام روایت می‌کند و ظاهراً پس از شهادت ایشان است و در آن زمان احمد بن اسحاق قمی ساکن بغداد بوده است نه قم. پس این قرائن شاهی بر وقوع دیدار در بغداد است، ولی در متن روایت تأکید شده که دیدار در قم رخ داده است. این نکته می‌تواند به دلیل وقوع اضافه در اصل روایت اتفاق افتاده باشد و در مواجهه با آن، باید موارد یقینی را اخذ کرد.

۱. نهم ربیع الاول، غدیر دوم است؛ چون در روایات از آن با عنوان «غدیر الثانی» یاد شده و علت آن، اهمیت این آغاز در کنار غدیر خم است. از سوی دیگر، این دوازدهمین غدیر است؛ چراکه دوازده امام در دوازده مرتبه عهده‌دار امامت شده‌اند.

۲. سوره مائده، آیه ۳.



مبانی نظری امامت - که در امام اول، تجلی عینی یافت - باعث اکمال و اتمام دین از جهت تئوری گشت. همین مبانی در کنار معرفت اجمالی نسبت به دوازده امام برای کمال دین کفایت می‌کرد؛ ولی کمال و تمام مصداقی و عددی و معرفت تفصیلی آن، با تحقق امامت امام دوازدهم علیه السلام نمود و عینیت تاریخی و زمانی یافت.

پس این عید، عید حق‌الیقین و بلکه عین‌الیقین و طمانینه و ثبات دینی شیعه بر امامت امامان دوازده‌گانه به صورت معرفت تفصیلی است<sup>۱</sup> و چون

---

۱. این سخن ناظر به آن است که در تاریخ ۲۵۰ ساله امامت، هرگاه امام جدیدی به امامت می‌رسید، برخی از افراد ضعیف‌الایمان دچار ریزش می‌شدند و یکی از علل این ریزش‌ها این بود که در مصداق امام بعدی دچار تردید یا وسوسه می‌شدند. بدین جهت با انحراف خود از اصل دین، فاصله می‌گرفتند. از سویی دیگر در معارف روایی ما وارد شده است که بدون اصل امامت و ولایت، دین کامل نیست و بدون پذیرش امامان دوازده‌گانه هم دین کامل نمی‌شود و حتی اگر کسی تا امام یازدهم بیاید و بعد توقف کند، دین او کامل نخواهد شد.

در این صورت اگر گفته شود که در مسأله امامت، دانستن و شناختن امامان دوازده‌گانه کفایت می‌کند و شناخت تفصیلی آن‌ها نیاز نیست، باید گفت که به فرض صحت این ادعا، فقط در همان زمان ۲۵۰ ساله دوران امامت صحیح بوده است؛ چرا که در آن زمان به لحاظ تقیه شدید، گاه حتی خواص یاران امامان هم نام دقیق امام بعد را نمی‌دانستند و همانند زمان شهادت امام صادق علیه السلام حتی خواص مخلص هم درباره امام بعدی دچار تحیر اولیه می‌شدند. پس معرفت اجمالی که گاه با شک و تحیر همراه است، نمی‌تواند برای همیشه جایگزین معرفت کامل و تمام باشد.

این روز بر اساس قرائن عقلایی، عرفی، قرآنی و روایی، عید بزرگ امامت، ولایت و مهدویت است، از دیرباز نزد علمای شیعه - که برجسته‌ترین شیعیان در دوران غیبت کبری هستند - به عنوان روزی ممتاز، جایگاهی ویژه داشته است.

در متون فقهی، یکی از روزهایی که در آن، غسل مستحب وارد شده است، روز نهم ربیع‌الاول است و مبنای اصولی آن این است که این روز جزو اعیاد شیعه شمرده می‌شود و روایاتی که دلالت بر استحباب غسل در هر عیدی به نیت رجاء دارند، بر آن نیز صدق خواهند کرد.

اینک که این روز، عیدی مهم است - تا بدان حد که عید شادی حضرت زهرا علیها السلام (عید الزهرا، فرحة الزهرا) نامیده شده است و علمای شیعه برای

→

با تحقق امامت امام دوازدهم علیه السلام و تعیین یافتن ۱۲ مصداق امامت، نظریه امامت شیعه - که مستند به قرآن و منابع حدیثی شیعی و سنی است - به یک ثبات و اطمینان رسید. بدین جهت، نهم ربیع‌الاول عید تمام و کمال امامت از جهت مصداقی و خارجی است که اطمینان و ثبات و یقین شیعه را به همراه داشت. البته این سخن به معنی بی-هویت و تزلزل تشیع در بستر تاریخ ۲۵۰ ساله امامت نیست - همان‌گونه که برخی از مستشرقین یا افراد متأثر از آن‌ها نوشته‌اند - بلکه به این معنی است که شیعه در نهم ربیع‌الاول از معرفت اجمالی به معرفت تفصیلی رسید.

۱. عنوان «عید الزهرا» برای این عید، نه از آن جهت است که در این روز، دشمنی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام ناپود شده است - چراکه هیچ گزارش تاریخی، این مدعا را اثبات نمی‌کند - بلکه از این جهت است که کانون و مبدأ تمام مصائب تاریخی اهل-  
 ۴

آن جایگاه ویژه‌ای قائل‌اند - می‌بایست از جهت فرهنگی و اجتماعی، نزد شیعیان مورد توجه باشد. خصوصاً که یکی از ویژگی‌های این روز، «نزع السواد»<sup>۱</sup> به معنی زدودن لباس‌های سیاه و رفع حزن و اندوه‌هاست.

سرّ این نام‌گذاری آن است که عید نهم ربیع‌الاول، اولین شادی مقدس و دینی، پس از طولانی‌ترین حزن و اندوه سالیانه شیعه است و این عید، بین دو ماه محرم و صفر تا هشتم ربیع‌الاول (شهادت امام حسن عسکری علیه السلام)<sup>۲</sup> و عید میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله (در نیمه ماه ربیع‌الاول) قرار گرفته است و می‌توان آن را انقلاب روحانی، عرفانی، رفتاری و فرهنگی شیعیان از عزا و حزن به فرح و سرور دانست.

این تحول و انقلاب، نه در یک حالت رها شده و اتفاقی، که با یک عید و جشن بسیار برجسته و امیدافزا و حرکت‌آفرین و آینده‌نگر و همراه با پیوندی مقدس با امام حیّ و حاضر صورت می‌گیرد.

---

بیت علیه السلام، مصائب حضرت زهرا علیها السلام و شهادت ایشان است. پس آخرین عید غدیر، همانند اولین عید غدیر، شادی آن حضرت را به دنبال خواهد داشت.

۱. عبارت «نزع السواد» در روایات، هم برای عید غدیر و هم برای عید نهم ربیع‌الاول استفاده شده است که ممکن است معانی گوناگونی داشته باشد، ولی یکی از بهترین معانی آن، ترک سیاه‌پوشی است. رک: بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۱۲۷ (درباره نهم ربیع‌الاول) و ج ۸۹، ص ۳۵۴ (برای عید غدیر).

۲. در هفته اول ربیع‌الاول، علاوه بر شهادت امام عسکری علیه السلام، واقعه هجوم به منزل حضرت زهرا علیها السلام و شهادت حضرت محسن نیز رخ داده است.

عید نهم ربیع‌الاول، عید آغاز امامت امام موعود علیه السلام و زیباترین طراحی و مهندسی فرهنگی برای مذهب و مکتب تشیع است؛ چراکه شیعه پس از دو ماه و اندی حزن مقدس، با جشن و سرور آغاز امامت حی و حاضر منقلب می‌شود، یعنی «یفرحون لفرحنا» پس از دو ماه «یحزنون لحزننا»!

این نشاط و شادی مقدس، نه در قالب احیای یک امر تاریخی، که در پیوند با آغازی است که اگرچه روی داد اولیه‌اش در سال ۲۶۰ هجری رقم خورد، ولی با خود، بیعتی همیشگی و زنده و معناآفرین (در بستر امامت پیوسته امام غائب علیه السلام) به همراه دارد، تا پس از آن همه حزن تاریخی، این شادی، شادی واقعی با نگاه به حال و آینده باشد.<sup>۱</sup>

از این منظر است که اولین گام در مواجهه مؤمن با شادی و سرور این عید، شکر و سپاس‌گذاری است؛ سپاس‌گذاری از مکتبی که حزن‌هایش تاریخی، ولی آینده‌اش روشن و امیدآفرین است. این پیوستگی مدیریت زمان بین گذشته، آینده و حال، ناشی از اعتقاد به اصل زنده امامت و ولایت است؛

---

۱. در یک نگاه مقایسه‌ای، تنها مکتب تشیع است که نه تاریخ را تعطیل کرده، همانند وهابیت - که در عین سلفی‌گری، به جهت اعتقادات متناقض درباره شخصیت‌های تاریخی، ناچار به تعطیلی مطالعات تاریخی شده است - و نه در تاریخ مانده است، همانند تمام ادیان و مذاهب ابراهیمی که خاتمیت را به معنی پایان انسان کامل در تاریخ دانسته و بشر امروز را به حال خود رها شده می‌دانند. در مکتب تشیع، ضمن این که تاریخ مقدس و عبرت‌زا و هویت‌آفرین وجود دارد، با اعتقاد به وجود انسان کامل در جریان پیوسته زمان، حال و آینده مقدس و معنادار و هدفمند نیز موجود است.

نعمتی بزرگ که باعث پویایی مکتب حق می‌شود.  
می‌گویند حس انسانی سپاس‌گذاری از نیکوکار، یک اصل فطری است که در سرشت و نهاد انسانی وجود دارد و هرچه نعمت، هدیه، نیکی و خیری که به آدمی می‌رسد بزرگ‌تر باشد، این حس فطری نیز بیش‌تر فوران کرده و خود را بیش‌تر نشان می‌دهد. بدین جهت است که آدمی وقتی نعمت‌های بی‌کران و پیوسته خداوند را می‌بیند، احساس سپاس‌گذاری نسبت به حق تعالی در درونش شکل می‌گیرد.

به ضرورت عقل و فطرت و شهادت دین، نعمت معرفت و هدایت به امامت و ولایت و مهدویت، برترین نعمت خداوندی است؛ چراکه این نعمت، نعمتی است که با سعادت و کمال و رستگاری پیوسته انسان‌ها در هر لحظه از زمان ارتباط دارد. بدین جهت از برترین آداب و برنامه‌ها در نهم ربیع الاول، شکر نعمت ولایت و مهدویت است.

در مقام اثبات این سیره و فرهنگ می‌توان به فرهنگ سپاس‌گذاری در عید غید استناد کرد. در این روز - که سال‌روز اولین آغاز ولایت و امامت در تاریخ بشریت است - به دلیل اهمیت نعمت ولایت، توصیه بسیار به شکر و حمد و سپاس شده است.

به عنوان نمونه، بخشی از اعمال روز عید غدیر چنین است:

- دو رکعت نماز، سپس صد مرتبه شکر در سجده، خواندن دعای حمد و شکر، دوباره به سجده رفتن و صد مرتبه ذکر «الحمد لله» و صد مرتبه «شکراً لله»

– حمد و شکر نعمت ولایت در دیدار با مؤمنان با ذکر «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین و الائمة المعصومین علیهم السلام»

– خواندن دعای «الحمد لله الذی اکرمننا بهذا الیوم و جعلنا من المؤمنین بعهدہ الینا و...»<sup>۱</sup>

نعمت امامت تنها نعمت بزرگ خدا نیست،<sup>۲</sup> بلکه زیستن در دولت رهبران حق نیز از نعمت‌های الهی است.<sup>۳</sup> از آن جا که در طول تاریخ، پیامبران و امامان علیهم‌السلام آرزوی دیدار امام مهدی علیه‌السلام و زیستن در دولت ایشان را داشته‌اند،<sup>۴</sup> اینک که نعمت عظیم ولایت مهدوی و زیستن در زیر پرچم امام موعود علیه‌السلام قسمت ما شده، شکر آن هم لازم است. بدین جهت است که در داستان دیدار قمی‌ها با امام موعود، آن‌ها وقتی یقین به امامت آن حضرت

---

۱. رک: مفاتیح الجنان، اعمال روز عید غدیر.

۲. امام کاظم علیه‌السلام درباره آیه ۲۰ سوره لقمان: «و اسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه» فرمودند: «نعمت ظاهری، امام ظاهر، و نعمت باطنی، امام غائب است». اثبات الهداة، ج ۲، ص ۹۳ و کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۹.

۳. سیدالشهدا علیه‌السلام در دعای روز عرفه، می‌فرماید: «لم تخرجنی لرأفتک بی و لطفک لی و احسانک الی فی دولة ائمة الکفر...». مفاتیح الجنان، دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه.

۴. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی». (الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۶) امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در ضمن خطبه‌ای دست خود را به سینه گذاشتند، از شوق دیدار آن امام. همان و بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

پیدا کردند، بلافاصله سجده شکر به جا آوردند.

بدیهی است که هرگاه این نعمت در بستر تاریخ تکرار شود، تکرار در سپاس‌گذاری نیز لازم خواهد بود؛ همان‌گونه که شکر نعمت ولایت غدیر، حداقل چرخه‌ای سالیانه دارد.

در همین جا باید یادآوری نمود که در مقایسه ادوار گوناگون امامت امام غائب علیه السلام - که شامل دوران غیبت صغری، غیبت کبری و دوران ظهور می‌شود - زیستن در دوران غیبت کبری - آن هم در دوره آخر الزمانی آن - شاید با فضیلت‌تر از همه باشد؛ چراکه در این زمان، اگر مؤمن بتواند با تمام هجوم و فتنه و وسوسه‌های باطل، بر حق استواری ورزد، از جهت ایمانی و معرفتی، مقامی بس والا خواهد داشت.

پس آنان که امروز در دوران غیبت زیست می‌کنند و به احتمال زیاد، در دوره آخر الزمانی غیبت هزار و چند صدساله هستند،<sup>۱</sup> به جهت ثبات بر دین -

---

۱. به معنی سخت‌ترین مرحله غیبت، از جهت مواجهه حق و باطل و سنگین‌تر شدن رسالت مؤمنان برای جهانی‌سازی پیام حق و زمینه‌سازی ظهور.

درباره جایگاه ممتاز مؤمنان در دوران غیبت و آخر الزمان و پاداش منتظران و ارزش ایمان در این دوران، به روایات زیر توجه فرمایید:

- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَاكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت علیهم السلام را درک کند و در غیبت او و پیش از ظهورش، به امامت او معتقد باشد، با دوستانش دوست، و با دشمنانش دشمن



باشد. او در روز قیامت از رفقا و دوستان من و گرامی‌ترین امت من است.»  
(بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۲)

- پیامبر ﷺ خطاب به امام علی علیه السلام فرمودند: «يَا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَكْثَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ؛ ای علی! بدان که شگفت‌آورترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین، مردمی هستند در آخر الزمان، که پیغمبر خود را ندیده و از امام خود محجوب‌اند؛ اما به نوشته‌ای که خط سیاهی است بر صفحه سفید، ایمان آورده‌اند.» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۵)

- امام علی علیه السلام فرمودند: «أَلَا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلِيٌّ دِينَهُ [وَ] لَمْ يَقْسُ قَلْبَهُ لِطَوْلِ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي ذَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کدامشان بر دین خود ثابت بماند و به جهت طول غیبت امام، دلش دچار قساوت نشود، او در روز قیامت در درجه من و با من خواهد بود.» (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹)

- امام سجاده علیه السلام فرمودند: «يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْظِرِينَ لِظُهُورِهِ عَلَيْهِ السَّلَامِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِيَعَتَنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا؛

ای ابو خالد! مردم زمان غیبت او که معتقد به امامت او و منتظر ظهورش هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی، عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عطا کرده که غیبت نزد آن‌ها چون مشاهده است. آن‌ها مانند مجاهد با شمشیر در رکاب رسول خدای صلی الله علیه و آله هستند. آنان مخلصان واقعی و شیعیان حقیقی ما و داعیان به دین خدای عزوجل در پنهان و آشکار می‌باشند» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲)

داری و ایمان و تقوا و انتظار با وجود همه امتحان‌ها و آزمایش‌ها، می‌توانند

...→  
- امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَوَلَّيْتَنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ آلفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ؛ هر کس در غیبت قائم ما بر دوستی و عقیده امامت ما ثابت باشد، خدای عزوجل اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می‌کند».  
(بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵)

- امام باقر علیه السلام فرمودند: «فَيَا طُوبَى لِلثَّابِتِينَ عَلَيَّ أَمْرًا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ إِنْ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يُنَادِيَهُمُ الْبَارِيُّ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادِي أَمَنْتُمْ بِسِرِّي وَ صَدَقْتُمْ بِغَيْبِي فَأَبْشِرُوا بِحُسْنِ الثَّوَابِ مِنِّي فَأَنْتُمْ عِبَادِي وَ إِمَائِي حَقًّا مِنْكُمْ أَتَقَبَّلُ وَ عَنْكُمْ أَعْفُو وَ لَكُمْ أَعْفِرُ وَ بِكُمْ أَسْقِي عِبَادِي الْغَيْثَ وَ أَدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ وَ لَوْلَاكُمْ لَأَنْزَلْتُ عَلَيْهِمْ عَذَابِي؛

خوشا به حال کسانی که بر امامت ما در آن زمان ثابت بمانند. کمتر ثواب آنان این باشد که خدای جل جلاله آن‌ها را صدا زند و بفرماید: ای بندگان و کنیزانم! به سرم ایمان آوردید و غیبم را تصدیق کردید. شما را به ثواب خوبی از سوی خودم بشارت می‌دهم. ای بندگان و کنیزانم! به راستی من شما را پذیرا شوم و از شما درگذرم و شما را بیامرزم و به واسطه شما، دیگر بندگانم را با باران سیراب کنم و بلا را از آن‌ها بگردانم. اگر شما نبودید، هر آینه عذابم را بر آنان نازل می‌کردم».  
(بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵)

- امام کاظم علیه السلام فرمودند: «طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمِينَ الثَّابِتِينَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ خوشا بر شیعیان ما که به رشته ولایت ما چسبیده‌اند و در غیبت قائم ما بر دوستی ما پا برجا هستند و از دشمنان ما بیزارند. آنان از مایند و ما از آن‌هاییم. آن‌ها ما را به امامت پسندیده‌اند و ما هم آن‌ها را به شیعه بودن پسندیده‌ایم. خوشا بر آن‌ها و خوشا بر آن‌ها! ایشان به خدا در روز قیامت هم‌درجه ما هستند».  
(بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱)

در یک مقایسه تاریخی از برجسته‌ترین یاران جبهه حق در طول تاریخ و در زمره یارانی باشند که حتی از جهت فهم و عقل و قوت ایمان، جلوتر از مؤمنان پیشین هستند.<sup>۱</sup>

بدین جهت، شکر نعمت ولایت امام غائب علیه السلام آن هم در یکی از مراحل سخت آخرالزمانی، از مهم‌ترین وظیفه‌های هر مؤمن است؛ شکری که حداقل می‌تواند با ذکرها و عبادت‌های دینی یا ادعیه و زیارات خاص مهدوی تجلی یابد.

چون در فصل‌های بعدی سخن از ضرورت تجدید بیعت خواهد شد، همین‌جا تأکید می‌شود که شکر نعمت ولایت و مهدویت از منظر اصل قرآنی «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»<sup>۲</sup> باعث نهادینه شدن نعمت و در حقیقت، کسب توفیق برای تجدید بیعت از معبر سپاس‌گذاری و مهدوی‌یاوری پیوسته خواهد شد.

## سخن پایانی

در فرهنگ شیعه، جشن انتظار، مکمل سوگواره عاشورا است، تا فرهنگ پیوند خورده عاشورا و انتظار، تعریف‌گر هویت شیعی باشد. امروزه تجلی

---

۱. برخی روایات دلالت می‌کنند که چون حق تعالی می‌داندست در آخرالزمان مردمانی با عمق و دقت نظر پدیدار خواهند شد، سوره توحید و آیات اول تا ششم سوره حدید را نازل کرد. رک: *المیزان*، ج ۱۹، ص ۱۴۷.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۷.

جشن انتظار در جشن نیمه شعبان است که به نظر می‌رسد بهتر است اولویت اول جشن انتظار به جشن نهم ربیع‌الاول تغییر یابد؛ چراکه جشن نهم ربیع‌الاول، همانند و بلکه آینه‌ی زمانی و کمال‌یافته بعثت و غدیر است. پس این جشن، آن هم به پیوست حزن مقدس و طولانی دو ماه محرم و صفر، نعمتی آسمانی و بزرگ است که با امید و آینده‌نگری آن، حزن و اندوه پیوسته را تبدیل به شادی و سرور حرکت‌آفرین می‌کند. جشنی زیبا و آسمانی که تا جشن‌های مولود پیامبر امتداد دارد تا ریشه‌ها و اصالت‌های جشن آخرین غدیر را نشان دهد.

اینک بر ماست که به خاطر نعمت مکتب و فرهنگ تام و کامل و جامعی که به تمامی نیازهای فطری انسان توجه نموده و حتی حب و بغض‌های انسانی را در متعالی‌ترین شکل، بر محور سرور و حزن اولیای آسمانی مدیریت نموده و کمال داده است، از خداوند شکرگذاری کنیم و مهم‌ترین نمود این شکرگذاری در احیا و نکوداشت فراگیر و اجتماعی این عید است؛ چرا که فرموده‌اند: «رحم الله من احیا امرنا».<sup>۱</sup>

---

۱. الاختصاص، ص ۲۹ و بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۳.

## فصل سوم : فرهنگ جشن و شادی

وقتی وجود امام (اگرچه غائب) اثبات گشت<sup>۱</sup> و بر مبنای نگرش اسلامی و شیعی، روزی به عنوان روز فرح و سرور امام شناخته شد، بدیهی است که مؤمنان باید در امتداد سرور و شادی امام، آن را با شادی و نشاط‌آفرینی احیا نمایند؛ خصوصاً اگر از معصومین علیهم‌السلام گفتار یا رفتاری در پاس‌داشت آن روز ثبت شده باشد.

طبق مبانی دینی، گفتار و رفتار (سنت و سیره) معصوم، حجت است و نه تنها قابل‌الگوبرداری است، که الگوبرداری از آن، واجب و لازم و شرط کمال و تعالی است. همان‌گونه که سرور و شادی امام معصوم از جهت تکوینی و ماورائی، نشاط و ابتهاج عوالم وجود را به همراه دارد، از جهت تشریحی (قانونی، اجتماعی و فرهنگی) نیز می‌بایست شادی متعالی و مقدس‌برترین انسانِ رشدیافته، جامعه‌دینداران را هم در برگیرد. و چون این شادی،

---

۱. ضرورت وجود پیوسته امام پس از خاتم پیامبران، در کنار روش انسان‌شناسی فطری و ادله عقلی، به واسطه ادله نقلی قرآنی (همانند استدلال به سوره قدر) و روایات موجود در منابع شیعی و سنی (همانند روایت من مات و لم يعرف امام زمانه) قابل اثبات است.

مقدس و آسمانی است و هندسه شادی مقدس و دینی، تمام ابعاد وجودی و روابط پیرامونی انسان را شامل می‌شود، دامنه تجلی شادی در عیدهایی همانند مبعث، غدیر و نهم ربیع‌الاول، وجود مؤمنان را نیز شامل می‌شود و در روابط چهارگانه هر انسان با خود، خداوند، دیگر انسان‌ها و جهان هستی، این چنین خود را نشان می‌دهد:

در رابطه با خود	آرایش و پیرایش ظاهر و باطن و آشکار شدن در بهترین سیرت و صورت، بر مبنای اصول زندگی دینی و تعالیم آن
در رابطه با خداوند	شکر نعمت ولایت و تولی با عبادات نشاط‌آفرین، همانند سجده، نماز شکر، تلاوت قرآن و روزه
در رابطه با دیگر انسان‌ها	در رابطه با معصوم صاحب عید: - ابراز مودت و محبت با انجام زیارت - تجدید عهد و پیمان - هدیه تلاوت قرآن و دیگر عبادات به آن معصوم - صدقه به نیابت از آن معصوم - احیا و پاس‌داشت اجتماعی یادکرد معصوم در آن روز
	در رابطه با خانواده و بستگان: ایجاد فضای شاد در خانه و برگزاری جشن خانوادگی
	در رابطه با دوستان و مؤمنان: - اهتمام به حقوق ایمانی و شهروندی، همچون ایثار و انفاق، با هدف ایجاد جاذبه برای معصوم و ترویج روحیه شادی و نشاط اجتماعی - همیاری در احیای جشن اجتماعی با مشارکت دیگر مؤمنان (در قالب هیئات)
در رابطه با طبیعت	حضور با نشاط همراه با خانواده یا مؤمنان در طبیعت جهت روحیه‌گیری از برکت طبیعت تسبیح‌گو و در چارچوب حریم‌ها و حرمت‌ها

اگرچه برای عید نهم ربیع‌الاول - به علت قرار گرفتن این عید در نقطه پایانی دوران حضور امامان - دستورالعمل خاصی از اهل بیت علیهم‌السلام به ما نرسیده است، ولی بیش‌تر دستورالعمل‌های کلی در روزهای عید و جشن، شامل این روز هم می‌گردد و بلکه عید نهم ربیع‌الاول، عصاره تمامی عیدها و روزهای شاد اهل بیت است و می‌تواند آینه تمام فرهنگ‌های شاد آنها باشد.

در همین زمینه مناسب است دو نکته درباره شخصیت و سیره امام غائب یادآوری گردد تا در مقام تأکید بر عید بودن این روز و طراحی فرهنگ جشن و شادی؛ عمل کرد بهتری داشته باشیم.

### امام غائب، امام زیبایی‌ها

یک دسته از معارف مهدوی که نقش بسزایی در بازشناسی شخصیت و سیره امام غائب دارد، تمثیلات و تشبیهات مهدوی است. در آیات قرآنی، احادیث، ادعیه و زیارات مهدوی، امام غائب علیه‌السلام به سه دسته از مظاهر طبیعت تشبیه شده است تا بر اساس قانون ادبی (تشبیه معقول یا ناپیدا به امر محسوس و پیدا) واقعیت و حقیقت آن، بهتر و بیش‌تر شناخته شود. آن چهار دسته عبارت‌اند از:

- هر آن‌چه در طبیعت، منشأ نور و روشنایی باشد؛ همانند خورشید، ستاره، ماه، صبح و طلوع

- هر آن‌چه در طبیعت تجسم زیبایی‌ها باشد؛ همانند گل‌های گوناگون، فضا، طبیعت بهاری و گلستان



- هر آن چه در طبیعت مایه نشاط و زندگی و حیات باشد؛ همانند چشمه، دریا و آب گوارا

- هر آن چه در طبیعت مایه آرامش و پناه باشد؛ همانند کشتی، غار و...  
کارکرد وسیع این تشبیهات، زیباسازی شخصیت و سیره امام و معارف و فرهنگ‌های مرتبط با ایشان است. بدین جهت در مقام تلاش برای پاس-داشت و احیای امر آن حضرت، استفاده از این روش می‌تواند در زیباسازی و توسعه فرهنگ شادی در سال‌روز آغاز امامت امام زیبایی‌ها بهره فراوان برد.

### امام غائب، امام مهربانی‌ها

غیبت به معنی پنهان‌زیستی امام غائب است؛ نه دورافتادگی همیشگی آن حضرت از جوامع بشری و خصوصاً جوامع شیعی.<sup>۱</sup> به ویژه که در آموزه‌های مهدوی بر رسیدگی پیوسته امام غائب، حداقل نسبت به شیعیانش، تأکید شده است. از این رو در غیبت، تشریف و دیدار با خواست و مدیریت امام غائب برای فرد یا گروهی خاص ممکن است. می‌توان گفت که اولین تجربه تشریف - البته با کمی تفاوت از معنای آن نسبت به دوران غیبت کبری - تشریف قمی‌ها در روزهای آغازین امامت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه است.

با مطالعه تحلیلی و زیبا شناختی تشریف‌های قابل اطمینان، می‌توان به نکته‌ای جالب دست یافت، و آن این‌که در اکثر قریب به اتفاق آن‌ها، وضعیت، شرایط مکانی و حالت مشرف‌شدگان تغییر و تحولی تام و تمام

۱. رک: درسنامه مهدویت، ج ۲، ص ۳۲.

می‌یابد؛ تحولی که ترکیبی از لذت، معنویت، طمأنینه، یقین و رضایت را به دنبال دارد.

نتیجه آن که وقتی امام مهربانی‌ها در ارتباطی پیوسته با مؤمنان است و بر تشرف‌یافتگان در نهایت زیبایی و جاذبه ظهور می‌کند، شیعیان هم باید توجهی کامل به امام خود داشته باشند و حداقل در مناسبت‌های شاد مرتبط با ایشان، با لحظه‌های زیبای تشرف و توصیف‌های زیباشناختی مثال‌ها و تمثیل‌های مهدوی هم‌خوانی پیدا کنند، تا در نتیجه این سنخیت و شباهت، یک رابطه دو سویه بین امام و مؤمنان شکل گیرد.<sup>۱</sup>

با این عمل، فرد مؤمن شامل آن دسته روایاتی می‌شود که می‌فرمایند: «تلاش کنید که زینت ما اهل بیت علیهم‌السلام باشید و تلاش کنید که این زیبایی و زینت‌گری به جای زبان و ادعا، با سلوک رفتار و فرهنگ شما باشد تا برای دیگر مردم جاذبه‌آفرین شود».<sup>۲</sup>

در این جا مناسب است که در ترکیب مهر و زیبایی امام غائب، نمونه‌ای از روش‌های زیباشناختی معرفی شخصیت آن حضرت ارائه گردد:

---

۱. این سخن بدین معناست که رابطه از سوی حضرت، همواره در اوج مهر و زیبایی است؛ ولی اگر از سوی منتظران ادعای محبت بدون تجلی عینی باشد، مهجوریت امام را به دنبال خواهد شد.

۲. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «علیک بتقوی الله ... و حسن الخلق و حسن الجوار و کونوا دعاة الی انفسکم بغیر السنتکم و کونوا زینا لنا...». الکافی، ج ۲، ص ۷۷ و بحار الأنوار، ج ۶۷ ص ۲۹۹.

### شخصیت شناسی امام بر اساس دسته‌ای از گل های زیبا و معطر

گل ها	کارکرد معنایی آن برای امام زیبایی ها
گل نرگس	اشاره به شخصیت نسبی و مادر پاک و مطهر آن حضرت
گل محمدی	اشاره به جد ایشان، حضرت رسول ﷺ، برترین و زیباترین انسان جهان هستی
گل یاس	اشاره به حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> ، آینه تمام‌نمای پیامبر و اسوه و مقتدای امام زمان
گل مریم	اشاره به حضرت عیسی بن مریم <small>علیها السلام</small> ، بهترین یار و یاور امام در دوران ظهور
گل همیشه بهار	اشاره به این نکته که وجود و حضور امام همیشه بهاری است؛ چراکه از یک سو، در آینده بهار را برای عالمیان به ارمغان خواهد آورد، یعنی ربیع الانام است، و از سوی دیگر، کسانی که به دیدار ایشان مشرف شده‌اند، حضور را بهاری و زیبا توصیف کرده‌اند. بدین جهت، امام نه تنها بهاری ماندگار را در آینده خواهد آورد، که هم اینک و در دوران غیبت نیز وجود و محضر او در هر کجا که باشد، بهاری است.
گل شببو	کسانی که در شب به محضر ایشان مشرف شده‌اند، از عطر و روشنایی وجودش سخن گفته‌اند.
گلستان بهار	اشاره به صفت امام، یعنی «بهار روزگار» که در زیارتشان وارد شده است. (السلام علی ربیع الانام و نصره الایام)

گل آفتاب گردان	اشاره به این نکته که دوستداران آن حضرت باید همانند گل آفتاب گردان، همیشه چشم به سوی خورشید وجود ایشان داشته باشند.
----------------	--

### سخن پایانی

سه جشن مرتبط با امام زمان علیه السلام است؛ روز تولدشان، روز آغاز امامتشان و روز ظهور. ظهور که هنوز نیامده و زمان آن نامعلوم است. در روز تولد ایشان، جشن و شادی گسترده‌ای در جوامع شیعی برگزار می‌شود، ولی عید آغاز امامتش مهجور و غریب مانده است و غربت این روز می‌تواند باعث گسترش و امتداد فضای غیبت شود.

اگر جشن نیمه شعبان، جشن تولد امید است، جشن نهم ربیع، جشن اقدام برای زیبایی‌آفرینی و تلاش برای پیوند با زیبایی‌ها، یعنی عهد و پیمان و بیعت با امام زیبایی‌هاست، جشنی که مایه آرامش انسان و جاذبه‌آفرینی برای فطرت‌های بیدار خواهد بود.

## فصل چهارم:

### جشن بیعت، جشن استواری بر انتظار

می‌گفت: مذهب تشیع، تنها مذهبی است که با انتظار و بلکه با نوعی تعلق و رابطه پیوسته با انسان کامل پیوند خورده است.

گفتم: یعنی می‌خواهی بگویی انتظار شیعه حتی پیش از تولد امام مهدی علیه السلام بوده است؟

گفت: حتی بعد از ظهورش!

گفتم: مگر با وجود ظهورش، انتظار، معنا دارد؟ می‌گویند با ظهور او این یک کلمه از فرهنگ لغت‌ها حذف خواهد شد!

گفت: انتظار ظهورش بله؛ ولی انتظار و تعلق به او برای کمال و هدایت پیوسته، هیچ‌گاه.

گفتم: بیش‌تر توضیح بده.

گفت: تو برای چه منتظر او هستی؟ برای اینکه بیاید؟ فقط همین، یا این- که بیاید تا...

گفتم: بیاید تا از معبر توحید و عبودیت به عدالت برسیم.

گفت: یعنی وقتی به عدالت رسیدیم، دیگر انتظار و نیاز ما به او تمام می- شود؟ نه.

گفتم: راستی، آیا وقتی به عدالت رسیدیم، دوران ظهور خیلی زود پایان

می‌پذیرد؟<sup>۱</sup>

گفت: در فرهنگ مهدوی شیعی، ظهور مقدمه دوران رجعت است که خود، دورانی بس طولانی و درخشان است... اصلاً می‌دانی چرا پس از ظهور رجعت اتفاق می‌افتد؟

گفتم: جان سخن را بگو لطفاً!

گفت: کمال انسانی بی‌انتهاست؛ چون روح آدمی، آسمانی است. البته روح در کالبد زمینی ناچار به پذیرش برخی محدودیت‌ها شده، ولی با این وجود، زمینه کمال او بسیار است.

هدف جریان حق از زمان هبوط آدم علیه السلام به زمین، تحقق بهشتی زمینی است تا در بستر آن و در یک روند تدریجی - که اقتضای زندگی زمینی است - زمینه برای کمال پیوسته و مستمر بشر فراهم شود. بدین جهت است که آمدن پیامبر (بعثت) یا امام (غدیر و ظهور) و ابلاغ یا اجرای اولیه دین، نه تنها باعث سکون جریان حق نمی‌شود، که آغاز راه سیر و سلوک به سوی کمال و تعالی است. در همین راستا، ظهور نیز - همانند غیبت صغری که بسترساز دوره غیبت کبری بود - بسترساز دوره رجعت است، تا در بهشت ظهور، کمال و تعالی پیوسته انسان‌ها در افق بلندمدت زمانی و فضای

---

۱. بر مبنای همین نگاه سطحی به ظهور است که اهل سنت ظهور مهدی موعود علیه السلام را امری نه چندان مهم و در حد خلافتی اسلامی و جهانی می‌دانند که هدفش برپاداشتن عدل است و هنگامی که این هدف محقق شد، رسالت مهدی پایان یافته و جهان خیلی زود به آخر می‌رسد و نوبت قیامت می‌شود.

پیوسته بهشتی محقق شود و هر فرد مؤمن حداکثر رشد زمینی خود را تجربه نماید.

گفتم: یعنی انتظار، اصلی ثابت در مکتب و جریان تاریخی حق است؟ چه در دوران پیامبران، چه در دوران حضور امامان، چه در دوران غیبت و حتی در دوران ظهور و رجعت؟

گفت: بله، انتظار به معنی ضرورت برقراری پیوند پیوسته انسان کمال جو با انسان کامل (معصوم) است؛<sup>۱</sup> پیوندی که هیچ‌گاه به انتها نمی‌رسد و قطع نمی‌شود.

گفتم: یعنی در نگاه شیعه به مسأله کمال، انسان هیچ‌گاه نباید دچار توهم رسیدن به نقطه نهایی و خط پایان شود و احساس بی‌نیازی از معصوم کند و اگر چنین کند ضربه‌اش متوجه خودش خواهد بود و در مسیر کمال‌جویی‌اش دچار سکت، توقف، رکود و عقب‌ماندگی خواهد شد؟

گفت: اگر کسی از مراتب کمال، آن هم در بستر تاریخی و اجتماعی‌اش، فقط به ظواهر و شعارهای آن رسیده باشد و دچار این توهم شود، مصیبت بزرگی رخ خواهد داد. این مغالطه منافقین پس از رحلت پیامبر ﷺ بود که

---

۱. در فرهنگ کلامی و عرفانی شیعه، انسان کامل به اقتضای عصمت و علم غیب، تمامی آن‌چه را که دیگر انسان‌ها برای کمال بدان نیاز دارند، می‌داند؛ ولی چون جهان هستی، آفریده حق تعالی است و او خود بی‌انتهاست، انسان کامل هم همواره در حال رشد و تعالی فزاینده است و بدیهی است که تعالی پیوسته او، معبر کمال‌جویی پیوسته انسان‌های دیگر خواهد شد.



گفتند پس از رحلت ایشان، نه دیگر انسان کاملی هست و نه تصور بیش‌تر و با کیفیت بالاتر از کمال وجود دارد. پس مدعی شدند که جامعه اسلامی با دین حداقلی و حکومت سکولار (در فضای روزمرگی تاریخی) برای ما بس است.

گفتم: ولی در تاریخ تشیع، حتی در شخصیتی مثل سلمان می‌بینیم که پس از مدتی علم‌آموزی از کنار معصومین دور شده و مهاجرت کرده‌اند؟

گفت: در تاریخ امامان شیعه، خصوصاً پس از دوران امام صادق علیه السلام وقتی شاگردان به مرتبه‌ای از علم و معرفت می‌رسیدند، در مقام نشر آن می‌بایست به سرزمین‌های خود یا مناطق دیگر مهاجرت می‌کردند؛ چون هر کس یک رسالت دو سویه دارد، اول قرار دادن خود در مسیر هدایت، سپس تلاش برای نشر دین. ولی این هجرت به معنی احساس بی‌نیازی از امام نبوده و آن‌ها به صورت مستقیم یا از طریق نماینده امام<sup>۱</sup> در ارتباطی پیوسته با ایشان بوده‌اند. ضمن این که کلیات مسیر را هم از امام فرا می‌گرفتند.

گفتم: یعنی آن‌ها پیوسته با امامان در تماس بوده‌اند؟ چگونه؟

گفت: در قالب سفر حج؛ زیرا اکثر و کلاً هر سال، یا حداقل دو سه سال یک‌مرتبه، به مدینه می‌رفتند و در پوشش سفر حج، به دور از چشم

---

۱. در قالب وکلایی که امامان برای هر منطقه معرفی می‌کردند تا رابط بین امام و مردم باشند. به این نظام و سیستم برقراری ارتباط اجتماعی، علمی و فرهنگی، سازمان وکالت گفته می‌شد. در این زمینه، رک: سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، رضا جباری.

جاسوسان خلفا با امام در تماس بودند. در این سفرها ضمن فراگرفتن دانش جدید و پرسیدن پرسش‌ها و شبهات، به عرضه عقاید و اندیشه و نگرش خود هم می‌پرداختند.<sup>۱</sup> بدین گونه بود که نظام اعتقادی و فقهی (رفتاری) شیعه در بستر ۲۵۰ سال مدیریت و تربیت پیوسته امامان شکل گرفت.

گفتم: ولی امروز که امام غائب است، امکان دیدار یا بیعت یا عرضه عقاید و اعمال وجود ندارد.

گفت: عجب سخنی گفتی و عجب تصویری از غیبت داری؟!<sup>۲</sup> خود امام غائب درباره زیارت آل‌یس فرموده است: «إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَ إِيَّنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى...».<sup>۳</sup> این زیارت، دو بخش کلی دارد؛ بخش اول، شخصیت‌شناسی معنوی، عبادی، علمی و اجتماعی امام غائبی است که قصد توجه و عرض ادب به او را داری، و بخش دوم، همانند صحنه حضور عبدالعظیم حسنی نزد امام هادی علیه السلام است؛ چراکه در آن، مجموعه اعتقادات را به امامت عرضه می‌کنی و ثبات‌قدم خودت را نشان می‌دهی.

پس عید نهم ربیع‌الاول در حقیقت عید و شادی منتظران است؛ زیرا

---

۱. همانند عرضه عقاید عبدالعظیم حسنی در محضر امام هادی علیه السلام.

۲. «خَرَجَ تَوَقُّيعُ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ حَرَسَهَا اللَّهُ تَعَالَى بَعْدَ الْمَسَائِلِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ وَ لَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بِالِغَةِ فَمَا تُغْنِ النُّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا...». بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱، باب ۳۱، ما خرج من توقيعاته.

۳. الإحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۳.

خداوند به آن‌ها توفیق ثبات عقیده و استواری بر انتظار داده است و آن‌ها به شکرانه این نعمت، یک سال دیگر را بر ولایت آن حضرت سپری می‌کنند و بر مهدی باوری و مهدی زیستی و مهدی باوری پیمان دوباره می‌بندند.<sup>۱</sup>

### سخن پایانی

نهم ربیع الاول روزی ویژه و بلکه روز عید قرار داده شده است، تا هر ساله یادآور بیعت‌های گذشته و پیوسته شیعیان با امامان معصوم باشد و به شیعیان یادآوری نماید که تشیع به معنی پیوند مستمر و همیشگی با ولی معصوم در هر دوره و زمانه است. معنی این انتظار و پیوند، فاصله گرفتن از احساس کاذب بی‌نیازی در فرایند کمال جویی و دین‌داری است.

عید نهم ربیع الاول، عید تجدید بیعت است؛ بیعتی که تجلی و نمود آن در آغاز غیبت صغری، در بیعت شیعیان با نائب اول امام غائب بود و در غیبت کبری، تأکیدی بر مسأله نیابت عامه و مرجعیت و ولایت فقیه دارد. معنی این تأکید آن است که در سبک زندگی شیعی، شیعیان حداقل<sup>۲</sup> سالی یک-مرتبه باید با رهبران و مراجع علمی‌شان تماس برقرار کنند و ضمن آسیب-

---

۱. «اللَّهُمَّ فَتَّبِئْنِي عَلَى دِينِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ لِيَنَّ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ ثَبِّئْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ...». کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۲، باب ذکر التوقعات الواردة عن القائم عليه السلام.

۲. در شریعت و فقه اسلامی، واجباتی همانند روزه و حج و خمس است که دوره‌ای سالیانه دارند. مثلاً خمس، هر ساله باید محاسبه شود و به مرجع تقلید تحویل گردد.

شناسی نگرش و کنش زندگی خود، آن را به‌روز نمایند، تا روند رو به رشد و تاریخی جامعه حق به سوی زمینه‌سازی و بسترسازی ظهور کند نشود. پس عید نهم ربیع‌الاول، یادآور بیعت و بلکه سطوح و لایه‌های گوناگون بیعت و ضرورت تجدید آن در هر سال، هم نسبت به امام و هم نسبت به نائبان ایشان است؛ چراکه بیعت و تجدید آن، همواره یکی از ارزش‌های دین اسلام و مکتب تشیع در طول تاریخ اسلام بوده است.

## فصل پنجم: بیعت در گذر تاریخ

در آغاز بعثت پیامبر و ظهور اسلام در مکه، مسلمانان با گفتن شهادتین اسلام می‌آوردند و به انجام مناسک ساده و اولیه اسلام متعهد می‌شدند. در طول ۱۳ سال دعوت پیامبر اسلام در مکه، مسلمانی جز به ایمان و انجام اعمالی اندک نبود و مسلمانان، گروهی دین‌دار با کم‌ترین هویت اجتماعی مشخص بودند.

ولی وقتی عده‌ای از مردم مدینه (یثرب) به مکه آمدند و به پیامبر ایمان آوردند و اسلام حرکت خود را به سوی جامعه‌سازی و حکومت آغاز کرد، مسأله بیعت به عنوان یکی از احکام اجتماعی و سیاسی، خود را نشان داد. بیعت به معنی دست دادن برای عهد و پیمان بود<sup>۱</sup> و نشان می‌داد که فرد مسلمان، ولایت پیامبر ﷺ را بر خود پذیرفته و<sup>۲</sup> معتقد است که او انسانی کامل و متصل به غیب است و می‌تواند او را به بالاترین مراتب کمال و سعادت برساند. به اقتضای این ولایت‌پذیری و قبول تمامی احکام سعادت-بخش اسلام در حوزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی، مسلمانان

---

۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۲۶.

۲. سوره احزاب، آیه ۶

متعهد می‌شدند که در انجام احکام یا همراهی با انسان کامل، لحظه‌ای غفلت، سستی، مخالفت و تخلف نداشته باشند.

از این رو، لحظه بیعت، لحظه‌ای مهم و تاریخی، هم برای ولیّ معصوم و هم برای مؤمنان بود؛ زیرا برای شخص تازه‌مسلمان، تحولی بنیادین و فراگیر در زندگی ایجاد می‌کرد و به او تولدی دوباره می‌داد و برای ولیّ معصوم، یاری و کمکی در مسیر ساختن جامعه حق‌محور یا جهانی‌سازی آن بود.

بدین جهت است که در تاریخ اسلام، همواره یکی از نقاط عطف و روزهای حساس، سال‌روز بیعت‌های تاریخی است. گزارش بیعت‌های حق‌محور صدر اسلام چنین است:<sup>۱</sup>

بیعت‌های تاریخی	سال وقوع	طرفین بیعت
بیعت اول مردم مدینه	۱۱ بعثت	پیامبر ﷺ و شش نفر از مردم مدینه
بیعت عقبه اول	۱۲ بعثت	پیامبر ﷺ و ۱۲ نفر از مردم مدینه
بیعت عقبه دوم	۱۳ بعثت	پیامبر ﷺ و ۷۳ نفر از مردم مدینه (۲ نفر از آن‌ها زن بودند)
بیعت مردم در مکه	۸ هـ.ق	پیامبر ﷺ و تازه‌مسلمانان مکه (طلقاً، مشکرانی که بعد از فتح مکه به ظاهر اسلام آوردند و آزاد شدند)

۳. منظور، بیعت با پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشد؛ و گرنه تاریخ صدر اسلام، آکنده از بیعت با خلفا و ولی‌عهد خلفاست که چون در دسته بیعت با باطل قرار می‌گیرد، از دایره بحث ما خارج است.

بیعت‌های تاریخی	سال وقوع	طرفین بیعت
بیعت غدیر	۱۰ ه.ق	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> و صحابه (زیر نظر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> )
بیعت خلافت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۳۵ ه.ق	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> (به عنوان خلیفه چهارم) و مردم مدینه، کوفه، بصره، مصر و باقی شهرهای اسلامی
بیعت خلافت با امام حسن <small>علیه السلام</small>	۴۰ ه.ق	امام مجتبی <small>علیه السلام</small> و مردم کوفه
بیعت با سید الشهدا <small>علیه السلام</small>	۶۱ ه.ق	سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> و یارانش در شب عاشورا
بیعت ولایت عهدی امام رضا <small>علیه السلام</small>	۲۰۱ ه.ق	امام رضا <small>علیه السلام</small> و مسلمانان آن زمان در مناطق تحت حکومت مأمون عباسی

در این فهرست، فقط بیعت‌هایی ذکر شده که در تاریخ از آن‌ها با عنوان «بیعت» یاد شده و بر همان رسم قدیم (دست دادن) انجام گرفته است؛ و گرنه مصادیق اجتماعی بیعت، از نگاه رفتارشناسی سیاسی، می‌تواند فراگیرتر باشد، همانند هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه و استقبال باشکوه قریب به اتفاق مردم مدینه از ایشان که خود، نوعی بیعت محسوب می‌شد.<sup>۱</sup> با آن هجرت بود که اسلام به مرحله جامعه‌سازی و تشکیل حکومت وارد شد و بدیهی است که از آن زمان، مقابله جریان‌ها و جوامع باطل شدت و گسترش یافت و مواجهه حق و باطل آغاز گشت.

تاریخ اسلام در کنار بیعت‌ها، شاهد تجدید بیعت‌ها هم بوده است، زیرا در

۱. البته می‌توان آن را تجدید بیعت دانست؛ چراکه مردم پیش‌تر با نماینده پیامبر، مصعب بن عمیر بیعت کرده بودند.



مواجهه حق و باطل، گاهی جبهه حق در شرایط دشوار قرار می‌گرفت یا نیازمند ابراز قدرت سیاسی، اجتماعی و بعضاً نظامی می‌شد. آن‌جا بود که تجدید بیعت معنا می‌گرفت.

تجدید بیعت‌های تاریخی	سال وقوع	طرفین بیعت
بیعت رضوان	۵۶ هـ.ق	پیامبر ﷺ و صحابه، به هنگام صلح حدیبیه و در میانه راه مکه و مدینه
تجدید بیعت با امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۳۷ هـ.ق	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> و شیعیان راستین آن حضرت، در کوفه و پس از آغاز نافرمانی خوارج و ایجاد تفرقه و پراکندگی در شهر توسط آن‌ها

از دیگر موارد تجدید بیعت یا تحکیم بیعت یا موارد مشابه آن، نمونه‌های زیر است:

- تجدید بیعت صحابه با پیامبر ﷺ در موقعیت‌های رزمی حساس و خاص، همانند فتح مکه، که یاران پیامبر با رفتارهای گوناگون، در برابر ابوسفیان، ارادت خود را به ایشان نمایش می‌دادند.

- تجدید بیعت ابوایوب انصاری و جمعی از انصار با امام علی علیه السلام به عنوان امام و امیرالمؤمنین و خلیفه بر حق و بلافصل پیامبر ﷺ که در کوفه و با هدف احیا و یادآوری غدیر خم صورت گرفت.<sup>۱</sup>

- تجدید بیعت خواص یاران و شیعیان با امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه با عنوان «شرطه الخمیس».

غرض از ذکر این مطالب، آن است که تأکید شود هدف دین اسلام، به

۴. اثبات الهدی، ج ۳، ص ۲۷۲ و شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۰۸.

عنوان دین خاتم، ایجاد جامعه جهانی ظهور بر محوریت عبودیت و عدالت است، و بدیهی است که این هدف بدون حرکت از مسیر جامعه‌سازی دینی و رهبری و حاکمیت سیاسی معصوم و یاوری مؤمنان محقق نخواهد شد. لازمه این امر نیز ولایت‌پذیری مطلق و تام و تمام مؤمنان از معصومان است تا حرکت تاریخ به سوی آن هدف نهایی محقق شود.

اما از آن جا که از یک سو، هدف نهایی دین یکی بیش‌تر نیست و آن هم در پایان تاریخ و آینده جهان محقق خواهد شد، و از سوی دیگر امامان متعدد هستند، پس مسأله بیعت و تجدید بیعت، تبدیل به یک فرایند تکرار شونده در مکتب حق شده است.

برخلاف نظر اهل سنت که مسأله بیعت را یک اتفاق تاریخی و آن هم برای یک‌بار می‌دانند، در نگرش شیعی، می‌بایست با آغاز امامت و ولایت هر معصومی اصل بیعت تکرار گردد و آن بیعت هم در شرایط ویژه و در صورت لزوم، تجدید، تأکید و تکرار می‌شود؛ چنان که سیره و منش شیعیان در دوران ۲۵۰ ساله حضور امامان شیعه این‌گونه بود.<sup>۱</sup>

---

۱. همان‌گونه که بیان شد، در آن زمان به علت دوری راه‌ها و هم‌چنین غلبه حکومت باطل، تجدید بیعت و عرضه عقائد و اعمال، غالباً در زمان سفر حج و در پوشش آن انجام می‌شد. در فرهنگ روایی شیعه هم احادیثی وجود دارد که فلسفه حج را اجتماع هر ساله مسلمانان برای بیعت با امام زمان خود بیان کرده است؛ به گونه‌ای که اگر چنین نشود، از حج جز طواف سنگ چیزی قسمت حاجیان نخواهد شد. *جرعه‌ای از صهبای حج*، ص ۵۱ و *بحار الأنوار*، ج ۶۵، ص ۸۷.

بدین جهت، شیعیانِ امروز هم باید سنت و سیره تجدید بیعت را احیا و فراگیر سازند و بهترین فرصت برای این امر، سالروز بیعت تاریخی شیعیان قمی و ایرانیان با امام زمان خویش در آغاز امامت ایشان است. با مشاهده تأکید ویژه امامان نسبت به احیای غدیر خم و سفارش شیعیان به حضور در کنار بارگاه علوی در این روز، یا اهتمام شیعیان به حضور در کربلا در روز عاشورا و خصوصاً روز اربعین - که به معنی بیعت با سیدالشهدا علیه السلام است - معلوم می‌شود که بیعت و تجدید بیعت با امام غائب هم می‌تواند مورد عنایت ایشان باشد.

پس با این غیبت، مکان بیعت به جای اختصاص به مکانی خاص، به وسعت تمامی جغرافیای شیعیان خواهد بود. البته زمانش می‌تواند اختصاص به روز نهم ربیع‌الاول یابد، تا در جای‌جای جغرافیای شیعه شاهد تجدید بیعت شیعیان با امام غائب باشیم، بیعتی که می‌تواند در رفتارهای دینی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی تجلی یابد؛ و اگر چنین شد، این روز در نهایت می‌تواند «سالروز بیعت جهانی با منجی موعود» نام بگیرد.

### سخن پایانی

در کلام و عرفان اسلامی اثبات شده که چون جهان هستی، فقر محض است، در وجود پیوسته و حیات لحظه به لحظه خود، نیاز به فیض پیوسته از سوی آفریدگار دارد. ولایت ولیّ معصوم بر انسان‌ها هم مانند این رابطه، ناشی از رابطه انسان کامل و انسان کمال جوست و پیوندی مستمر را بین

امام و مؤمن اثبات می‌کند.<sup>۱</sup>

بدین جهت، ولایت امام زمان علیه السلام منحصر در یک بیعت تاریخی – اجتماعی که در آغازین روزهای امامتش رخ داده باشد، نیست؛ بلکه برای هر شیعه‌ای، سن بلوغ و آغاز تکلیف، و برای هر فردی که شیعه نبوده، آغاز تحول ایمانی و استبصار او، زمان بیعت با امام غائب خواهد بود. در هر دوی این بیعت‌ها، به اقتضای ولایت‌پذیری پیوسته نسبت به امام معصوم و غائب، ضرورت تجدید بیعت مداوم وجود دارد و برای این تجدید بیعت، روزی شایسته‌تر و مناسب‌تر از سال‌روز نهم ربیع‌الاول نیست.

#### فصل ششم: نهم ربیع‌الاول، عید تجدید بیعت

در تاریخ حق و باطل، گرفتار شدن در بیعت تاریخی، به روز نساختن، فراموش کردن یا شکستن بیعت، از عوامل تبدیل جشن‌های بیعت به سوگواره‌های غربت و مهجوریت بوده است. مهم‌ترین دلیل رخداد این آسیب، آن است که مکتب حق، تاریخ را بین هبوط و ظهور و با هدف نهایی می‌بیند، و چون چنین است، جامعه حق می‌بایست تحت رهبری ولیّ معصوم هر زمان، حرکتی پیوسته و تعریف شده و رو به جلو را برای خود طراحی کند. در این حرکت، جامعه حق باید بر مبنای زمان‌شناسی و هماهنگ با پیشرفت زمان، تجربه، تمدن و دانش بشری، روزآمدی پیوسته را در دستور

---

۶ نظر به این که ولایت ولیّ معصوم در امتداد ولایت حق تعالی است و ولایت تکوینی و تشریحی خداوند پیوسته است، ولایت ولیّ معصوم هم پیوسته خواهد بود.

کار خود قرار دهد.

پیش شرط روزآمدی برای رهروان مکتب حق، حرکت در مسیر ولیّ معصوم، بدون و به دور از هرگونه تقدم (پیشی گرفتن)، تأخر (عقب افتادن) یا درجاذگی است، و این جاست که استواری، ثبات قدم و استقامت بر بیعت، تبدیل به یکی از دشوارترین مسئولیت‌های دین‌داران می‌شود.

نگاهی آماری به تجربه تاریخی جوامع حق نشان می‌دهد که متأسفانه ریزش از جبهه حق و خروج از جبهه سفید و رفتن به سوی جریان سیاه یا تبدیل شدن به جریان خاکستری، آسیب گروه فراوانی از دین‌داران تاریخی بوده است.<sup>۱</sup>

ناظر به این بحران تاریخی در جبهه دین‌داری و مسئولیت سخت روزآمد سازی پیوند با معصوم است که در فرهنگ شیعی، مسأله تجدید بیعت در قالبی نظام‌مند و مهندسی شده و با هدف نهادینه‌سازی بیعت‌زیستی روزآمد، در دستور برنامه‌ریزی‌های اخلاقی و تربیتی قرار می‌گیرد.

تبلور این برنامه‌ریزی در ادعیه و زیارات نمایان است. ادعیه و زیارات از جهت ساختار ادبی و مفهومی، مجموعه‌ای از متون خواندنی هستند که جامع شور و شعورند. این متون، ضمن آن که مبتنی بر عقلانیت و عقبه استدلالی هستند، از جهت فرمی و ادبی نیز به گونه‌ای چیدمان یافته‌اند که دین‌دار به

---

۱. مهم‌ترین پیام دعای ندبه، از ادعیه مهدوی، آسیب‌شناسی دین‌یاوری اکثریت مردم در گذشته و حال است؛ اکثریتی که یا دین‌گریز بوده‌اند، یا بیعت شکن.

خواندن آن‌ها رغبت کرده، و با خواندن آن‌ها به شور و سلوک عرفانی دست یابد. سلوکی عرفانی و معنوی که در عین لطافت و حاکم بودن فضای متعالی و قدسی بر آن‌ها، عقلانی هم هستند.

بخش عمده‌ای از ادعیه و زیارات شیعی، با این مفاهیم ناب و ساختار تربیتی، ادعیه و زیارات مهدوی می‌باشند.<sup>۱</sup> ادعیه و زیارات مهدوی، متونی هستند که بُن‌مایه اصلی آن‌ها بر ایجاد رابطه معرفتی، محبتی و طاعتی با امام موعود علیه السلام است. مفهوم‌شناسی مقایسه‌ای زیارات نبوی، علوی، حسینی و... بر مبنای کتاب *مفاتیح الجنان* بیان‌گر برخی مفاهیم مشترک و بخش قالب توجهی از مفاهیم اختصاصی است. به عنوان نمونه، امتیاز هر یک چنین است:

زیارات	روی‌کرد	هدف
نبوی	بیان جایگاه حضرت در نظام هستی و مقام‌های ایشان حتی پس از رحلت	ایجاد پیوند عمیق بین مسلمانان و پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> ، هم در مقام سپاس‌گذاری و هم در مقام الگوگیری (در مقام تقرب و توسل به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> )
علوی	بیان فضائل تاریخی و اوصاف قرآنی آن حضرت	اثبات حقانیت امامت و خلافت برای آن حضرت
حسینی	بیان غربت و مہجوریت و مظلومیت تاریخی و اجتماعی آن امام در عین دارا بودن مقام وراثت	ایجاد شور مقدسی که باعث بصیرت و استواری در مسیر دین‌ورزی می‌شود

۱. رک: *مفاتیح الجنان*، زیارات مهدوی؛ صحیفه مهدیه و اقبال، سید بن طاووس.

مهدوی	بیان شخصیت و اوصاف منجی و ارائه راه‌کار برای تحقق آینده موعود	ایجاد راه‌برد انتظار و حرکت‌آفرینی
-------	---	------------------------------------

مطالعه و مواجهه عالمانه با ادعیه و زیارات معصومین علیهم‌السلام نشان می‌دهد که دوگانه نیازهای گوناگون انسانی و تنوع نقش‌آفرینی تاریخی معصومین علیهم‌السلام باعث پیدایش تنوع مفهوی - فرمی زیارات آن‌ها شده است. در این میان، از جهت آماری، بیش‌ترین حجم زیارات، پس از زیارات حسینی، به زیارات مهدوی اختصاص دارد، تا فرهنگ شیعی در پیوند شور و شعور حسینی - مهدوی، بر بنیان عاشورا و انتظار شکل گیرد.

اگر زیارات حسینی، بیش‌تر بر تنوع زمانی (در کنار وحدت بیش‌تر مفاهیم) استوار است،<sup>۱</sup> در زیارات مهدوی، شاهد تنوع فرمی<sup>۲</sup> و مفهومی<sup>۳</sup> و حتی دستورالعمل‌های مختلف هستیم.<sup>۴</sup> چراکه ادعیه مهدوی، ناظر به نیاز دوران

۱. همانند دعای عرفه و زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا، شب قدر، اربعین، شب نیمه شعبان، عید قربان، عید فطر و... .

۲. به عنوان نمونه، درباره دیگر ائمه علیهم‌السلام فقط زیارت وجود دارد، ولی در معارف مهدوی، هم زیارت وجود دارد و هم ادعیه.

۳. بر اساس تنوع و گستردگی معارف مهدوی، شاهد تنوع مفاهیم هستیم. در این میان، زیارات منحصر به حالات امام است، ولی ادعیه غالباً ناظر به حالات و نیازهای گوناگون منتظران طراحی شده‌اند.

۴. همانند تنوع زمانی و مکانی قرائت دعا و حتی تنوع به اعتبار حالت‌های انسان منتظر، اعم از نیایش عاشقانه، اضطراب دنیوی، حیرت معرفتی، تقویت معرفتی و... .



غیبت و مسائل گوناگون آن است و از این رو، بیشترین تنوع را در ساختار و محتوا و دستورالعمل دارد.

از نکات جالب زیارات مهدوی، مسأله عهد و بیعت و بلکه مسأله تجدید عهد و بیعت است. با مروری اجمالی بر ادعیه و زیارات مهدوی، می‌توان مسأله بیعت را از زوایای گوناگون بازخوانی کرد؛ همانند استواری بر بیعت، مراد و مقصود از بیعت، توجه‌دهی به سختی حفظ بیعت، هشدار نسبت به بیعت‌شکنی، آگاه‌سازی نسبت به عهدشکنان تاریخ و بازتاب تاریخی رفتار آن‌ها، تحذیر دین‌داران و مهدی‌باوران از خطر آسیب‌های عهدشکنی و...

اگر بخواهیم برخی از مهم‌ترین ادعیه و زیارات مهدوی را با رویکرد مسأله عهد و بیعت مورد بازشناسی قرار دهیم، جدول زیر به دست می‌آید:<sup>۱</sup>

نام دعا	هدف و رویکرد
دعای عهد	برنامه‌ریزی تربیتی، اخلاقی و عرفانی برای پیونددهی مهدی‌باوران با امام غائب، براساس سلوک تربیتی چهل روزه با عهد صبح‌گاهی در آغاز هر روز
دعای ندبه	آگاهی‌بخشی و هشداردهی نسبت به تاریخ عهدشکنی‌ها که در نهایت منجر به رخداد غیبت شد و تذکر این نکته که این وضعیت باید تغییر یابد
دعای مخصوص ایام غیبت	تبیین آسیب‌های احتمالی بیعت‌ورزی و بیعت‌زیستی و تلاش برای تحکیم و تقویت بیعت

۱. کتاب *مفاتیح الجنان* از این جهت که فراگیرترین منبع ادعیه در میان کتب شیعی است، باید علاوه بر جنبه‌های عرفانی و تربیتی، به عنوان یک منبع معرفتی و علمی و تحقیقی هم مورد بررسی قرار گیرد.

زیارت آل یاسین	تقویت بیعت با یادآوری شخصیت امام معصوم، مفاد عهدنامه و دامنه زمانی اثرگذاری آن
----------------	--

در این میان، آن چه بیشترین ارتباط را با نهم ربیع دارد، مسأله تجدید بیعت است. به این فراز مشترک در دعا عهد و برخی ادعیه دیگر توجه نمایید:

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيْنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلَهَا وَ جَبَلِهَا عَنِّي وَ عَن وَالِدِيَّ وَ عَن وُلْدِي وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ نُصَّارِهِ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُؤْتَمِلِينَ لِأَوْامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»<sup>۱</sup>

در این ادعیه، عبارت «أجدد» وجود دارد که از «جدد» به معنی «تجدیداً الشيء»، چیزی را نو کردن، چیزی را زنده کردن و به چیزی نیرو و نشاط بخشیدن است.<sup>۲</sup> معنای این عبارت در این ادعیه، آن است که بیعت با امام زمان عجل الله تعالي فرجه نظر به پیوستگی دوران امامت آن حضرت و خصوصاً پیوستگی

۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۸۵. این عبارت نیز در ادعیه مشترک است: «اللَّهُمَّ أُجَدِّدُ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي رَقَبَتِي». بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۰.

۲. فرهنگ ابجدی، ص ۲۹۰ و لسان العرب، ج ۳، ص ۱۱۲، ذیل واژه جدد.

دوران غیبت و طولانی شدن آن، می‌بایست همواره نو و تازه و جدید شود تا از کهنگی و روزمرگی و کم‌رنگی دور گردد. همان‌گونه که در دعای زمان غیبت آمده است:

«... لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا وَ لَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَ انْتِظَارَهُ وَ الْإِيمَانَ وَ قُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَ الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُقْنَطَنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَ قِيَامِهِ وَ... حَتَّى تَتَوَقَّأْنَا وَ نَحْنُ عَلَى ذَلِكَ غَيْرَ شَاكِّينَ وَ لَا نَاكِثِينَ وَ لَا مُرْتَابِينَ وَ لَا مُكَذِّبِينَ...»<sup>۱</sup>

پس آسیب ضعف یقین، فراموشی و نومیدی از ظهور می‌تواند باعث شک و تزلزل شود و در نهایت، تکذیب و بیعت‌شکنی را به دنبال داشته باشد. در برابر این آسیب، ضرورت راه‌کاری برای تعمیق و نهادینه‌سازی بیعت و تثبیت آن احساس می‌شود. اهمیت این تجدید بیعت آن‌گاه روشن خواهد شد که در همان ادعیه مهدوی، از امام با این عنوان یاد شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ...»<sup>۲</sup> یعنی امام موعود، میثاقي است که با قطعیت تام و تمام در مُلک و ملکوت اثبات شده است. این اخذ بیعت و تأکید بر آن، در عالم غیر انسانی، تکوینی و قهری، ولی در عالم انسانی، تشریحی و اختیاری است.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۳، باب ذکر التوقيعات الواردة عن القائم عليه السلام.

۲. الإحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۳.

حال که برای این میثاق، اخذ و تأکیدی شدید در عالم هستی است، در عالم انسانی هم باید تجدید بیعت با هدف تثبیت عهد و پیمان صورت بگیرد، تا بدان مرحله برسد که «...يَكُونُ يَقِينًا فِي ذَلِكَ كَيَقِينِنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ ﷺ وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ...»<sup>۱</sup>

برای نوسازی و به روزسازی و تجدید این عهد و پیمان، طبق نظام تربیتی اسلامی، دعای عهد برای چهل صبح‌گاه طراحی شده است تا به عمق پیوند روزانه با امام غائب منجر شود؛ پیوندی که اگر هر روز آگاهانه تکرار شود، می‌تواند یک گام به سوی سعادت و کمال بیش‌تر باشد.

از نکات جالب در تجدید بیعت که در ادعیه آمده، سه‌گانه «عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً» است. عهد یعنی «پیمان زبانی»، عقد یعنی «پیمانی که گره خورده و محکم شده باشد» و بیعت یعنی «دست دادن برای عهد و پیمان تا پای جان». بدین‌گونه مشخص می‌شود که منتظر باید در هر تجدید بیعت، سه گام را طی کند و به سرعت، از زبان تا عمیق‌ترین تعهدها برسد تا تجدید بیعت او کامل شود.

بازتاب این تجدید بیعت چهل‌روزه پیاپی و تجدید بیعت سالیانه در روز نهم ربیع‌الاول، در فرهنگ ادعیه مهدوی چنین است: «...لَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَ تَمَادَّتِ الْأَعْمَارُ؛ لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا وَ لَكَ إِلَّا حُبًّا وَ عَلَيْكَ إِلَّا مَتَكَلًّا وَ مُعْتَمِدًا وَ لِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَ مُنْتَظِرًا لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۵۱۳، باب ذکر التوقعات الواردة عن القائم عليه السلام.

مُتَرَقِّبًا...»؛<sup>۱</sup> و هم‌چنین: «...وَقَوْ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَالْحُجَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى وَقَوَّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَثَبَّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَقَاتِنَا...»<sup>۲</sup>.

پس نتایج تجدید بیعت عبارت خواهد بود از: یقین‌افزایی، محبت روزافزون، مهدی‌زیستی عمیق‌تر، انتظار پیوسته و پویا به معنی مهدی‌یاوری اجتماعی فراگیرتر، آمادگی هرچه بیش‌تر از پیش و...

البته در ادعیه و روایات مهدوی بر همیشگی بودن توجه به تجدید بیعت تأکید شده است؛ بدین جهت شکی نخواهد بود که همانند فرهنگ‌سازی تاریخی معصومین علیهم‌السلام برای تجدید بیعت در عید غدیر، تجدید بیعت در نهم ربیع‌الاول نیز از جایگاه خاصی برخوردار خواهد بود.<sup>۳</sup> به ویژه که این تجدید بیعت، یادآور بیعت تاریخی شیعیان عراقی و ایرانی در آغاز امامت امام زمان علیه‌السلام است و اگر هر سال تکرار شود، می‌تواند این روز را در تقویم

۱. المزار، شهید اول، ص ۲۰۶ و بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۹۹، باب زیارة الإمام المستتر عن الأبصار الحاضر فی قلوب الأخیار.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۳، باب ذکر التوقیعات الواردة عن القائم علیه‌السلام.

۳. همان‌گونه که غسل این روز در فقه از غسل‌های مستحبی است. اصولاً در نگاه دینی، یکی از کارکردهای غسل مستحبی در زیارت‌ها، ابراز نوعی بیعت می‌باشد، بیعتی که از معبر تطهیر تمام وجود و نوسازی بدنی برای کسب آمادگی دیدار امام معصوم صورت می‌گیرد.

مناسبتی شیعه، تبدیل به روز «تجدید بیعت و میثاق» نماید. این فرهنگ، اگر با احیای بُن‌مایه‌های موعودطلبی فطری انسان‌ها و منجی‌خواهی در ادیان ابراهیمی و دیگر فرَق و مذاهب، جهانی شود، در بلندمدت تبدیل به «روز جهانی تجدید بیعت و میثاق» خواهد شد.

تبلور تجدید بیعت سالیانه با امام غائب در صبح‌گاه نهم ربیع‌الاول در قالب رفتارهایی دینی، چون غسل عید، خواندن دعای عهد، نوسازی اخلاق و رفتار با خانواده، دوستان، شهروندان و دین‌داران، شادسازی محیطی، تجمع بیعت‌کنندگان و ابراز بیعت جمعی و ... نمایان می‌شود که مهدی‌باوران را به احیا و پاس‌داشت امر و مقام و منزلت امام زیبایی‌ها و مهربانی‌ها نزدیک‌تر می‌سازد؛ تا جایی که شیعیان در هر نقطه از جغرافیای حضور و زندگی‌شان با نقش‌آفرینی منتظرانه خود، آرزوها و خواست‌های اجتماعی امام را در جغرافیای منطقه خود محقق خواهند ساخت و در نهایت، آنان را مصداق آیه ۵۴ سوره مائده و در زمره پرچم‌داران این آیه قرار خواهد دهد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَأَ يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [آنان] با مؤمنان، فروتن، و بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش

هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایش‌گر داناست».

به اقتضای آیه اولویت،<sup>۱</sup> نقطه اوج این یآوری در گذشته در اصحاب-الحسین تبلور یافت و در آینده در اصحاب‌المهدی نمایان خواهد شد. معنا و مصداق بیعت و تجدید بیعت و اهداف مترتب بر آن نیز از منظر دعای عهد چنین است:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُحَامِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مَنْنِي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مِنْهَجَهُ وَ اسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ اشْدُدْ أَزْرَهُ...»<sup>۲</sup>

در این دعا مصادیق تجدید بیعت چنین بیان شده است: نصرت و یآوری و دفاع از امام، سرعت در انجام نیازهای روزانه امام، حمایت از امام، سبقت در انجام اراده‌های امام و... تا بدان حد که در نهایت، پایان زندگی منتظر، با

۱. «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ». سوره احزاب، آیه ۶

۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱، باب زیارة الإمام المستتر عن الأبصار الحاضر فی قلوب الأخیار.



شهادت در پیش روی امام و همراه با رضایت ایشان باشد.<sup>۱</sup>

## سخن پایانی

هر روز صبح که خورشید طلوع می کند، گل های آفتاب گردان به سرعت سر به سوی آن برمی گردانند تا لحظه ای از نور روشنی بخش و پرثمر آن را از دست ندهند. و این، آغاز معاشقه لحظه به لحظه گل های آفتاب گردان و خورشید است که با تمام سختی و دشواری، ادامه خواهد یافت؛ شیفتگی و معاشقه ای که هر روز برای گل ها تازگی دارد و بر داشته ها و ارزش هایشان می افزاید.

نهم ربیع الاول، عید آغاز تابش خورشیدی است که اگرچه پشت ابر است، ولی وجود دارد. اگر عهد ما با او پیوسته باشد می تواند در پیوندی سریع، به طلوع خورشید روز ظهور بیانجامد.

برگزاری جشن های فراگیر بیعت و نمایش آمادگی سالیانه، باعث پویایی هرچه بیش تر زندگی مهدوی و نشاط هرچه بیش تر جامعه منتظر در مسیر زمینه سازی خواهد شد؛ چراکه در این جشن، بر خلاف جشن نیمه شعبان — که با هدف ابراز عشق و اردات کلی منتظران صورت می گیرد — منتظران تلاش می کنند که دستاوردهای یک سال انتظار خود را به نمایش بگذارند. بدین جهت، جشن های بیعت، جشن نمایش و تجلی بیعت های روزآمد

---

۱. شرح و توضیح بیشتر این مراحل و فرایند یآوری، در کتاب سبک زندگی مهدوی ارائه خواهد شد. ان شاء الله

منتظران به حسب ظرفیت‌ها، استعدادها و فرصت‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی آن‌هاست. برگزاری هر ساله این جشن، در فضایی از نشاط و امید و سرزندگی، به بالندگی هرچه پیش‌تر بیعت‌ورزی‌ها منجر خواهد شد و جوامع شیعه را برای ایفای هرچه بهتر رسالت زمینه‌سازی یاری خواهد رساند. ان-شاءالله.

## دعای عهد

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ  
وَ الْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَ سَهْلِهَا وَ  
جَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَ مَيْتِهِمْ، وَ عَنْ وَالِدَيَّْ وَ وُلْدِي، وَ عَنِّي، مِنْ الصَّلَوَاتِ وَ  
التَّحِيَّاتِ زِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مُنْتَهَى رِضَاهُ، وَ عَدَدَ مَا  
أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ.

اللَّهُمَّ أَجِدِّدْ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي  
رَقَبَتِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَ فَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَ  
خَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ  
اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ  
بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ،  
فَقُلْتُ: صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٍ، عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ وَ  
آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup>

---

۱. این دعا در *مفاتیح الجنان* پس از دعای ندبه و پیش از دعای عهد قرار دارد. موجزتر از  
دعای عهد معروف است و هر صبح پس از نماز صبح خوانده می‌شود. بن‌مایه آن هم  
عهد و پیمان با امام موعود علیه السلام پس از هر نماز صبح است. *المزار الکبیر*، ص ۶۶۲  
باب ذکر ما یزار به مولانا صاحب الزمان علیه السلام.

پروردگارا! درودها و تحیت‌های ایمان‌آوردگان را از مرد و زن، در تمام جهات، در شرق و غرب، در صحرا و دریا، در بلندی و پستی، زنده و مرده، و درودهای من و پدر، مادر و فرزندانم را به مولایم، امام عصر علیه السلام برسان؛ درودها و تحیت‌هایی به اندازه و گستره عرش خدا و به شماره سخنانش و نهایت مرتبه خشنودی او و به شماره آن‌چه در کتاب آفرینشش برشمرده و دانشش بدان احاطه دارد.

خدایا! من تجدید می‌کنم در این روز و در هر روزی، عهد و پیمان و بیعتی را که از حضرت بقیه‌الله علیه السلام بر گردن من است.

معبودا! چنان که بدین افتخار مشرفم کردی و بدین فضیلت برتری‌ام دادی و مخصوصم کردی بدین نعمت، پس بر مولایم و آقایم و صاحب این عصر علیه السلام رحمت فرست و مرا از یاران و پیروان و مدافعان او و در زمره شهادت‌یافتگان با میل و رغبت و نه از روی اکراه در پیش رویش قرار بده، و در صفی که اهل آن را در کتاب خود چنین ستوده‌ای: صفی استوار چون آهن و صفی در راه طاعت و فرمان‌برداری تو، رسول تو و خاندان او که بر آنان درود باد!

پروردگارا! این بیعت با او بر گردن من است تا روز قیامت.

## کتابنامه

### الف) کتابها

#### قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره: ۱۳۷۸ق.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، الخصال، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول: ۱۳۶۲ ش.

۳. \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمه، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.

۴. \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، قم: دارالحدیث، چاپ اول: ۱۳۸۰ ش.

۵. ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال الاعمال، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم: ۱۳۷۶ ش.

۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایه، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م.

۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم: قیوم، ۱۴۱۹.

۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۹. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، چاپ اول: ۱۴۱۶ق.

۱۰. \_\_\_\_\_، الغدیر، ترجمه جمعی از نویسندگان، تهران: بنیاد بعثت.

۱۱. انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، قم: دلیل ما، ۱۴۲۸ ق.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر، چاپ اول: ۱۴۱۷ق.
۱۳. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول: ۱۳۸۲ ش.
۱۴. جعفریان، رسول، اطلس شیعه، تهران: سازمان جغرافیایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷.
۱۵. \_\_\_\_\_، تاریخ تشیع در ایران (تا قرن دهم هجری)، ۲جلدی، قم: انتشارات انصاریان، چاپ اول: ۱۳۷۵ ش.
۱۶. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم: ۱۳۸۵ ش.
۱۷. حسین، مونس، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۵ ش.
۱۸. حرعاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة و النصوص و المعجزات، بیروت: اعلمی، چاپ اول: ۱۴۲۵ق.
۱۹. حسینی زبیدی واسطی، سید مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۰. خزعلی، ابوالقاسم، موسوعة الإمام الهادی علیه السلام، قم: مؤسسه ولی العصر، ۱۴۲۴ق.
۲۱. رضائی آدریانی، محمد، انسان‌شناسی و مهدویت، همین ناشر، بزودی.

۲۲. \_\_\_\_\_ ، سلمان فارسی الگوی زندگی مهدوی، قم: مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول: ۱۳۹۲.
۲۳. سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت، قم: مرکز تخصص مهدویت، چاپ سوم: ۱۳۸۷.
۲۴. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، مصر: مؤسسه قرطبه.
۲۵. صفائی حائری، علی، درس‌هایی از انقلاب، ليله القدر، ۱۳۸۶.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم: ۱۴۱۷ ق.
۲۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: مرتضی، چاپ اول: ۱۴۰۳ ق.
۲۸. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من السیره النبی الاعظم، قم: دارالحدیث، چاپ اول: ۱۴۲۶ ق.
۲۹. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، المزار، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۰ ق.
۳۰. عطاردی، عزیزالله، مسند الإمام العسکری أبی محمد الحسن بن علی علیه السلام، بیروت: دار الصفوه.
۳۱. عکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول: ۱۴۱۳ ق.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت: اعلمی، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲.
۳۶. کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.



۳۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران: اسلامیه، چاپ دوم: ۱۳۶۳ ش.
۳۸. موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم: ۱۳۷۴ ش.
۳۹. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، ترجمه کامل المنجد الابدی، بی جا، بی تا.
۴۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیة، تهران: مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۴۱. واقدی، ابن سعد، الطبقات کبری، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۱۸ ق.
۴۲. یزدی، محمد کاظم، عروة الوثقی، تصحیح: احمد محسنی سبزواری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول: ۱۴۱۹ ق.

### ب) نرم افزارها

۱. آخرین ذخیره، گروه فرهنگی هنری بشارت.
۲. درایة النور، نسخه ۱/۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۳. جامع التفاسیر، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۴. جامع الفقه اهل بیت علیهم السلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۵. سیره معصومان علیهم السلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۶. گنجینه روایات نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۷. نور الجنان، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۸. نور السیرة (جامع منابع تاریخ اسلام)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۹. مکتبه الشامله، مؤسسه المکتبه الشامله.

### ج) سایتها

۱. دائره المعارف اینترنتی ویکی پدیا، به نشانی [www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org)